

حيوان محمدي

تہذیب

زندگی مہلوی اورانی و اورانی مہلوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگی مهدوی: (اخلاق و اوصاف منتظران)

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	زندگی مهدوی: (اخلاق و اوصاف منتظران)
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست مطالب
۱۸	سخنی با شما
۲۰	بخش اول: اخلاق فردی
۲۰	اشاره
۲۲	ایمان و خدامحوری
۲۶	زندگی معنوی
۳۰	بصیرت دینی
۳۴	یاد خدا و ذکر
۳۷	یاد مرگ و قیامت
۴۱	انس با قرآن
۴۴	انس با مسجد
۴۸	دعا، عبادت، تهجد
۵۱	تعهد به آداب و سنن دینی
۵۴	تقوا و ترک گناه
۵۷	اخلاص
۶۰	قناعت
۶۳	صبر و شکیب
۶۷	ادب
۷۰	حفظ زبان
۷۳	محاسبه نفس

۷۷	طهارت
۸۰	همدلی با اهل بیت علیهم السلام
۸۴	بخش دوم: رفتار اجتماعی
۸۴	اشاره
۸۶	حُسن خلق
۹۰	محبت و دوستی
۹۴	صدق و امانت
۹۷	تعاون
۱۰۰	رعایت حقوق دیگران
۱۰۳	تقدیر و سپاس
۱۰۷	نقدپذیری
۱۱۰	خدمت به مردم و نیازمندان
۱۱۳	وفای به عهد و قول و قرار
۱۱۶	عفاف و حجاب
۱۲۰	امر به معروف و نهی از منکر
۱۲۴	عمل به تکلیف
۱۲۸	درآمد و کسب حلال
۱۳۲	وحدت و همبستگی
۱۳۶	ولایتمداری و پیروی از علمای دین
۱۴۱	توئی و تبری
۱۴۵	عصر ظهور، الگو برای عصر غیبت
۱۴۸	بخش سوم: اوصاف منتظران
۱۴۸	اشاره
۱۵۰	انتظار فرج
۱۵۲	امید به آینده
۱۵۵	شناخت حجت خدا

- ۱۵۸ ----- عهد و پیمان با مولا
- ۱۶۱ ----- اصلاح جامعه و مبارزه با مفسد
- ۱۶۳ ----- دعا برای ظهور
- ۱۶۶ ----- شهادت طلبی
- ۱۶۹ ----- صبر بر هجران و حفظ ایمان
- ۱۷۴ ----- زمینه سازی و تمهید
- ۱۷۸ ----- تربیت ولایی فرزندان
- ۱۸۱ ----- بصیرت و بینش
- ۱۸۴ ----- یاد امام زمان علیه السلام
- ۱۸۶ ----- تقوا، زمینه ساز دیدار
- ۱۸۹ ----- احساس حضور در محضر
- ۱۹۲ ----- همچون یاران مهدی علیه السلام
- ۱۹۴ ----- عمل به توصیه های حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۹۷ ----- الگو برای خانواده و دیگران
- ۲۰۰ ----- تبلیغ فرهنگ انتظار
- ۲۰۴ ----- جمعه و انتظار
- ۲۰۷ ----- عطر انتظار
- ۲۱۲ ----- منابع و مآخذ
- ۲۱۶ ----- درباره مرکز

زندگی مهدوی: (اخلاق و اوصاف منتظران)

مشخصات کتاب

سرشناسه:محدثی، جواد، ۱۳۳۱ -

عنوان و نام پدیدآور:زندگی مهدوی: (اخلاق و اوصاف منتظران)/ جواد محدثی.

مشخصات نشر:قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری:۲۰۰ص.

شابک:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۱-۰۷

وضعیت فهرست نویسی:فیا

موضوع:محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- غیبت

موضوع:مهدویت—انتظار

شناسه افزوده:بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

رده بندی کنگره:BP۲۲۴/۴م ۳ز ۹ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی:۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی:۳۲۷۷۴۲۲

ص:۱

اشاره

زندگی مهدوی (اخلاق و اوصاف منتظران)

مؤلف: جواد محدّثی

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

نوبت چاپ: اول/ پاییز ۱۳۹۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۰۷-۱

شمارگان: دو هزار نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

- قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱(داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶)/ ۳۷۸۴۱۱۳۰(فروش)/ ۷۸۴۱۱۳۱۳(مدیریت)/ فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

- تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

www.mahdi۳۱۳.com

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فؤادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، هادی معزی (طراح جلد)، رضا فریدی (صفحه آرا) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

حسین احمدی

کد فایل ۵-۰۹۲۶۸

ص: ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

سلام بر مهدی...

موعود امت ها، بهار دوران ها، احیاگر شریعت و قرآن، حیات بخش حقیقت و ایمان، یادگار پاکان و وارث رسولان و امامان.

سلام بر مهدی...

تکرار محمد صلی الله علیه و آله و سلم، دوباره حیدر، زاده زهرا، منتقم خون ثارالله، نوید روشن تاریخ، پیشوای زمین و زمان، عطر گلستان عترت، وعده راستین خدا، پیام آور فردای روشن انسان ها.

سلام بر مهدی...

مصلح موعود، دعای مستجاب رسولان، بقیه الله، میثاق خدا با انسان، روح جاری در همه عصرها و دوران ها، امید مستضعفان و درهم کوبنده جباران.

سلام بر مهدی...

آن سفر کرده غایب، آن حاضرتر از حاضر، آن پنهان از نظر، اما همیشه بر ما ناظر.

فهرست مطالب

سخنی با شما ۹

بخش اول: اخلاق فردی ۱۱

ایمان و خدامحوری ۱۳

زندگی معنوی ۱۷

بصیرت دینی ۲۱

یاد خدا و ذکر ۲۵

یاد مرگ و قیامت ۲۸

انس با قرآن ۳۲

انس با مسجد ۳۵

دعا، عبادت، تهجد ۳۹

تعهد به آداب و سنن دینی ۴۲

تقوا و ترک گناه ۴۵

اخلاص ۴۸

قناعت ۵۱

صبر و شکیب ۵۴

ادب ۵۸

حفظ زبان ۶۱

محاسبه نفس ۶۴

طهارت ۶۸

همدلی با اهل بیت علیهم السلام ۷۱

ص: ۵

بخش دوم: رفتار اجتماعی ۷۵

حُسن خلق ۷۷

محبت و دوستی ۸۱

صدق و امانت ۸۵

تعاون ۸۸

رعایت حقوق دیگران ۹۱

تقدیر و سپاس ۹۴

نقدپذیری ۹۸

خدمت به مردم و نیازمندان ۱۰۱

وفای به عهد و قول و قرار ۱۰۴

عفاف و حجاب ۱۰۷

امر به معروف و نهی از منکر ۱۱۱

عمل به تکلیف ۱۱۵

درآمد و کسب حلال ۱۱۹

وحدت و همبستگی ۱۲۳

ولایت‌مداری و پیروی از علمای دین ۱۲۷

تولی و تبّری ۱۳۲

عصر ظهور، الگو برای عصر غیبت ۱۳۶

بخش سوم: اوصاف منتظران ۱۳۹

انتظار فرج ۱۴۱

امید به آینده ۱۴۳

شناخت حجت خدا ۱۴۶۱

عهد و پیمان با مولا ۱۴۹

اصلاح جامعه و مبارزه با مفسد ۱۵۲

ص: ۶

دعا برای ظهور ۱۵۴

شهادت طلبی ۱۵۷

صبر بر هجران و حفظ ایمان ۱۶۰

زمینه سازی و تمهید ۱۶۵

تربیت ولایی فرزندان ۱۶۹

بصیرت و بینش ۱۷۲

یاد امام زمان علیه السلام ۱۷۵

تقوا، زمینه ساز دیدار ۱۷۷

احساس حضور در محضر ۱۸۰

همچون یاران مهدی علیه السلام ۱۸۳

عمل به توصیه های حضرت مهدی علیه السلام ۱۸۶

الگو برای خانواده و دیگران ۱۸۹

تبلیغ فرهنگ انتظار ۱۹۲

جمعه و انتظار ۱۹۶

عطر انتظار ۱۹۹

منابع و مآخذ ۲۰۲

ص: ۷

در دعاها بسیار گفته می شود:

«خدایا! ما را از منتظران واقعی امام زمان قراربده.»

منتظر واقعی کیست؟ مگر منتظران غیر واقعی و غیر حقیقی هم داریم؟

یک «منتظر» چگونه باید باشد؟ چه ویژگی ها و اوصافی باید داشته باشد؟ چگونه زندگی کند؟ اخلاق او چگونه باشد؟ چه کند که امام عصر علیه السلام از او راضی باشد؟ چه نوع زندگی، مطلوب و محبوب امام زمان است؟

تلاش برای رسیدن به این که «زندگی امام زمان پسند» چیست و چگونه باید باشیم تا آن حضرت از ما و رفتار و زندگی ما خرسند و راضی باشد، هم به ما «بصیرت» می دهد، هم «انگیزه» می آفریند.

گرچه در یک کلمه می توان گفت: امام عصر، کسی را می پسندد و بر زندگی او مهر تأیید می زند که «مؤمن» باشد و همراه با ایمان، «عمل صالح» داشته باشد، ولی این جواب، کلی است. کمی باید ریزتر و عینی تر شود و مشخصات و جزئیات داشتن ایمان و عمل صالح روشن گردد. در آن صورت بهتر می توان به «زندگی مطلوب امام زمان» دست یافت و آن شیوه را در زندگی فردی و اجتماعی اجرا کرد.

دست یافتن به رضای خدا و رسول و اولیای دین، برای ما از مهم ترین خواسته هاست و از آرزوهای مقدس همه ما این است که در فکر و عقیده و

اخلاق و عمل و در سلوک شخصی و معاشرت های اجتماعی و موضع گیری سیاسی و تعامل با دیگران، همچنین در عرصه کسب و کار و دخل و خرج و روابط و دوستی ها و دشمنی ها و قطع و وصل ها و درآمدها و هزینه کردن ها و کلاً در «زندگی»، آنگونه باشیم که بتوانیم رضای خالق و نظر پیشوایان دین را تأمین کنیم و ادعا کنیم که آنگونه هستیم که از ما خواسته اند و انتظار دارند.

مگر می توان ادعای «انتظار» داشت، ولی برای حضور در زمان «ظهور»، آمادگی نداشت؟

مگر می توان خود را از منتظران دانست، ولی «اوصاف منتظران» را نداشت؟

مگر می توان خود را «شیعه» معرفی کرد، ولی از «پیروی» و اطاعت از «امام معصوم»، فاصله گرفت؟

باری... پژوهشی که انجام گرفته و تقدیم شما می شود، بر اساس آیات و روایات و منابع دینی و برخی از وقایع و سیره های تاریخی است. بنابر اختصار بوده است، و گرنه هم موضوعات قابل بحث بسیار است، هم در هر موضوعی بیش از این می توان مطلب آورد.

امید است که سودمند افتد و حیات و مامت ما در خطّ محمد و آل محمد باشد و آن گونه که در دعاها و زیارت ها آمده است «اللّهم اجعلْ محیایَ محیا محمدٍ و آل محمدٍ» (۱) سبک زندگی ما، اسلامی، ولایی، مهدوی و مهدی پسند باشد.

این است رمز و راز رستگاری در دنیا و آخرت.

قم. جواد محدثی

بهار ۹۲

ص: ۱۰

۱- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۹۲، (زیارت عاشورا).

بخش اول: اخلاق فردی

اشاره

ص: ۱۱

ایمان به خدا، گوهری است که از هزاران سال پیش تا کنون، در دل خداپرستان و موحدان بوده است و به زندگی‌ها جهت و معنی و زیبایی بخشیده است.

در مقابل اهل ایمان، کافران و مشرکان بوده اند که با خطّ انبیا به مقابله برخاسته اند.

ایمان، نوری است که دل را روشن می‌کند و انسان را از بت پرستی، هواپرستی، دنیاپرستی و شیطان پرستی نجات می‌دهد. ایمان به خدا، ایمان به معاد، ایمان به رسولان الهی و کتب آسمانی، ایمان به فرشتگان خدا، ایمان به حقایق بهشت و جهنم و وعده‌های الهی و... از مواردی است که در آیات قرآن آمده است و خداوند بارها اهل ایمان را با خطابِ «یا ایها الذّین آمنوا» مورد عنایت قرار داده و اوامر و نواهی خویش را بیان فرموده است، تا خدا باوران، به آن عمل کنند.

ایمان، تنها گفتنِ «شهادتین» و اقرار زبانی نیست. هم اعتقاد قلبی است، هم اقرار زبانی، هم عمل با اعضا و جوارح. نمود عینی ایمان، در عمل آشکار می‌شود. به تعبیر مولا علی علیه السلام:

به وسیله کارهای شایسته، بر ایمان استدلال می شود.

کسی که ایمان به خدا داشته باشد، تنها به او تکیه می کند، تنها از او یاری می طلبد، تنها از او می ترسد و در پاداش و کیفر، تنها از او حساب می برد.

موحد چو در پای ریزی زرش

و یا تیغ هندی نهی بر سرش

امید و هراسش نباشد ز کس

همین است معنای توحید و بس

ایمان، گاهی ضعیف می شود و گاهی قوی؛ گاهی آسیب می بیند و گاهی از دست می رود. شیاطین همواره می کوشند که گوهر ایمان را از مؤمنان بربایند. ایمان به آخرت و معاد، بازدارنده انسان از فساد و ظلم و گناه است.

مروّجان فساد، می کوشند این ایمان را سست کنند و در دل ها شک بیافرینند. ایمان به وجود حضرت مهدی علیه السلام، امید دهنده و انگیزه آفرین برای عدالت خواهی و ظلم ستیزی است. دشمنان حق می کوشند با طرح شبهه ها و اشکالات، این عقیده را متزلزل کنند.

امام زمان علیه السلام خطاب به جمعی از شیعیان _ که پس از امام عسکری علیه السلام دچار شک و تردید در امامت شده بودند _ نوشت:

خداوند، ما و شما را از فتنه ها مصون دارد و روح یقین را عنایت کند و همه ما را از فرجام بد نگه دارد. به من خبر رسیده که گروهی از شما در دین دچار شک شده و در امامت امامان خود، تردید و حیرت پیدا کرده اند. ما از این جهت

ص: ۱۴

اندوهناک شدیم و درباره شما متأسف و ناراحت گشتیم... (۱)

این حدیث، نشان می‌دهد که شک و تردید، به عنوان «آفت ایمان» در همان عصر هم گاهی در فکر و باور برخی شیعیان راه می‌یافته که امام، هشدار می‌دهد و در همین نامه، با ادله‌ای شبهات آنان را پاسخ می‌دهد تا بصیرت دینی شان افزوده شود.

به هر حال، حفظ ایمان در همه حال و دخالت دادن ایمان به خدا در همه امور و همه حالات زندگی، انسان را در مسیر صلاح و کمال و بندگی قرار می‌دهد. ایمان باید کاربردی باشد، در تنهایی و جمع، در بازار و اداره، در خانه و مدرسه و دانشگاه، در جبهه جنگ و در سنگر کار و تولید، در کار فرهنگی و علمی و در امور اجتماعی و خدماتی باید «خدا محور» نقش خود را ایفا کند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت است:

لَا يُقْبَلُ إِيمَانٌ بِلاَ عَمَلٍ وَ لاَ عَمَلٌ بِلاَ إِيمَانٍ؛ (۲)

ایمان بدون عمل و عمل بدون ایمان پذیرفته نیست.

عمل بدون ایمان، نوعی نفاق و تظاهر است و ایمان بدون عمل هم ایمان واقعی نیست، چون ایمان باید در زندگی و رفتار مؤمن اثر کند، و گرنه تنها گفتن به زبان کافی نیست.

وقتی در کلام حضرت علی علیه السلام آمده است که: انسان طعم ایمان را نمی‌چشد

ص: ۱۵

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

۲- میزان الحکمه، حدیث ۱۲۹۰.

مگر آن که دروغ را _ چه جدی و چه به شوخی _ ترک کند، (۱) معلوم می شود که ایمان حتی در گفتار هم نقش دارد و یک مؤمنِ خدامحور نمی تواند دروغگو باشد.

ص: ۱۶

۱- میزان الحکمه، حدیث ۱۳۶۹.

هرچند تلاش برای تأمین زندگی، نشاط و شادابی و تفریحات سالم، مراعات بهداشت و تندرستی، رفت و آمد با مردم و روابط اجتماعی، فعالیت های علمی و آموزشی و... همه خوب و لازم و توصیه اسلام است، هرگز جای «نیاز روحی و معنوی» را نمی گیرد.

بخشی از فرصت ها باید به عبادت و نماز و دعا و تفکر و امور معنوی بگذرد، تا «خلاً معنویت» پیش نیاید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اوقات درون خانه را سه بخش می کرد، بخشی برای خدا، بخشی برای خانواده، بخشی هم برای امور شخصی خویش. (۱) آن حضرت به نماز عشق می ورزید، نشست و برخاستش همواره با یاد خدا بود، از نماز سیر نمی شد، وقت نماز که می رسید، چنان حالش دگرگون می شد که گویا کسی را نمی شناسد، برمی خاست و در پی نماز می رفت. (۲)

کسی که چنان در مسائل زندگی و کسب و کار و امور اداری و اجرایی و علمی و آموزشی غرق می شود که فرصت یا حال خلوت با خدا و تقویت روح

ص: ۱۷

۱- مکارم الاخلاق، ص ۱۳.

۲- سنن النبی، ص ۲۵۱.

معنوی و استمداد از پروردگار نداشته باشد، زیانکار است. همه امامان ما بخشی از فرصت خود را به امور معنوی و ذکر و سجود و توجه به معبود می گذرانند. این که نمازهای واجب روزانه به پنج وقت اختصاص یافته، برای آن است که صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء، به یاد خدا باشیم و معنویت از زندگی ما حذف نشود. حضور در نماز جماعت و جمعه، رفتن به زیارت ائمه و زیارت قبور شهدا و اموات، مسجد جمکران، جلسه دعای کمیل و ندبه و... برای ایجاد این فضای معنوی در زندگی کمک می کند.

امام زمان علیه السلام نیز مثل ائمه دیگر در این زمینه برای ما سرمشق است. در زیارت آل یاسین، ما به حضرت مهدی علیه السلام سلام می دهیم، آنگاه که می نشیند و می ایستد، آنگاه که قرآن می خواند، آنگاه که در نماز و قنوت است، آنگاه که به رکوع و سجود می رود، آنگاه که خدا را حمد می کند و تسبیح و تکبیر می گوید و استغفار می کند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَصَلِّيَ وَ تَقُنْتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرَكُّعَ وَ تَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَهَلَّلُ وَ تُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ. (۱)

لحظات نماز و رکوع و سجود و ذکر و دعا و ستایش آن حضرت، آن قدر برای ما عزیز و ستودنی است که بر آن حالات و لحظات امامان ارج می نهیم و به حضرتش سلام می دهیم.

زندگی معنوی به این است که از یاد نبریم که ما بنده ایم و خدایی داریم که مولای رحمان ماست، هرچه داریم نعمت های اوست، پس باید

ص: ۱۸

شکرگزارش باشیم. اگر گرفتاری و نیازی داریم دست به درگاه او بلند کنیم، اگر موفقیتی داریم از لطف او بدانیم، اگر خطا و گناهی می کنیم فوری به درگاهش معذرت خواهی و استغفار کنیم، نام و یاد او از زبان و دلمان نیفتد، به تقدیر او راضی و تسلیم باشیم، حاجتمان را از او بخواهیم، درد دلمان را با او بگوییم، او را بستاییم، از او مدد بجوییم، در پی کسب رضای او باشیم، انجام واجبات را جدی بگیریم، او را سبب ساز بشناسیم و توکلمان بر او باشد و خدا در زندگی ما جایی داشته باشد. در یکی از دعاهای امام زمان علیه السلام است:

وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يَسْطُ كَفًّا اِلَّا اِلَيْكَ؛ (۱)

مرا از آنان قرار بده که جز به درگاه تو دست طلب نگشایم.

بعضی ها تنها وقتی به یاد خدا می افتند که دچار دردسر و گرفتاری می شوند. خدا همیشه دوست دارد صدای نیایش بنده اش را بشنود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

هیچ چیز نزد خدا محبوب تر از آن نیست که از او درخواست شود. (۲)

نیز فرمود:

سزاوارتر است که دعای مؤمن در حالت گشایش و آسایش، مثل دعایش در حال شدت و گرفتاری باشد. (۳)

در توصیه های معصومین آمده است که در حال خوب و خوش و عافیت و

ص: ۱۹

۱- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۲۶ (زیارت ناحیه مقدسه).

۲- بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۳.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۸.

آسودگی هم دعا کنید، چنان نیست که در این وضع، بی نیاز از خدا باشید، بلکه به دعا محتاج ترید، زیرا ممکن است موجب غفلت و غرور گردد.

وقتی سایه ای از معنویت و یاد خدا بر زندگی ها سایه افکن باشد، خدا هم بنده اش را دوست خواهد داشت و به او عنایت خواهد کرد.

خداوند به حضرت داوود وحی کرد:

ای داوود! در دوران خوشی و راحتی مرا یاد کن، تا من هم دعای تو را در ایام رنج و ناراحتی استجابت کنم. [\(۱\)](#)

خوشا به نیمه شبی با خدا صفا کردن

زبان حال گشودن، ز دل دعا کردن

تمام لذت عالم نمی رسد قدرش

به یک دقیقه مناجات با خدا کردن [\(۲\)](#)

ص: ۲۰

۱- بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۸۱.

۲- ژولیده نیشابوری .

بصیرت، به معنای بینش عمیق در مسائل فکری و اجتماعی است، تا انسان فریب نخورد، باطل را به جای حق نپذیرد، مورد سوءاستفاده دشمنان قرار نگیرد، دچار فتنه های اجتماعی نشود و معنای «زندگی صحیح» را بر مبنای رهنمودهای دین بشناسد و پیرو امامان معصوم باشد.

اگر چشم و بصر، برای دین راه و چاره است تا در چاه نیفتیم، بینایی و بصیرت هم برای شناخت حق و باطل و دوست و دشمن و راه و بیراهه است، تا گمراه نشویم و بازیچه شیطان نگردیم.

امام علی علیه السلام فرمود:

نَظَرُ الْبَصْرِ لَا يُجْدِي إِذَا عَمِيَتِ الْبَصِيرَةُ؛^(۱)

نگاه چشم فایده ندارد، آنگاه که چشم بصیرت کور باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

لَيْسَ الْأَعْمَى مَنْ يَعْمَى بَصْرُهُ، إِنَّمَا الْأَعْمَى مَنْ تَعَمَّى بِصَيْرْتُهُ؛^(۲)

کور، کسی نیست که چشمش نابینا باشد، همانا کور کسی

ص: ۲۱

۱- غررالحکم، حدیث ۹۹۷۲.

۲- میزان الحکمه، حدیث ۱۷۳۵.

است که چشم بصیرتش کور باشد.

«بصیرت در دین»، توصیه امامان به شیعه است. کسی که دین خود را عمیقاً نشناسد و باورهای دینی را از افراد صالح و دین شناس فرانگیرد، با کوچک ترین شبهه دچار انحراف می شود و با اغواگری های افراد منحرف، به مذهب های ساختگی و فرقه های پوچ کشیده می شود و از مسلمانی فاصله می گیرد.

اگر بصیرت بود، کسانی فریب ادعاهای امام زمانی و خدایی «سید علی محمد باب» را نمی خوردند و او را به عنوان امام زمان یا خدا نمی شناختند و بهایی نمی شدند.

اگر بصیرت باشد، شیعه هرگز با شنیدن چند شبهه از سوی مخالفان، در اعتقادات خود دچار تزلزل و شک نمی شود.

از شاخص های بصیرت دینی، شناخت حجت خدا و امام معصوم و عقیده به امامت است، چه در عصر حضور، چه در دوران غیبت. اگر در دعای دوران غیبت از خدا می خواهیم که «اللهم عَرِّفْنِي حَجَّتَكَ؛ خدایا حجت خود را به من بشناسان» برای مصون ماندن از گمراهی و ضلالتی است که دنبال همین جمله آمده است: «اگر حجت خود را به من نشناسانی از دینم گمراه می شوم».

امام باقر علیه السلام به یکی از اصحابش به نام ابوحمزه می فرماید:

ای اباحمه! هرگاه یکی از شما چند فرسخ بیرون می روید، برای خودتان «راهنما» انتخاب می کنید. شما به راه های آسمان ناآشنا تر از راه های زمین هستید. پس برای خودت

دلیل و راهنمایی بطلب! (۱)

این سخن، به ضرورت کسب معرفت صحیح دینی از راه های مطمئن و مورد قبول اشاره دارد. در عصر امامان، دین را باید از آن معصومین فراگرفت و در عصر غیبت، از علمای دین که کارشناسان امور دینی اند. در این صورت، احتمال گمراهی و خطا بسیار کمتر است.

امام صادق علیه السلام در تشویق جوانان شیعه به معرفت آموزی صحیح و دین شناسی عمیق و با بصیرت، فرمود:

كَيْتَ السَّيْطِ عَلَى رُؤُوسِ أَصْحَابِي حَتَّى يَتَفَقَّهُوا فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ؛ (۲)

کاش تازیانه به سر یارانم باشد تا در مورد حلال و حرام، دین شناس بار آیند.

نیز فرمود:

لَوْ أُتِيتُ بِشَابٍِّ مِنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُهُ، لِأَدَّبْتُهُ؛ (۳)

اگر جوانی از جوانان شیعه را نزد من آورند که دین خود را نمی شناسد، ادبش می کنم.

این تعبیرات، نشانه اهتمام امام صادق علیه السلام به بصیرت دینی و دین شناسی جوانان شیعه است، تا در اثر بی اطلاعی از مبانی اسلام و تشیع و ناآگاهی از احکام شرع، به انحراف و گناه کشیده نشود. امام کاظم علیه السلام هم در حدیثی

ص: ۲۳

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲- بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۴.

۳- الحیاه، ج ۱، ص ۵۴؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۴.

می فرماید:

تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ، فَإِنَّ الْفِقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ وَ تَمَامُ الْعِبَادَةِ...؛(۱)

در دین خدا، فقیه و بصیر شوید، چرا که فقه، کلید بصیرت و مایه کمال عبادت است....

همچنان که اشاره شد، این بصیرت تنها در امور دینی و اعتقادی نیست، در امور اجتماعی هم مؤمن باید زیرک و هوشیار و بصیر باشد تا ملعبه دیگران نگردد و دچار امواج انحرافی نشود و به استخدام افراد فاسد و دستگاه های جبار و قدرت های ستمگر در نیاید.

ص: ۲۴

۱- تحف العقول، ص ۳۰۲.

از آن جا که «یاد خدا» نقش مهمی در پیشگیری از گناه و قرب به خدا دارد، توصیه خداوند در قرآن و پیامبر و ائمه در سفارش های اخلاقی شان آن است که همیشه به یاد خدا باشیم، هم یاد لفظی و ذکر گفتن های خاص، هم یاد قلبی و توجه به آن معبود بی همتا که خالق و رازق ماست و مالک روز قیامت است و بهشت و جهنم و عذاب و پاداش به دست اوست.

قرآن کریم، بارها فرموده است که به یاد خدا باشید (فاذکرو الله). امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است:

ذِكْرُ اللَّهِ رَأْسُ مَالِ كُلِّ مُؤْمِنٍ، وَ رِبْحُهُ السَّلَامَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ؛ (۱)

یاد خدا، سرمایه هر مؤمن است و دستاورد آن، ایمنی از شیطان است.

یاد خدا، مایه آرامش دل است: «أَلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.» (۲)

زندگی هایی که دور از یاد خدا باشد، تیره و تاریک است و بر افراد غافل از

ص: ۲۵

۱- غرر الحکم، حدیث ۵۱۵۷.

۲- رعد، آیه ۲۸.

خدا، عرصه زندگی تنگ می شود و گرفتار سختی ها می شود. (۱)

پرتو یاد خدا گر دهد آرایش دل

بگذرد عمر تو در سایه آرامش دل

هست تنها به خداوند قسم، یاد خدا

مایه راحت و آرامش و آسایش دل (۲)

مقید بودن به واجبات الهی و ترک گناهان و مشغول نشدن به دنیا و مادیات و غفلت نداشتن از خدا و دین و قیامت، از جلوه های این «یاد مقدس» است. خداوند به بندگان توصیه می فرماید که:

ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال و اولادتان شما را از ذکر خدا باز ندارد، که اگر چنین باشد، از زیانکارانید. (۳)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود:

هیچ عملی نزد خداوند، محبوب تر و برای بنده، نجات بخش تر از بدی های دنیا و آخرت، مثل «ذکر خدا» نیست. (۴)

وقتی زندگی پیامبران را می بینیم، ذکر خدا و تکرار نام های مقدس و محبوب پروردگار، از کارهای آنان بوده است. درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که آن حضرت «دائم الذکر» بود. امامان معصوم، برنامه های روزانه ذکر داشتند و ذکرهای مختلف و فراوانی که در کتاب های دعا آمده است، همه آموزه های ائمه به شیعیان نشان بوده است. وقتی اولیای خدا ذاکر بوده اند، وقتی خداوند، «ذاکرین» را دوست دارد و توصیه می فرماید که خدا را صبح و شام

ص: ۲۶

۱- طه، آیه ۱۲۴.

۲- مرحوم محمد حسین بهجتی (شفق).

۳- منافقون، آیه ۹.

۴- میزان الحکمه، حدیث ۶۳۴۹.

یاد کنید و «ذکر کثیر» داشته باشید، وقتی از کسانی ستایش می‌کند که ایستاده و نشسته و خوابیده، خدا را یاد می‌کنند. (۱)

وقتی تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام - که از ارزشمندترین یادگارهای حضرت زهرا - برای ماست، ذکر خدا را به ما می‌آموزد، و وقتی نماز، یاد خداست؛ پس در زندگی یک مؤمن و شیعه و منتظر، باید «یاد خدا» جایگاه والایی داشته باشد.

همچنان که اشاره شد، هم ذکرِ زبانی، هم ذکر عملی. ذکر عملی یعنی اینکه در همه صحنه‌ها و موقعیت‌هایی که ممکن است شیطان ما را وسوسه کند و به گناه بکشد (چه گناهان مالی، چه نگاه، چه تماس، چه زبان و...) به یاد خدا باشیم و گناه نکنیم. حتی در مصیبت‌ها و سختی‌ها و گرفتاری‌ها هم یاد خدا، آرامش می‌دهد.

امام علی علیه السلام فرمود:

ذکر، دو گونه است: یکی یاد خدا در مصیبت، که نیکو و زیباست.

و برتر از آن، یاد خدا هنگام حرام است، که این یاد، تو را از حرام و گناه باز می‌دارد:

«و أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ عَلَيْكَ، فَيَكُونُ ذَلِكَ حَاجِزاً.» (۲)

خدا را هرگز از یاد نبریم.

ص: ۲۷

۱- آل عمران، آیه ۱۹۱؛ نساء، آیه ۱۰۳.

۲- بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۵۰.

زندگی ما در دنیا همیشگی نیست و عمر ابدی نداریم. روزی باید این منزل را رها کرده، به سرای آخرت برویم. این حقیقت، با آن که روشن ترین مسأله است و ما همه روزه شاهد مرگ و میر انسان ها هستیم، ولی از آن غفلت می کنیم، و به سبب همین غفلت، دنیازده و اهل گناه می شویم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

أَكثِرُوا ذِكْرَ هَادِمِ اللَّذَاتِ؛^(۱)

از آن چه لذت ها را از بین می برد و درهم می ریزد (یعنی مرگ) زیاد یاد کنید.

امام علی علیه السلام هم می فرماید:

أَكثِرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ وَ يَوْمَ خُرُوجِكُمْ مِنَ الْقُبُورِ وَ قِيَامِكُمْ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، تَهْتُونَ عَلَيْكُمْ الْمَصَائِبُ؛^(۲)

بسیار یاد کنید از مرگ و از روزی که از قبرها بیرون می آید و در برابر خداوند (به حساب) می ایستید، تا مصیبت ها بر شما آسان شود.

ص: ۲۸

۱- بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۶۷.

۲- خصال، صدوق، ص ۶۱۶.

یاد مرگ و قیامت، هم بازدارنده از غفلت و گناه است، هم آرام بخش و از بین برنده غصه است، زیرا این دنیا بی وفاست و برای کسی نمی ماند و کسی هم برای دنیا نمی ماند. همه رفتنی اند، چه بزرگانی که عزت و شوکت و شهرت داشته اند، اما امروز زیر خاک اند!

یاد مرگ، در زندگی همه صالحان، برای ذخیره برداری برای آخرت و انجام عمل صالح است، زیرا فرصت عمر محدود است و پس از مرگ، بازگشتی در کار نیست و کسی که رهنوشه صالحات برای آخرت خویش بر ندارد، از زیانکاران است و بعداً پشیمان خواهد شد، پشیمانی هم سودی ندارد و مهلت دوباره به کسی نمی دهند.

یاد کردن مرگ و قیامت، آثار فراوانی دارد، از جمله:

۱. بی رغبتی به دنیا و اسیر نشدن به جاذبه های آن؛

۲. ایجاد روحیه قناعت؛

۳. کاستن از شهوات و گناهان.

از نتایج یاد مرگ و قیامت، «آمادگی برای مرگ» است.

تهیه ره توشه آخرت، از ضروری ترین برنامه های یک مؤمن است. راهی سخت و طولانی در پیش است. راهی که همه انبیا و اولیا، نگران آن بوده اند و از خوف مرگ و قیامت و حساب و کتاب محشر، اشک می ریختند.

آن چه این نگرانی را می کاهش دهد، توبه از گناهان و افزودن بر اعمال صالح است. «آن را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است؟»

این یاد و آمادگی، حتی انسان های مبارز و شهادت طلب را هم در راه اهدافشان پُرانگیزه تر و باصلابت تر می سازد و انسان های نیکوکار را به نیکی

بیشتر تشویق می کند. به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم:

مَنْ ارْتَقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ فِي الْخَيْرَاتِ؛^(۱)

هرکس منتظر و چشم به راه مرگ باشد، در نیکی ها هم پیشقدم می شود.

یک انسان منتظر، باید آن چنان رفتار و اعمالی داشته باشد که از فرا رسیدن مرگ، هراس نداشته باشد و آمادگی برای بار یافتن به محضر خدا و درک حضور پیامبران و امامان را داشته باشد. از حضرت علی علیه السلام درباره آمادگی برای مرگ پرسیدند. حضرت فرمود:

انجام واجبات، پرهیز از محرمات و برخورداری از مکارم و خوبی های اخلاقی، از این پس دیگر نگران آن نباشد که بر مرگ فرو آید، یا مرگ بر او فرود آید. به خدا سوگند، فرزند ابوطالب، بی خیال آن است که بر مرگ وارد شود، یا مرگ سراغش آید.^(۲)

به یاد مرگ بودن و برای آخرت و قیامت حساب باز کردن و رهتوشه برداشتن، از ملزومات زندگی یک «منتظر راستین» است.

بر لب جوی نشین و گذر عمر بین

کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس^(۳)

این که در زیارت آل یاسین یادی از اینگونه مسائل است و یاد می کنیم که خدای آفریننده، اعاده کننده هم هست و مرگ و قیامت و سؤال نکیر و منکر

ص: ۳۰

۱- بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۱.

۲- امالی، صدوق، ص ۹۷.

۳- حافظ.

در قبر و رستاخیز و صراط و حساب و کتاب و بهشت و جهنم و وعده و وعید الهی همه حق است، برای غافل نشدن از این مراحل سخت در آینده است (وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ أَنَّ نَاكِرًا وَ نَكِيرًا حَقٌّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَ الْبُعْثَ حَقٌّ وَ أَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ الْمِرْصَادَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ...)(۱).

این یاد، سازنده و آماده کننده است. از یادش نبریم!

ص: ۳۱

۱- مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

قرآن، منشور جاویدان اسلام و پیام آسمانی دین و معجزه جاوید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و عهدنامه الهی با بندگان است. ما نسبت به این کتاب عزیز، طبق رهنمودهای پیشوایان دین، سه وظیفه مهم و همیشگی داریم:

۱. خواندن و قرائت و تلاوت؛

۲. تأمل و تدبیر در آیات قرآن و فهم حقایق آن؛

۳. عمل به اوامر و نواهی الهی و احکام قرآن.

وقتی تلاوت و خواندن، به عنوان یک وظیفه و تکلیف مطرح است، پس باید مقدمات آن را هم فراهم کرد، یعنی قدرت بر قرائت و صحیح خوانی آیات که باید هم خودمان بتوانیم، هم به فرزندانمان بیاموزیم، چون از جمله حقوق فرزند بر پدر، آن است که به او قرآن یاد دهد: «وَيُعَلِّمُهُ الْقُرْآنَ» (۱)

تلاوت قرآن، هم صحبت شدن با خداوند است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَنْ يُحَدِّثَ رَبَّهُ فَلْيَقْرَأِ الْقُرْآنَ؛ (۲)

هرگاه یکی از شما دوست داشت که با پروردگارش صحبت کند، قرآن بخواند.

ص: ۳۲

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹.

۲- میزان الحکمه، حدیث ۱۶۴۹۷.

توصیه امامان این است که ما با قرآن مانوس و همدم باشیم و هر روز مقداری قرآن بخوانیم. حضرت صادق علیه السلام می فرماید:

الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ، فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً؛^(۱)

قرآن، عهدنامه الهی با بندگانش است و سزاوارتر است که یک مسلمان در این عهدنامه الهی بنگرد و هر روز پنجاه آیه از آن را بخواند.

امام سجاد علیه السلام نیز می فرماید: اگر همه مردم جهان، بین شرق و غرب عالم بمیرند؛ اگر قرآن با من باشد، هرگز دچار وحشت نمی شوم.^(۲)

این نشانه انس آن حضرت با کلام الهی است. در سیره امامان دیگر نیز، از جمله امام کاظم، امام صادق، حضرت رضا و... تلاوت قرآن آنان و انس با کلام الله نقل شده و در روایاتی هم به «مجالست با قرآن» توصیه شده و آثار و برکات آن ذکر شده است.

از امام زمان علیه السلام هم در زیارت آل یاسین با عنوان تلاوتگر آیات قرآن و ترجمان و مفسر آن یاد شده است: «السلام علیک یا تالی کتاب الله و ترجمانه».^(۳)

برای تلاوت آیات الهی، آدابی نقل شده است، چه آداب ظاهری و چه باطنی. آداب ظاهری مانند: قرآن خواندن با وضو و طهارت، مسواک زدن

ص: ۳۳

۱- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۴۹.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰۲.

۳- مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

قبل از تلاوت، رو به قبله بودن، خواندن با صدای زیبا، گوش دادن به تلاوت دیگران، حفظ قرآن و به خاطر سپردن آیات آن، حفظ ظاهری احترام قرآن و عدم توهین به آن. درباره «ادب باطنی» هم، قرائت با توجه و حضور قلب و عنایت به معانی و خود را مخاطب آیات خدا دیدن و به اوامر و نواهی آن عمل کردن و داشتن حالت خشوع قلبی و تدبیر در کلام خدا از آن جمله است.

در زندگی یک مسلمان، قرآن کریم باید نقش اساسی داشته باشد؛ هم انس با این کتاب مقدس و آسمانی، هم منطبق ساختن همه جهات زندگی با این منشور الهی و بهره گرفتن از پندها، مثل ها، هشدارها، قصه ها و رهنمودهایش.

قرآن حیات روشن دل هاست

قرآن فروغ و شمع محفل هاست

دل از فروغش نور می گیرد

جان از پیامش شور می گیرد

عطر دل انگیزش صفا دارد

درسی زاخلاص و وفا دارد

روشنگر سجاده و سنگر

سر لوحه هر خط و هر دفتر (۱)

ص: ۳۴

مساجد، کانون های مقدسی اند که به انسان آرامش روانی می دهند، خدا را به یاد می آورند، محلّ عبادت و نماز و نیایش اند و در روایات، از مسجد به عنوان «خانه خدا در زمین»، «محبوب ترین قسمت شهرها»، «خانه پارسیان» و... یاد شده است.

رفت و آمد به مسجد، مایه خیر و برکت در زندگی است. ورود به مسجد و حضور در مساجد، آداب و احکام خاصی دارد که در کتاب های فقهی آمده و همه، نشان دهنده جایگاه والای معنوی آن و نقش تربیتی و سازنده این عبادتگاه است. خود ما هم این تأثیر را در زندگی مسجیدیان می بینیم.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

هر کس که به مساجد رفت و آمد داشته باشد، به یکی از این امور هشت گانه دست می یابد:

۱. یافتن برادر ایمانی که در مسیر خدا از او بهره می گیرد؛ ۲. دانشی تازه؛ ۳. فهم و درک آیه ای از آیات قرآن؛ ۴. شنیدن سخنی هدایتگر و راهنما؛ ۵. رحمتی از پروردگار که مورد انتظار است؛ ۶. شنیدن سخنی که او را از گمراهی و هلاکت

باز می دارد؛ ۷. ترک گناه به سبب خدا ترسی؛ ۸. ترک گناه به سبب حیا از برادران دینی. (۱)

رفتن به مسجد، علاوه بر انجام عبادت و نماز، هم زیارت خانه خداست، هم شرکت در نماز جماعت است، هم حضور در مجالس دینی و شنیدن موعظه و سخنرانی، هم باخبر شدن از وضع و حال برادران مسلمان، هم تعاون و وحدت و همبستگی، و هم تعظیم شعائر دینی است و برکات اجتماعی و فواید سیاسی و اجتماعی دیگری هم دارد.

در طول تاریخ، همیشه مساجد، کانون تجمع ها و نماد همبستگی دینی و خاستگاه حرکت های اجتماعی و مبارزات مردمی و مرکز علم آموزی و تلاش های فرهنگی بوده است. امروز هم اگر مسجد، آن طور که شایسته است مدیریت شود و هیئت امنا و خادم و مؤذن و امام جماعت و... برنامه خوب داشته باشند، یکی از پایگاه های مهم اجتماعی و فرهنگی برای نشر حقایق و مقابله با مفاسد و خنثی کردن توطئه های تفرقه انگیز است.

قیام حضرت مهدی علیه السلام نیز از مسجد الحرام و از کنار کعبه مقدّس خواهد بود و ندای «یا اهل العالم» آن حضرت از کنار خانه خدا به گوش جهانیان خواهد رسید.

مساجد باید آباد باشد. آبادی مسجد هم تنها به ساختمان باشکوه و فرش های زیبا و گنبد و گلدسته و تجهیزات آن نیست، بلکه به حضور پرشور مردم و اجتماعات اثرگذار و نقش آفرینی در جهت دهی دینی و اخلاقی مردم است.

ص: ۳۶

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

المَسَاجِدُ سُوقٌ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ، قَرَاهَا الْمَغْفِرَةُ وَ تُحَفَّتُهَا الْجَنَّةُ؛ (۱)

مساجد، بازاری از بازارهای آخرت است، پذیرایی آن آمرزش و هدیه آن بهشت است.

مسجدی بودن، مایه افتخار و شرافت یک مسلمان است. چه محرومند آنان که از مسجد بیگانه اند و فرصت حضور در این مکان مقدس را نمی یابند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هرگاه کسی را دیدید که اهل مسجد است، به ایمان او گواهی دهید، زیرا خداوند می فرماید: تنها آنان که به خداوند ایمان دارند، مساجد را آباد می کنند. (۲)

و این اشاره به آیه ۱۸ سوره توبه است که می فرماید:

((إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ))؛

تنها کسانی مساجد خدا را آباد می کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند.

و از این حدیث، این نکته هم فهمیده می شود که آبادی واقعی یک مسجد به حضور مؤمنان در مساجد و عبادت خداوند در آن است و در روایات هم آمده که مساجد غریب که کسی به آن ها مراجعه نمی کند، روز قیامت از دست مردم شکایت می کنند.

هم خودمان اهل مسجد باشیم، هم فرزندان خود را مسجدی بار بیاوریم،

ص: ۳۷

۱- امالی، شیخ طوسی، ص ۱۴۵.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲.

تا مورد عنایت خدای متعال قرار بگیریم.

ص: ۳۸

اوج کمال انسان در بندگی و خاکساری در پیشگاه خداوند است.

پیامبران و امامان که برترین انسان ها بودند، بیش از دیگران اهل نیایش و تهجد و شب زنده داری و نماز و عبادت بودند. پیروان راستین «خط انبیا» نیز باید اینگونه باشند. منتظران واقعی حضرت مهدی علیه السلام هم باید از این روحیه و اعمال برخوردار باشند تا محبوب خدا و رسول و امام عصر قرار گیرند، چرا که مولایشان هم اینگونه است.

در اوصاف یاران حضرت مهدی علیه السلام، امام صادق علیه السلام می فرماید:

رجالٌ لا- ينامون الليلَ، لهم دوى في صلاتهم كدوى النحل، يبيتون قياماً على أطرافهم و يُصيحون على خيولهم، رهبانٌ بالليل، ليوتُّ بالنهار....(۱)

آنان شب زنده دارند، در نمازشان زمزمه ای دارند همچون صدای زنبوران در کندوها، شب ها به عبادت می ایستند و روزها سوار بر اسب ها (دنبال جهاد و تلاش) اند، زاهدان شب اند و شیران روز.

ص: ۳۹

این اوصاف، در مردان الهی دیده می شود. امیرالمؤمنین علیه السلام، نمونه بارز این صفات است. امامان ما همه اهل دعا و تهجد و اشک و آه شبانه و تلاش روزانه بوده اند. سیره عبادی پیامبر و ائمه، آکنده از عبادت ها و نمازها و سجده های طولانی و قنوت های بلند است. عبادت با حال و با خضوع و خشوع و دور از کسالت و بی حالی و خالی از ریا و خودنمایی، انسان را محبوب خدا می کند. امام علی علیه السلام می فرماید:

إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا لَهَّمَهُ حُسْنَ الْعِبَادَةِ؛^(۱)

هرگاه خداوند، بنده ای را دوست داشته باشد، «عبادت نیکو» را به او الهام می کند.

و از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است:

برترین مردم کسی است که به عبادت عشق بورزد و با آن هماغوش شود و عبادت را قلباً دوست بدارد و با جسم و بدن به آن پردازد و خود را برای عبادت و پرستش، خالی و فارغ سازد و نسبت به سختی و راحتی دنیا بی خیال باشد.^(۲)

کسی دوستدار عبادت می شود که عشق به خدا و آخرت داشته باشد و با معرفت و محبتی که نسبت به خدا دارد، از عبادت خویش لذت ببرد و شب از بستر نرم و گرم برخیزد و در حالی که دیگران در خواب ناز خفته اند، او به درگاه خدا بایستد و نماز بخواند و به سجود افتد و قرب و کمال جوید.

ص: ۴۰

۱- غرر الحکم، حدیث ۴۰۶۶.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۸۳.

برخیز که عاشقان به شب راز کنند

گرد بر و بام دوست پرواز کنند

سستی در عبادت و نماز و بی حالی در دعا و نیایش، نشان ضعف ایمان است. به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم:

آفَةُ الْعِبَادَةِ الْفَتْرَةُ؛^(۱)

آفت عبادت، سستی و تنبلی است.

بخشی از اوقات روزانه یک مسلمان باید به ارتباط با پروردگار از طریق دعا و نماز و عبادت و تلاوت بگذرد، تا لحظات عمرش روشن و سرشار باشد.

کسی که شام و سحر با سجود دمساز است

دریچه ای زسعادت به روی او باز است

سرت به سجده و صورت به روی خاک گذار

هر آنکه پیش خدا خم شود، سرافراز است^(۲)

حضرت مهدی علیه السلام نماز را یکی از راه های غلبه بر شیطان دانسته و می فرماید:

مَا أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الصَّلَاةِ، فَصَلِّهَا وَ أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ؛^(۳)

به هیچ چیز برتر از نماز، دماغ شیطان به خاک مالیده نمی شود. پس نماز بخوان و دماغ شیطان را به خاک بمال.

تقویت رابطه با خدا با نماز و عبادت، سلطه ابلیس را از بین می برد و ما را مصون می سازد.

ص: ۴۱

۱- تحف العقول، ص ۶.

۲- برگ و بار، ص ۳۲.

۳- موسوعه سیره اهل البیت، ج ۳۵، ص ۸۵.

آنکه مسلمان است، یعنی در «چگونه زیستن» تابع آداب و مقررات دین خداست و قانون الهی را محور عمل خویش قرار می دهد.

خداوند از انسان «متعبد» خوشش می آید. پیامبر و امامان نیز چنین اند.

مقصود از «تعبد» این است که وقتی انسان دانست که این حکم و دستور و قانون از سوی خداوند است، چون به علم و حکمت خدا ایمان دارد، بی چون و چرا فرمان را اطاعت کند. مثل کسی که به یک پزشک متخصص مراجعه می کند و به نسخه او عمل می کند و با پزشک، جرّ و بحث ندارد و چانه نمی زند و چون و چرا نمی کند.

خوشبختانه دستورهای دینی همه ابعاد زندگی ما را از گهواره تا گور در برمی گیرد. هیچ موردی نیست که خدا و دین در آن جا حکمی نداشته باشد، چه واجب و مستحب، چه حرام و مکروه.

«سبک زندگی اسلامی» آن است که رهنمودهای اسلام و آداب و سنت هایی را که دین ما بیان کرده، مورد اجرا قرار دهیم. خوردن و آشامیدن و خوابیدن و برخاستن، راه رفتن و نشستن، مسافرت و عیادت بیمار و سفره غذا و برخورد با والدین و معاشرت با مردم، در دین ما احکام خاصّ دارد. چگونگی خانه و مسکن و لباس و آراستگی و نظافت و عطر و خرید و فروش و کسب و کار و دخل و

خرج، وام دادن و وام گرفتن، مشورت کردن، برخورد با همسایه، مراعات حقوق هم‌نوعان و هم‌کیشان، روابط زن و شوهر و والدین و فرزندان، روش علم‌آموزی و حقوق متقابل معلم و شاگرد و حاکم و رعیت و... همه از مواردی است که دین ما درباره آن‌ها حرف و رهنمود و توصیه دارد.

رعایت این آداب و سنن، مایه سلامت جسم و جان و آرامش روان است.

عمل به مستحبات و ترک مکروهات نیز، برای انسان منافی دارد و زیان‌هایی را از او دور می‌کند.

در دستوره‌های دینی آمده است: در مصیبت‌ها صبور باشید و جزع و فزع نکنید، نعمت‌های الهی را بشناسید و زبان شاکر داشته باشید، با دیگران صادق و راست‌کردار باشید، به قولی که می‌دهید وفا کنید، کم‌بخورید، زود بخوابید و سحرخیز باشید، با مصیبت‌دیدگان همدردی کنید، در تشییع جنازه و مجالس ختم و تسلیت مردگان شرکت کنید، لباس تجملاتی و تشریفاتی نپوشید، نعمت‌های خود را به رخ دیگران نکشید، قبل از غذا دست‌های خود را بشویید، غذا را با اندکی نمک شروع کنید، در اول طعام و پایان آن با نام خدا شروع و با حمد الهی به پایان ببرید، تنها نخوابید، تنها سفر نروید، وقتی به بچه وعده می‌دهید وفا کنید، باوقار و آرامش راه بروید، و صدها دستور دیگر که جزو آداب مسلمانی و سنن دینی است.

در این زمینه‌ها، هم مجموعه‌های روایی و حدیثی از سوی علمای گذشته تدوین شده است، هم کتب اخلاقی توسط نویسندگان تألیف شده است. (۱)

ص: ۴۳

۱- از جمله می‌توان به «معراج السعاده» نراقی، «حلیه المتقین» علامه مجلسی، «مفاتیح الحیاه» آیت‌الله جوادی آملی و «الحیاه»، ج ۸ استاد محمد رضا حکیمی اشاره کرد.

وقتی در پی آنیم که زندگی ما مطلوب خدا و منطبق با شرع و برخوردار از رضایت اولیای دین باشد، باید سبک زندگی خود را «اسلامی» قرار دهیم و از آداب و سنن دینی تبعیت کنیم.

ص: ۴۴

بی شک مهم ترین صفت نجات بخش و قرب آفرین و بازدارنده از گناه، «تقوا» است و ارزش هر کس به پرهیزگاری اوست و قرآن هم گرامی ترین افراد را باتقواترین آنان می داند: ((إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ)) (۱)

درباره معنای تقوا و اوصاف متقین و دستاوردهای متقی بودن و پاداش الهی برای اهل تقوا و نشانه های تقوا بسیار گفته و نوشته اند و حق هم همین است و آن چه زندگی انسان را خدا پسند و پیامبر پسند و امام زمان پسند می سازد، تقواست.

تقوا نتیجه خدانشناسی و ترس از عقوبت الهی بر گناهان و محبت به خداوند است. کسی که مدعی خدا و دوستی است، با بی تقوایی او را عصیان نمی کند. کسی که از کیفر قیامت و محاسبه الهی بیمناک است، تقوا را شعار خویش می سازد. کسی که خدا را همه جا و در همه حال، حاضر و ناظر ببیند و قدرت مطلقه پروردگار را بشناسد، با گناه کردن در برابر خدا طغیان نمی کند.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ مِفْتَاحُ كُلِّ سَدَادٍ وَ ذَخِيرَةُ مَعَادٍ وَ عِتْقٌ مِنْ كُلِّ

ص: ۴۵

مَلَكِهِ وَ نَجَاةٍ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ؛ (۱)

همانا تقوای الهی، کلید هر درستی و ذخیره روز قیامت و رهایی از هر بردگی و نجات از هر هلاکت است.

اهل تقوا، از کوچک و بزرگ گناه چشم می پوشند، چون می دانند گناهان کوچک هم که به چشم نمی آید، وقتی جمع شود، کوهی از مصیبت را تشکیل می دهد. و مگر نه اینکه کوه های عظیم، از سنگریزه های کوچک تشکیل شده است؟ مؤمن باید پیوسته حواسش جمع باشد که به گناه نیفتد. مثل کسی که در زمین پر از خار راه می رود، یا در مسیر پر از گل و لای قدم برمی دارد که باید مواظب باشد خاری به پایش نرود، یا لباسش آلوده نگردد.

خداوند، اهل تقوا را دوست دارد: ((إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ)). (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هم می فرماید:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَحَبَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ؛ (۳)

هر کس می خواهد عزیزترین مردم باشد، از خدای متعال پروا داشته باشد.

درباره تقوا و اوصاف متقین، احادیث فراوانی وجود دارد. یکی از خطبه های نهج البلاغه، خطبه متقین است که حضرت آن را در پاسخ به درخواست همّام (از اصحابش) بیان فرمود که ده ها صفت برای متقین برمی شمارد. (۴)

ص: ۴۶

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳.

۲- آل عمران، آیه ۷۶.

۳- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۸۵.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

در حدیثی امام باقر علیه السلام نشانه های اهل تقوا را چنین بیان می کند:

راستگویی، امانت داری، وفای به عهد، کمتر سراغ زنان رفتن، بخشش، اخلاق نیکو، حلم و بردباری، در پی دانشی رفتن که نزدیک کننده به خداست. (۱)

در قرآن هم فراوان از تقوا و متقین سخن گفته شده و اهل تقوا معرفی گشته است. (۲)

در این مورد، سخن بسیار است. بحث را با توصیه هایی که امام زمان علیه السلام به محمد بن ابراهیم مهزیار اهوازی فرمود به پایان می بریم:

یا محمد! اتَّقِ اللَّهَ (۳)؛

ای محمد، از خدا بترس!

در یکی از دعاها فرج هم از خدا چنین درخواست می کنیم:

اللهم ارزقنا توفيق الطاعة و بُعد المعصية...

خدا یا توفیق اطاعت و دوری از گناه را به ما عطا کن.

که اگر چنین باشیم، به حیات مطلوب امام زمان و مرضی خدا دست یافته ایم. توصیه آن حضرت به ما این است:

فاتَّقُوا اللَّهَ وَ سَلِّمُوا لَنَا وَ رُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا؛ (۴)

از خدا پروا کنید، تسلیم ما باشید و کار را به ما برگردانید.

تسلیم ائمه بودن و از خط آنان عدول نکردن، جلوه ای از تقوای الهی است.

ص: ۴۷

۱- خصال، صدوق، ص ۴۸۳.

۲- از جمله: بقره، آیه ۱۷۷؛ اعراف، آیه ۹۶؛ آل عمران، آیه ۱۵.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۲.

۴- معادن الحکمه، ج ۲، ص ۲۷۹.

داشتن نیت پاک و خالص و خدایی در همه کارها، انسان را به خدا نزدیک می کند و عمل مورد قبول درگاه خدا قرار می گیرد. چه در جهاد و مبارزه، چه در عبادت و نماز، چه در انفاق و احسان، چه در خدمت به مردم و دستگیری از فقرا، آن چه به عمل انسان ارزش می دهد، «اخلاص» است.

گاهی خدایی ترین کارها به خاطر آن که نیت آن خراب است، بی ارزش و تباه می شود، مثل نماز شب ریایی یا جهاد برای خودنمایی. باید هوشیار بود که موریانه ریا وارد عمل و عبادت نشود و آن را خراب نکند. به فرموده امام علی علیه السلام:

تَصْفِيهِ الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنْ الْعَمَلِ؛ (۱)

پاکسازی و تصفیه عمل، از خود عمل دشوارتر است.

خداوند، به بندگان مخلص توجه دارد. ائمه علیهم السلام هم از شیعیان با اخلاص راضی اند و امام زمان هم به شعیه منتظر که اخلاص داشته باشد عنایت دارد.

سوره «هل اتی» که در شأن امام علی و حضرت زهرا نازل شد، تقدیر از

ص: ۴۸

انفاق خالصانه آنان بود که سه روز پیاپی افطار خود را به مسکین و یتیم و اسیر دادند و هیچ چشمداشت تشکر هم نداشتند.

امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ خندق، وقتی با حریفی چون عمرو بن عبدود رو به رو شد و او را به خاک افکند، او به صورت امام آب دهان انداخت. حضرت برخاست و مقداری راه رفت تا خشمش فرو نشیند، آنگاه سر او را از تن جدا کرد، تا کارش به رنگ و بوی انتقام گیری نباشد و فقط به خاطر خدا باشد.

شناخت اخلاص، دقیق و دشوار است. گاهی ممکن است کسی خیال کند که برای خدا کار خیر می کند، ولی در واقع، رنگ اخلاص نداشته باشد. امام صادق علیه السلام معیاری برای عمل خالص داده و فرموده است:

الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ؛ (۱)

عمل خالص آن است که نخواهی جز خداوند متعال، کسی تو را برای آن کار ستایش و تعریف کند.

کسی که به یک خانواده محروم کمک مالی می کند، یا به زیارت می رود، یا هزینه درمان یک بیمار را تأمین می کند، یا جلسه روضه و دعای ندبه در خانه اش برگزار می کند، اگر این که مردم بدانند یا ندانند، از او تشکر بکنند یا نکنند، برایش هیچ فرقی نکند، معلوم است اخلاص دارد. ولی اگر مردم آگاه نشوند و به کار خیر او توجه نکنند، در کارش سست و بی انگیزه شود، باید بدانند که جایی از نیتش خلل و اشکال دارد.

ص: ۴۹

اخلاص باید در همه جنبه ها و ابعاد زندگی باشد. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید:

طوبى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ وَعِلْمَهُ وَحُبَّهُ وَبُغْضَهُ وَأَخَذَهُ وَتَرَكَهُ وَكَلَامَهُ وَصَمْتَهُ وَفِعْلَهُ وَقَوْلَهُ؛^(۱)

خوشا به حال آن که خالص سازد برای خدا، عمل و علمش را، دوستی و دشمنی اش را، گرفتن و نگرفتنش را، سخن و سکوتش را، کار و کلامش را.

امام زمان علیه السلام در نامه ای که به شیخ مفید می نگارد به او به عنوان «دوست بااخلاص» سلام می دهد:

«سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ...»^(۲) سلام بر تو، ای دوست بااخلاص در دین.

از این می توان فهمید که آن حضرت به وجود «اخلاص» در شیعیان عنایت خاص دارد و چنین می پسندد که ما هم از گوهر اخلاص برخوردار باشیم.

ص: ۵۰

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

در قرآن، به کسانی که مؤمن باشند و عمل صالح انجام دهند، از سوی خدا وعده «حیات طیبه» داده شده است، (۱) حیات پاک و بی آلایش. یکی از معانی حیات طیبه که در تفاسیر آمده، قناعت و رضا به رزقی است که خدا قرار داده است، (۲) چرا که زندگی های آمیخته به حرص و افزون خواهی، سر از گناه و درآمدهای حرام و تعدی به حقوق دیگران درمی آورد.

قناعت آن است که انسان به آنچه دارد قانع باشد و حرص مال دنیا نخورد و در پی مال و منالی که ضرورت ندارد نرود و چشم طمع به دست این و آن ندوزد و به سطحی از معیشت که برخوردار از کفاف و عفاف است و زندگی او را آبرومندانه می گذراند بسنده کند. در روایات، فراوان روی «قناعت به کفاف» تکیه شده است. یعنی بسنده کردن و راضی بودن به آن چه او را کفایت می کند. و از تجمل و تشریفات و تکلف های غیرضروری و غصه آور نهی شده است.

قناعت، برای انسان آسودگی خاطر و آرامش روان می آورد و هر که آن را

ص: ۵۱

۱- نحل، آیه ۹۷.

۲- مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸۴.

ندارد، همیشه احساس کمبود می کند و چشمش سیر نمی شود. سعدی گوید:

گفت چشم تنگ دنیا دوست را

یا قناعت پر کند، یا خاک گور

از این رو حضرت علی علیه السلام قناعت را سرمایه ای بزرگ می داند و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث «القنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ»^(۱) بر ثروت تمام نشدنی بودن قناعت تأکید می فرماید.

بررسی زندگی پیامبران الهی نشان می دهد که آنان از روحیه قناعت برخوردار بودند و هرگز در پی تجملات و افزون بر طول و عرض زندگی و ثروت اندوزی نبوده اند. مسلمان مکتبی هم باید همین شیوه را داشته باشد، چشم به ثروت و اندوخته های دیگران ندوزد و همیشه خود را با کسانی مقایسه کند که از او کمتر دارند، تا حالت شکر و سپاس نسبت به داشته هایش پیدا کند. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

به آن چه خداوند روزی تو کرده و قسمت توست راضی باش و به آن چه دیگران دارند نگاه کن و آن چه را به آن نمی رسی تمنا نکن، هر کس قانع باشد سیر می شود و هر کس قانع نباشد هرگز سیر نمی شود.^(۲)

جبرئیل به حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید و عرضه داشت:

خدای متعال به تو سلام می رساند و می فرماید: این صحرای مکه را دوست داری برایت تبدیل به طلا شود؟ پیامبر سه بار به آسمان نگریست، سپس فرمود: خدایا، نه! دوست دارم یک

ص: ۵۲

۱- میزان الحکمه، حدیث ۱۷۱۴۴.

۲- میزان الحکمه، حدیث ۱۷۱۷۹.

روز سیر باشم تا تو را شکر و سپاس گویم، یک روز گرسنه باشم تا از درگاہت بخواهم. (۱)

هر که قناعت داشته باشد عزیز است و هر که اهل طمع باشد خوار و ذلیل می گردد.

منتظر امام زمان باید زندگی خود را بر مدار عفاف و کفاف و قناعت و رضا قرار دهد، تا با افزون طلبی و تکاثر، گرفتار گناه و ذلت نشود، که امیرمؤمنان فرمود:

ثَمَرَةُ الْقِنَاعَةِ الْعِزُّ؛ (۲)

ثمره قناعت، عزت است.

کاسه چشم حریصان پر نشد

تا صدف قانع نشد، پُر دُر نشد

زنان در ایجاد تعادل اقتصادی خانواده و پایبندی به شیوه کفاف و قناعت بسیار مؤثرند و با هر پرهیز از خواسته های افزون طلبانه و کنار گذاشتن حرص، می توانند به این فرهنگ کمک کنند و یاور مردان باشند.

ص: ۵۳

۱- مکارم الأخلاق، ص ۲۴.

۲- غرر الحکم، حدیث ۴۶۴۶.

ای آشنای کوی محبت، صبور باش...

همچنان که یک بیمار، برای رسیدن به سلامتی، رنج درمان و تلخی دارو را تحمل می کند و همچنان که یک کوهنورد، برای رسیدن به قله، دشواری صعود به ارتفاعات را به جان می خرد، و آنگونه که یک رزمنده برای رسیدن به پیروزی، بر زخم شمشیر و جراحت جسم و مشکلات جهاد صبور است، یک مؤمن منتظر هم در عصر غیبت، گوهر صبر باید داشته باشد.

— صبر بر دشواری های عصر غیبت و دوری از امام،

— تحمل زخم زبان ها و طعنه های دشمنان،

— فشارهای زندگی بر مدار ایمان و تقوا و دوری از گناه،

— صبر بر تنگی معیشت و قناعت به روزی حلال و مقاومت در برابر وسوسه های نفس و شیطان برای ورود به حریم گناه و زیر پا گذاشتن حدود الهی و مقررات شرع.

امیرمؤمنان علیه السلام در حدیث مشهوری برای صبر، سه عرصه و صحنه ترسیم فرموده است: یکی «صبر بر طاعت و انجام تکالیف»، دیگری «صبر در برابر

معصیت»، سوّمی هم «صبر در برابر مصیبت ها و حوادث ناگوار».(۱)

افراد جامعه، برخی در مقابل هوای نفس و گرایش های دنیاطلبانه و روی آوردن به درآمدهای حرام و نگاه به نامحرم و دورغ و تهمت و... ناتوان و بی طاقت اند. بعضی هم قهرمان این میدان هایند و به شیطان و نفس اماره اجازه نمی دهند که بر آنان مسلط شود و توان طاقتشان را بستاند.

از سخنان امیرمؤمنان علیه السلام یکی هم این حدیث است:

الصَّبْرُ صَبْرَانِ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، حَسَنٌ جَمِيلٌ، وَ أَحْسَنُ مِنْ ذَلِكَ الصَّبْرُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْكَ؛(۲)

صبر دو گونه است: یکی صبر در مقابل مصیبت، که نیکو و زیباست، و برتر و بهتر از آن صبر در مقابل چیزهایی است که خداوند حرام کرده است.

ما امروز در میدان آزمونیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این عرصه های امتحان ما را به خوبی پیش بینی و ترسیم فرموده است. می فرماید:

به زودی زمانی بر مردم خواهد آمد که به دست نمی آید حکومت مگر با کشتار و طغیان و زورگویی، و به دست نمی آید ثروت مگر با غصب و ستم. و به دست نمی آید محبوبیت مگر با کنار نهادن دین و پیروی از هوای نفس. پس هرکس آن زمان را درک کند و بر فقر صبر کند در حالی که می تواند ثروتمند شود، و بر دشمنی صبر کند در حالی که می تواند محبوبیت یابد، و بر خواری صبر

ص: ۵۵

۱- تحف العقول، ص ۲۰۶.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۹۰.

کند در حالی که می تواند به عزت برسد، خداوند پاداش هزار صدیق از کسانی که مرا تصدیق کرده اند به او می دهد. (۱)

البته روشن است که مقصود آن است که ثروت و محبوبیت و قدرتی که از راه حرام باشد نامطلوب است و خوار و محروم و منزوی و گمنام بودن با حفظ اصول اخلاقی و ارزش های الهی، بر آن عزت و محبوبیت ترجیح دارد که از راه نامشروع به دست آید.

انتظار امام زمان علیه السلام، صبر می خواهد. تحمل رنج فراق، زحمت دارد و شکیبایی می طلبد. در دعاهاى مربوط به امام زمان و عصر غیبت، صبر و شکیب و ثبات قدم و از دست ندادن ایمان و انگیزه، جزو خواسته های منتظران آمده است. در این دعاها می گوئیم: ای حجت خدا! هرچه روزگار غیبت طول بکشد، یقینم نسبت به تو افزون تر و محبتم به تو بیشتر و انتظارم برای ظهورت شدیدتر خواهد شد. (۲) این هم میدانی برای صبوری و پایداری است.

دعای ندبه هم که سراسر آن، ندبه دلتنگی و شکوه از فراق و حکایت تلخی های عصر هجران است، باز هم آکنده از عشق و امید به آینده و انتظار دمیدن صبح امید و ثبات قدم در راه این عقیده نورانی و مقدس است.

آری... صبر، مفتاح فرج است.

ص: ۵۶

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۹۱.

۲- «فلو تطاولت الدهور و تماردت الأعمار، لم ازدد فيك إلا يقيناً...»، (مفاتيح الجنان، زیارت حضرت صاحب الأمر).

مكن ز بستگي كار، شكوه چون خامان

كه صبر غنچه، گره را گره گشا کرده است (1)

ص: ۵۷

۱- صائب تبریزی .

ادب، آن است که انسان از گفتار زشت و رفتار ناپسند و برخورد نسنجیده و سبک با دیگران پرهیز کند و گفتارش نیکو و رفتارش سنگین و قدرشناسانه باشد.

کیفیت سخن گفتن و محتوای کلام، نشانه عقل و شعور و ادب انسان است. شخصیت هر کس را در آینه کلامش می توان دید و شناخت. امام علی علیه السلام می فرماید:

لَا أَدَبَ لِسَيِّئِ النَّطْقِ؛^(۱)

فرد بدگفتار، ادب ندارد.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

مَعَاشِرَ الشَّيْعَةِ! كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا، قُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا وَ احْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ كَفُّوا عَنِ الْفُضُولِ وَ قَبِّحِ الْكَلَامَ؛^(۲)

ای جماعت شیعه! برای ما زینت باشید و مایه ننگ و عار ما نباشید. با مردم نیکو سخن بگویید. زبان های خود را حفظ

ص: ۵۸

۱- غرر الحکم، حدیث ۱۰۵۹۶.

۲- میزان الحکمه، حدیث ۱۷۹۴۷.

کنید و آن را از حرف های زاید و سخنان زشت نگه دارید.

بی شک، رفتار ما شیعیان را به پیشوایان و رهبران ما نسبت می دهند. اگر مؤدب و باوقار و متین باشیم، مایه آبروی امامانیم و اگر بی ادب و گستاخ و بد دهان باشیم، به شخصیت پیشوایان ما لطمه وارد می شود؟ چون ما مدعی پیروی از آنانیم.

کسی که پیرو امام زمان و منتظر ظهور اوست، چنان رفتار خوب و ادب در گفتار و کردار باید داشته باشد که با ادب او، دیگران جذب هواداران و منتظران شوند.

امام صادق علیه السلام هنگام خداحافظی با گروهی از شیعیان، _ که از کوفه به ملاقات او آمده بودند _ فرمود:

شما را توصیه می کنم به تقوا و عمل صالح و ترک گناه و امانت داری و خوشرفتاری با مردم و اینکه دعوت کننده عملی و بی صدا به نفع ما باشید. پرسیدند: چگونه بی کلام، مردم را به سوی شما دعوت کنیم؟ فرمود: با عملتان! وقتی به حرف های ما عمل کردید و از آن چه مثل گناهان و بدی ها که شما را نهی می کنیم پرهیز کردید و با مردم با صداقت و عدالت رفتار کردید و امین بودید و مردم از شما جز خیر و نیکی ندیدند، می گویند: این جماعت، شیعه اند، خدا فلانی (امام صادق) را رحمت کند که چه خوب، اصحاب خود را تربیت کرده است و برتری مکتب ما را می شناسند و به سوی ما جذب می شوند....(۱)

ص: ۵۹

در حدیثی هم آمده است که امام عسکری علیه السلام شیعیان خود را به تقوا و پرهیزکاری و راستگویی و امانت داری و برخورد خوب با همسایگان و حضور در جماعات دیگران و شرکت در تشییع جنازه ها و عیادت مریضان سفارش کرد و افزود: اگر این گونه باتقوا و خوب و صادق و امین و خوش اخلاق باشید، دیگران می گویند: «اینان شیعه اند» و این مرا خوشحال می کند....(۱)

این ها نشان می دهد که امامان ما از ما انتظار دارند رفتار و برخورد ما، بهترین رفتار و مؤدبانه ترین برخورد باشد تا مایه افتخار و آبروی مکتب اهل بیت باشیم. در برخی حکایات مربوط به ملاقات کنندگان با امام زمان هم آمده است که آن حضرت توصیه فرمودند که با همراهانتان سخن زشت نگویند و برخورد تند نداشته باشید، بلکه با مدارا رفتار کنید، حتی اگر اهل سنت و مخالف مذهب شما باشند.(۲)

ص: ۶۰

۱- تحف العقول، ص ۴۸۷.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸.

همه اعضای ما، همچون چشم و گوش و دست و زبان و قلب و... نعمت های الهی اند و استفاده از آن ها باید در مسیر رضای الهی باشد.

در این میان، زبان ویژگی خاصی دارد. بسیاری از گناهان، به زبان برمی گردد و بسیاری از خوبی ها هم به نحوه کاربرد آن مربوط می شود. زبان ابزار و عضوی است که هم می تواند عامل گناه باشد، هم وسیله ثواب.

پرحرفی و حرف های لغو و بیهوده یکی از گناهان زبان است.

دروغ و غیبت و تهمت و هتاک، گناه دیگر،

افشای راز و بردن آبروی افراد و تحقیر و توهین و دشنام و پرخاشگری گناه دیگر.

در توصیه های اخلاقی به «سکوت» و «حفظ زبان» بسیار سفارش شده است. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

مَنْ عَلِمَ أَنَّ كَلَامَهُ مِنْ عَمَلِهِ قَلَّ كَلَامُهُ أَلَّا فِيمَا يَعْنِيهِ؛^(۱)

هرکس بداند که سخنش هم جزو عمل اوست، کلامش کم خواهد شد، مگر آن جا که مفید باشد یا به دردش بخورد.

ص: ۶۱

یعنی تنها اعمال ما مورد سؤال قرار نخواهد گرفت، بلکه گفته های ما هم مورد ارزیابی و سؤال خواهد بود، چون آن ها هم از اعمال ما به شمار می روند. اگر بر زبان خود کنترل نداشته باشیم، حرف های نسنجیده یا آزار دهنده یا گناه از آن سر خواهد زد و چه بسا همین زبان کوچک، ما را جهنمی کند (زبان سرخ، سرسبز می دهد بر باد).

«دروغ» یکی از گناهان زبان است و خدا دروغگو را دوست ندارد. دروغگو مورد اعتماد مردم نیست و حرف های راست او را هم باور نمی کنند. داستان «چوپان دروغگو» گواه این حقیقت است.

فحش و بدزبانی از خطاهای دیگر زبان است. امام علی علیه السلام فرمود: بدان که زبان، سگی هار است که اگر رهایش کنی گازی می گیرد. (۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هم فرمود: بدترین مردم کسی است که مردم به خاطر فحش و بدزبانی اش او را ترک می کنند، یا از نشست و برخاست با او پرهیز می کنند. (۲)

امام کاظم علیه السلام فرمود: «از دو نفری که به هم دشنام می دهند، آنکه شروع کرده، ستمکارتر است و گناه دیگری هم بر اوست.» (۳)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از بزرگ ترین گناهان آن است که کسی به پدر و مادر خود دشنام دهد. گفتند: چگونه به پدر و مادرش دشنام می دهد؟ فرمود: دشنام می دهد، طرف مقابل هم برگشته به پدر و مادر او دشنام می دهد. (۴)

ص: ۶۲

۱- «إِنَّ اللِّسَانَ كَلْبٌ عَقُورٌ إِنْ خَلَيْتَهُ عَقَرَ»، (بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۸۷).

۲- کنز العمال، حدیث ۸۰۸۲؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۳۲۵.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۰.

۴- بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۴۶.

کسی که از حرف زشت پروا نکند، فرزندانش هم از او یاد می گیرند و تأثیر منفی تربیتی بر آنان می گذارد. قدر و ارزش خودش هم در نظر دیگران کاسته می شود و افراد نیک هم از دور و بر او پراکنده می شوند.

«غیبت» گناه دیگر زبان است. سبب می شود که آبروی دیگران برود. به علاوه زیان آن به غیبت کننده هم می رسد و به گفته روایات، گناهان فرد غیبت شده را در نامه اعمال او می نویسند و حسناش را به دیگری منتقل می کنند.

عیبجویی از دیگران، صفت بد دیگری است که از زبان سر می زند. مسخره کردن دیگران هم از گناهان زبان است.

انتظار است زبانی که ذکر خدا می گوید و قرآن می خواند و مهدی علیه السلام را صدا می زند و نام امامان را بر زبان می آورد. از گناهان زبانی پاک باشد.

امام زمان علیه السلام دوستدار کسی است که «حفظ زبان» داشته باشد و با آبروی دیگران بازی نکند و لغو و یاوه و حرف زشت و تهمت بر زبانش جاری نشود.

مرد باید که سخندان بود و نکته شناس

تا چو می گوید، از آن گفته پشیمان نشود(۱)

در دعای امام زمان می خوانیم:

«وَسَدِّدْ ألسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحَكْمَةِ؛(۲) زبان ما را به گفتن حرف درست و حکمت استوار ساز.»

طبق این خواسته باید بکوشیم بر زبانمان خطا و گناه و یاوه و بیهوده نرود.

ص: ۶۳

۱- سنایی غزنوی .

۲- مفاتیح الجنان، دعای امام زمان (اللهم ارزقنا توفيق الطاعة).

از برنامه های سودمند و تربیتی و خودسازی، که مورد سفارش فراوان ائمه علیهم السلام است، «محاسبه» است. انسان هر روز باید از خودش حساب بکشد و اعمال صبح تا شب خود را مورد دقت و ارزیابی قرار دهد و سعی کند بر خوبی هایش بیفزاید و از بدی هایش بکاهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا؛(۱)

پیش از آن که به حساب شما برسند، خودتان حساب رسی کنید.

امام کاظم علیه السلام نیز فرمود:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ عَمِلَ خَيْرًا إِسْتَرَادَ مِنْهُ وَحَمَدَ اللَّهَ عَلَيْهِ، وَإِنْ عَمِلَ شَرًّا إِسْتَغْفَرَ اللَّهَ وَتَابَ إِلَيْهِ؛(۲)

هر کس که هر روز از خودش حساب نکشد از ما نیست. بنگرد که اگر کار نیک کرده است، از خدا توفیق بیشتر بطلبد و خدا را شکر کند، و اگر عمل بد کرده است، استغفار و توبه به

ص: ۶۴

۱- محجّه البيضاء، ج ۸، ص ۱۶۵.

۲- الاختصاص، ص ۲۶.

درگاه خدا کند.

کسی که خود را پیرو امامان می داند و افتخارش شیعه بودن و انتظار فرج مهدی علیه السلام است، باید از عملکرد خویش ارزیابی درست و دقیقی داشته باشد، تا نقطه های ضعف و عیوب خویش را بشناسد و اصلاح کند، تا لایق دیدار آن حضرت و خدمت در رکابش باشد و اعمالش مورد رضای مولایش قرار گیرد.

در توصیه های دینی آمده که برای محاسبه نفس، هر شب آخر وقت، بر اعمال روزانه اش مرور کند و فرض کند که از دنیا رفته و آخرت فرا رسیده و او را برای رسیدگی به اعمالش حاضر ساخته اند و او باید پاسخگویی عمل خویش باشد. آیا نامه اعمالش سیاه و ننگ آور است، یا سفید و افتخار آفرین؟

از آخرت نمی توان به دنیا برگشت تا بدی ها را جبران نمود، ولی در این دنیا تا قبل از مرگ، فرصت توبه و اصلاح نفس و جبران خطاهای گذشته و تصمیم بر یک زندگی پاک و دور از گناه وجود دارد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در کیفیت محاسبه می فرماید:

وقتی کسی روز خود را به شام می رساند، به خویش برگردد و خطاب به نفس خود بگوید: ای نفس! امروزت گذشت و دیگر هرگز باز نمی گردد و خدا از تو خواهد پرسید که آن را در چه راهی صرف کردی؟ مشکلی را از او برطرف ساختی؟ در نبودش به وضع خانواده و فرزندانش رسیدگی کردی؟ آیا جلوی غیبت دیگران را درباره برادر مؤمن گرفتی؟ آیا مسلمانی را یاری کردی؟ امروز چه کردی؟ پس کارهای آن روز خود را یاد کند، اگر دید کارهای نیک از او سرزده، خدا را

ص: ۶۵

شکر کند و اگر دید گناه یا کوتاهی از او سرزده است، استغفار کند و تصمیم بگیرد که تکرار نکند. (۱)

محاسبه در واقع «بازخوانی پرونده عمل» است که توسط شخص انجام می گیرد.

روزها فکر من این است و همه شب سختم

که چـرا غـافل از احـوال دل خویشتم؟

ز کجـا آمـده ام، آمـدنـم به ر چه بود؟

بـه کجـا می روم آخـر؟ نمایی وطنـم (۲)

اساتید اخلاق و عرفان، همیشه به شاگردان خویش توصیه می کردند که از اعمال خود حساب رسی داشته باشند و نسبت به خود، حالت «مراقبه» داشته باشند و پیوسته خود را تحت نظر و مراقبت خدا و فرشتگان ببینند، تا این برنامه کمک کند از آنان گناه سر نزنند و در پی هوای نفس نباشند.

محاسبه، برای خودسازی از مفیدترین برنامه هاست و زمینه ساز توبه و اصلاح است و از حسرت های بعدی پیشگیری می کند. زندگی یک شیعه، نباید خالی از این برنامه باشد، تا بتواند موردپسند اولیای دین قرار گیرد.

امام زمان علیه السلام در سخنی درباره ناگهانی بودن امر ظهور و ضرورت آمادگی تقوایی و عملی، می فرماید:

إِنَّ أَمْرَنَا بَعْتُهُ فَجَاءَهُ، حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَى حَوْبِهِ؛ (۳)

ص: ۶۶

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۲.

۲- مولوی .

۳- احتجاج، ج ۲، ص ۵۹۹.

همانا امر ما (ظهور دولت ما) یکباره و ناگهانی خواهد بود، هنگامی که هیچ توبه، توبه کننده را سود نبخشد و پشیمانی بر گناه و خطا، کسی را از کیفر ما نرهاند.

طبق این حدیث، یک منتظر باید پرونده ای پاک و قابل دفاع داشته باشد و با خودسازی و اصلاح نفس، حتی اصلاح عملکرد سیاسی و مواضع اجتماعی، آماده درک آن عصر نورانی باشد و بداند که با گذشته ناپاک و اعمال غیرقابل دفاع و بدون توبه و تزکیه، نمی تواند در سلک یاران حضرت قرار گیرد، یا از مؤاخذه ها مصون بماند.

ص: ۶۷

خداوند، پاک است و پاکان را دوست دارد. زیباست و جمال را دوست دارد. نیکوست و نیکان را دوست دارد.

طهارت دو جنبه دارد، جسمی و روحی.

تمیزی بدن و لباس از آلودگی ها، امری مطلوب است. بخش مهمی از احکام فقه به «طهارت و نجاست» مربوط می شود. مؤمن باید بداند چه چیزهایی آلوده و ناپاک است؛ از آن ها حذر کند و بداند که راه پاک کردن چیزهای نجس شده چیست؟ و کلاً به مسأله پاکی و نجسی اهمیت دهد و لاابایی نباشد و طهارت را مراعات کند.

خداوند، آب را پاک کننده قرار داده است: ((وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا))^(۱) مطهرات دیگری هم هست که در توضیح المسائل مراجع تقلید آمده است.

غیر از این طهارت و پاکی، طهارت دیگری هم هست که به نام «وضو» مشهور است. شرط نماز، طهارت است، یعنی باید پیش از نماز، وضو گرفت. وضو، هم تمیزی جسمی می آورد؛ هم نورانیت باطنی. برای نماز و طواف و

ص: ۶۸

تلاوت قرآن و بسیاری از کارهای دیگر، توصیه شده که انسان با وضو باشد. گاهی واجب است، گاهی مستحب. در روایات، برای وضو داشتن فضیلت بسیار ذکر شده است. وضو نور است، بخشی از ایمان است، نور قیامت است، نشانه مؤمن است. مایه فرو ریختن گناهان است، وضو روی وضو، نور علی نور است، خوابیدن با حالت وضو، ثواب عبادت دارد. غذا خوردن با وضو برکت می آورد. همه اینها مضمون روایات است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ أَبَدًا عَلَى الْوُضُوءِ فَأَفْعَلْ...» (۱) اگر بتوانی همیشه با وضو باشی چنین کن.»

بزرگان سفارش می کنند که انسان تا می تواند «دائم الوضوء» باشد، که نورانیت قلب می آورد و چون یک عبادت است و در آن نیت و قصد قربت لازم است، انسان را به خدا نزدیک می کند و روحش را تعالی می بخشد.

نوع دیگر طهارت، طهارت معنوی و روحی است. حدّ اعلاّی آن را خداوند در اهل بیت عصمت و طهارت قرار داده و آیه تطهیر در شأن آنان نازل شده است. (۲) درجات پایین تر هم در بندگان صالح خداوند است که می کوشند خود را از آلودگی ها و رذایل پاک کنند. به قول صائب: «پاکی ظاهر و باطن هنر مردان است.»

وقتی دروغ و نفاق و تکبر و حسد یک آلودگی است، مؤمن باید بکوشد خود را از این ها پاک سازد.

ص: ۶۹

۱- میزان الحکمه، حدیث ۲۱۹۲۰.

۲- ((إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا))، (احزاب، آیه ۳۳).

وقتی درآمد حرام و شبهه ناک و کسب های نامشروع و رشوه و ربا، آلودگی مالی به شمار می رود، مؤمن پاک، باید حریم زندگی خود را از این گونه درآمدها و پول ها تطهیر کند. شنیده اید که اگر کسی خمس و یا زکات بدهکار باشد، یا حق مردم بر گردن او باشد، باید اموال خود را پاک کند تا زندگی حلال و دور از معصیت باشد. مال های آمیخته به حرام هم حکم همان اموال نامشروع را دارد که باید تطهیر شود.

همچنان که ایمان، پاک کننده انسان از شرک است، (۱) توبه هم پاک کننده گناهان است و تقوا پاک کننده قلب است و عفاف و حیا و حجاب، پاک کننده از مفاصد اخلاقی است.

آن که می خواهد زندگی مطلوب خدا باشد، باید پاک بیندیشد، پاک زندگی کند، پاک و حلال بخورد، و از معصیت و رذایل اخلاقی هم پاک باشد.

کسی هم که انتظار دیدار جمال دل آرای امام عصر را دارد، باید دل، و جان، چشم، نگاه، اخلاق و زندگی پاک باشد.

«پاک شو اول و پس دیده بر آن پاک انداز» (۲)

ص: ۷۰

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

۲- حافظ.

رابطه ما با اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، رابطه ولایی است.

آنان را دوست داریم، اسوه و سرمشق خویش و محبت های الهی می دانیم، برترین آفریده های خدا که جامع همه فضایل اند می شناسیم، ولایت و محبت آنان را یک تکلیف دینی دانسته، در غم آنان غمگین و در شادی آنان شادیم، بر مصیبت هایی که بر آنان رسیده و بر مظلومیشان اشک می ریزیم، روزهای تولد آنان را جشن می گیریم و خوشحالی می کنیم و معتقدیم اگر ما را به «مودت ذی القربی» دستور داده اند و اجر رسالت را مهرورزی به خاندان پیامبر قرار داده اند، ثمره آن در دنیا و آخرت به خود ما برمی گردد و از این محبت و همدلی بهره مند می شویم.

اگر در ایام عاشورا و فاطمیه و روزهای وفات ائمه، مجالس عزا برپا می کنیم و سیاهپوش می شویم و در ماتمشان اشک می ریزیم، به سفارش خود آن بزرگواران است.

اگر مزارهای آنان را در عراق، شام، حجاز و ایران زیارت می کنیم و اگر کربلا، نجف، کاظمین، سامرا، مشهد، مدینه، قم، دمشق، زینبیه و... برای ما شیعیان جاذبه دارد، و اگر غدیر و بعثت و نیمه شعبان را چراغانی می کنیم و جشن می گیریم، و اگر ایام شهادت مولای متقیان، حضرت رضا، امام موسی

بن جعفر و اربعین حسینی را در محافل دینی که به یاد معصومین برپا می شود، گرامی می داریم، این نشانه علاقه ما به خاندان پیامبر و همدلی با اهل بیت است.

این همدلی ما را به همراهی می کشاند و این ابراز محبت و عشق، ما را در خط آنان قرار می دهد و از لغزش و انحراف و گناه نگه می دارد.

احترام به عترت پیامبر، احترام به خود آن بزرگوار است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

إِيهَا النَّاسُ! عَظِّمُوا أَهْلَ بَيْتِي فِي حَيَاتِي وَ مِنْ بَعْدِي، وَ أَكْرِمُوهُمْ وَ فَضِّلُوهُمْ؛^(۱)

ای مردم! اهل بیت مرا چه در حال حیات من و چه پس از من، بزرگ بدارید، اکرام و احترامشان کنید و آنان را بر دیگران برتری دهید.

امام صادق علیه السلام درباره مجالسی که به یاد عزای اهل بیت برگزار می شود، فرمود:

إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا، فَأَحْيُوا أَمْرَنَا، إِنَّهُ مَنْ ذَكَرَنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنَيْهِ مِثْلَ جَنَاحِ الدُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ؛^(۲)

اینگونه مجالس را من دوست دارم. پس امر (و فکر و فرهنگ) ما را زنده بدارید. همانا کسی که از ما یاد کند، یا ما نزد او یاد شویم و از چشمانش به اندازه بال مگسی اشک آید،

ص: ۷۲

۱- احقاق الحق، ج ۵، ص ۴۲.

۲- ثواب الأعمال، ص ۲۲۳.

گناهانش آمرزیده می شود.

فرهنگ ذکر و یاد مظلومیت اهل بیت، همبستگی عاطفی ما را با این خاندان می افزاید و ما را در مسیر پیروی از آنان مصمم تر و راسخ تر می سازد.

عزاداری برای اهل بیت و رفتن به زیارت قبورشان و یاد کردن از آنان، هم نشانه شیعه است، هم ما را نزد امامان عزیز و مورد توجه قرار می دهد و در حق ما دعا می کنند. امام باقر علیه السلام فرمود:

«مَنْ أَحَبَّنَا فَهُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ (۱) هر کس دوستدار ما باشد، از ما خاندان است.»

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

هر کس روز عاشورا، روز مصیبت و اندوه و غم و گریه او باشد، خداوند متعال، روز قیامت را روز شادی و خوشحالی او قرار می دهد. (۲)

و آن حضرت فرموده است: پدرم موسی بن جعفر علیه السلام با رسیدن ماه محرم دیگر خندان دیده نمی شد و غم و اندوه بر او چیره می گشت و روز عاشورا اوج گریه و اندوه آن حضرت بود. (۳)

امام زمان علیه السلام نیز، خودش از کسانی است که با ذکر وقایع عاشورا و مظلومیت اهل بیت و شهادت امام حسین علیه السلام و فرزندان و یارانش، مرثیه خوان آن حضرت است و اشک می ریزد و می فرماید:

ص: ۷۳

۱- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۳۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴.

۳- امالی، ص ۱۱۱.

اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و نتوانستم به یاریت بیایم و با دشمنانت بجنگم، اینک صبح و شام بر تو گریه می کنم و به جای اشک، خون می گریم... (۱)

از این گونه نقل ها و روایات، بسیار است. معصومین علیهم السلام در ایام خاص، قبر امام حسین و حضرت زهرا و پیامبر و امیرمؤمنان را هم زیارت می کردند، هم با ذکر مصائب آنان، برایشان اشک می ریختند، هم شیعه را به عزاداری بر این خاندان مظلوم و زیارت قبورشان و یاد فضایلشان و شادی در شادیشان و غم در ایام حزنشان دعوت می کردند و دوست داشتند که این همدلی و همراهی و همسویی با اهل بیت، در شیعیان وجود داشته باشد.

عنایت امامان، شامل عزاداران عترت و شیعیان همدل با اهل بیت می شود.

بکوشیم تا این همدلی را در خودمان و خانواده ها و فرزندان خود، تقویت کنیم و به عنوان تعظیم شعائر دینی، ایام مخصوص به آنان را بزرگ بشماریم و آنان را از یاد نبریم و در خانه های ما حس و حال و نشانه همدلی با اهل بیت دیده شود؛ هم در شعائر، هم در عمل!

ص: ۷۴

۱- «لأندبنَّ علیک صباحاً و مساءً...»، (بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۳۸).

بخش دوم: رفتار اجتماعی

اشاره

ص: ۷۵

اخلاق نیکو و برخورد مؤدبانه و عفو و گذشت و خوشرویی و... همه از مصادیق «حُسن خلق» اند.

آن چه آدمی را نزد خدا و خلق محبوب می سازد و در دل ها جای می دهد، اخلاق نیکوست. در حدیثی نبوی آمده است:

إِنَّ الرَّجُلَ يُدْرِكُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ؛^(۱)

انسان با اخلاق نیکویش به درجه روزه دار شب زنده دار می رسد.

حسن خلق، یک فضیلت اخلاقی است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم اخلاقی نیکو و برخوردار از حلم و مدارا و گذشت و صبر و ادب و احترام داشت و از خداوند، مدالی «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» گرفت.^(۲) بعثت خویش را بر اساس به کمال رساندن مکارم اخلاقی معرفی فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^(۳) و فرمود:

أَشْبَهُكُمْ بِي أَحْسَنُكُمْ اخْلَاقًا؛^(۴)

ص: ۷۷

۱- میزان الحکمه، حدیث ۵۰۱۲.

۲- قلم، آیه ۴.

۳- کنز العمال، حدیث ۵۲۱۷.

۴- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۹۶.

شبهه ترین شما به من، خوش اخلاق ترین شماست.

این که «اخلاق نیکو» چیست، همه می دانیم. کسی که در برخورد اول با دیگران، سلام دهد و مصافحه کند، برخوردش با مردم با چهره خندان و با تبسم باشد، گفتارش شیرین و برخوردش نیکو و شادی آور و غم زدا باشد، با مردم متواضعانه برخورد کند، از خوبی های آنان تشکر کند، تندی ها و پرخاشگری هایشان را تحمل کند، حلیم و صبور و بردبار باشد، کینه به دل نگیرد و عفو و گذشت کند، به پیران احترام و به کوچک ترها مهربانی کند، این ها نشانه های داشتن حسن خلق است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم با همین ویژگی ها توانست در دل ها نفوذ کند و از آن مردم جاهل و خشن و بادیه نشین، انسان هایی دانا، مهربان، دلسوز، فداکار و بااخلاص تربیت کند. اخلاق او پشتوانه دعوتش بود. خداوند خطاب به آن حضرت فرمود:

((فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ)) (۱)

به سبب رحمتی از سوی خدا برای مردم نرم شدی و اگر خشن و سخت دل بودی، از دور تو پراکنده می شدند.

معلوم می شود که نرمش و مدارا و خوش برخوردی عامل جذب و ایجاد محبت است و تندخویی و بداخلاقی و عصبانیت و سرسختی موجب دفع و دور شدن مردم می گردد.

ص: ۷۸

بنده حلقه بَه گِوش ار نِن_وازی، برود

لطف کن لطف، که بیگانه شود حلقه به گوش (۱)

اخلاق نیکو، اَمّت مسلمان را نزد دیگر اَمّت ها عزیز و محترم می سازد. در بین فامیل کسی که حسن خلق داشته باشد محبوب می گردد. معلّمی که خوش اخلاق باشد، شاگردانش از او راضی و به درسش علاقه مند و به سخنانش شنوا می شوند. امام علی علیه السلام فرمود:

رُبَّ عَزِيزٍ اَذَلَّهُ خُلُقُهُ، وَ ذَلِيلٍ اَعَزَّهُ خُلُقُهُ؛ (۲)

چه بسا عزیزی که اخلاقش او را ذلیل کرد، و چه بسا ذلیلی که اخلاقش به او عزّت بخشید!

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به خویشاوندان از فرزندان عبدالمطلب فرمود:

اِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِاَمْوَالِكُمْ، فَسَعَوْهُمْ بِاَخْلَاقِكُمْ؛ (۳)

شما با اموالتان نمی توانید به همه برسید (و آنان را برخوردار کنید) پس با اخلاقتان به آنان برسید.

یعنی اخلاق و برخورد خوب، در جذب افراد و تأثیرگذاری، جای اموال و بخشش را می گیرد. این توصیه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مخصوص فرزندان عبدالمطلب نیست. امروز ما هم با حسن خلق، می توانیم جاذبه بیافرینیم و دل های دیگران را به اسلام و تشیع و امام زمان متمایل سازیم. دیگران با اخلاق خوب، مردم را به دین و مذهب غلط جذب می کنند، ما چرا به دین حق جذب نکنیم؟! منتظر امام زمان علیه السلام در اخلاق نیک هم باید نمونه و الگو

ص: ۷۹

۱- سعدی در گلستان .

۲- بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۹۶.

۳- بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۶۹.

باشد، تا مولایش از او راضی گردد.

ص: ۸۰

محبت و مهرورزی از نیازهای فطری انسان است.

هر کس، هم دوست دارد که از دیگران مهر و محبت ببیند، نه عداوت و بی‌مهری، هم دوست دارد که محبت قلبی خود را نثار کسانی کند که دوستشان دارد.

البته بحث‌های فراوانی وجود دارد که: به چه کسی باید مهر ورزید؟ از دوستی چه کسانی باید پرهیز کرد؟ دوست خوب کیست؟ از کجا دوستی و محبت راستین شناخته می‌شود؟ آثار دوستی چیست؟ کجا باید مهرورزی کرد و کجا باید به مبارزه و قطع رابطه پرداخت؟ ولی کلاً دین ما دین محبت و صفا با یکدیگر، با هم‌نوعان و هم‌کیشان، با بستگان و افراد خانواده، با همسایگان و همسفران، با فقرا و محرومان است. امام صادق علیه السلام تا آن جا به محبت اهمیت داده که فرموده است:

الدِّينُ هُوَ الْحُبُّ، وَالْحُبُّ هُوَ الدِّينُ؛ (۱)

دین همان محبت است و محبت همان دین است.

روشن است که اگر محبت، راستین باشد نه ادعایی، انسان را به همراهی

ص: ۸۱

و همرنگی و اطاعت می کشد و اگر حبّ خدا و حبّ رسول و اهل بیت در کسی باشد، او را در خطّ خدا و دین و پاکی و تقوا قرار می دهد.

در آموزه های دینی، به محبت خدا و رسول و اهل بیت، محبت به دوستان و برادران دینی، محبت به همسر و فرزندان، محبت به پدر و مادر، محبت استاد به شاگرد و حاکم به رعیت و فرمانده به نیروهای تحت امر، مهرورزی به یتیمان و ضعیفان و معلولان و نیازمندان فراوان مطرح شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ما تحابّ إثنان فی الله تعالیٰ إلا كان أفضلهما أشدّهما حبّاً لصاحبه؛^(۱)

هرگز دو نفر به خاطر خدا نسبت به هم محبت نمی ورزند مگر آنکه برترین آنان نزد خدا کسی است که محبتش به دوستش بیشتر باشد.

دوستی هایی ارزشمند است که صادقانه و برای خدا باشد، نه از روی فریب و تظاهر، یا به قصد بهره بردن از مال و موقعیت کسی و سوء استفاده از این ارتباط و آشنایی.

آنچه از روایات برمی آید، مطلوب بودن جامعه ای است که افراد آن نسبت به هم محبت و دوستی و مهرورزی و یاری داشته باشند، به دیدار هم بروند، روابطشان گرم و صمیمی و برخوردار از تعاون و مشارکت باشد، به یکدیگر احترام و نیکی و احسان کنند، با هم قهر نباشند، در رفع نیازهای هم بکوشند، خطاهای همدیگر را نادیده بگیرند، کینه از هم در دل نداشته باشند، به

ص: ۸۲

یکدیگر حسد نوزند، آبروی یکدیگر را نریزند، خادم هم باشند، قهرها را به آشتی تبدیل کنند، نسبت به هم مودت و عاطفه و برادری و ایثار داشته باشند، به بزرگ ترها احترام و محبت کنند، یتیمان و کودکان را بنوازند و... که همه این را در حاکمیت «محبت و دوستی» بر روابط افراد، خلاصه می کنیم.

عربی بادیه نشین خدمت پیامبر آمد و گفت: مرا توصیه ای کن. از جمله سفارش های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم این بود:

تَحَبَّبْ إِلَى النَّاسِ يُحِبُّوكَ؛ (۱)

به مردم مهرورزی کن تا دوستت بدارند.

و در حدیث دیگر است:

التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ؛ (۲)

نیمی از خرد، دوستی کردن با مردم است.

اگر خشم و نفرتی هست، باید نسبت به دشمنان و منافقان و بدخواهان باشد و اگر عشق و محبتی هست، باید نسبت به خودی ها باشد. امام صادق علیه السلام به یاران خود می فرمود:

تَوَاصَلُوا وَ تَبَاوَأُوا وَ تَرَاحَمُوا وَ تَعَاطَفُوا؛ (۳)

نسبت به یکدیگر ارتباط و نیکی و ترحم و عاطفه داشته باشید.

ص: ۸۳

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۴۲.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۴۳.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۵.

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد

نهال دشمنی بر کن، که رنج بیشمار آرد(۱)

این که در دعای امام زمان علیه السلام از خدا درخواست می کنیم که توفیق انصاف و رفتار خوب و روش نیکو به ما عطا کند (وَعَلَى الرَّعِيَةِ بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السَّيْرِه)، باید خودمان نیز در عمل، رفتاری منصفانه و برخورد از نیکی و دوستی و محبت داشته باشیم، نه سودجویانه و خودپسندانه.

ص: ۸۴

۱- حافظ شیرازی .

زندگی های استوار بر پایه راستی و درستی، از سعادت برخوردار است و افراد به هم اعتماد دارند و جامعه از تعادل مطلوبی که دارد، بهره مند می شود و احساس آرامش می کند.

«صدق» و «امانت»، که یکی در گفتار است و دیگری در کردار، از مهم ترین فضایل اخلاقی است و در روایات، به عنوان «معیار» برای ارزش و ایمان یک شخص به شمار آمده است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

فریب نماز و روزه اشخاص را نخورید، چرا که شخص چه بسا به نماز و روزه حریص و به آن ها عادت کرده باشد که اگر ترک کند، دچار وحشت شود. لیکن آنان را با راستگویی و امانت داری امتحان کنید: «وَلَكِنْ إِخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ» (۱)

این معیار، بسیار تعیین کننده است. خیلی ها ممکن است اهل نماز و عبادات باشند و به نماز شب و دعای کمیل و زیارت پیردازند، ولی راستگو و امین نباشند. به چنین اشخاصی نمی توان اطمینان کرد. از معضلات مهم جامعه ما عدم صداقت و عدم امانت است. جامعه به اسم، اسلامی است؛ ولی

ص: ۸۵

به عمل، غیر اسلامی. این همه زندانی چک و سفته به خاطر صادق نبودن افراد در قول و وعده و امضاء و تعهد است.

صدق و امانت را از این می توان شناخت که افراد، اگر حرف می زنند دروغ نگویند، گزارش غیرواقعی ندهند، فاکتور جعلی ارائه نکنند، در کنتور برق دستکاری نکنند، شایعات را پخش نمایند، قسم دروغ نخورند، جنس تقلبی ن فروشند، شهادت دروغ در دادگاه ندهند، علیه کسی پرونده سازی نکنند، از آن چه به عنوان امانت در اختیارشان است سوءاستفاده نکنند، سرموقع، بدهی و اجاره خود را بدهند، جنس قاچاق ن فروشند، به جای همکارشان در اداره ساعت نزنند، در مورد مشورت دادن به دیگری، کلاه سر او نگذارند و ده ها مورد که متأسفانه میان بعضی رایج است و در عین حال، خود را مسلمان هم می دانند.

لا ايمانَ لِمَنْ لا امانةَ لَهُ؛(۱)

کسی که امانت ندارد، ایمان ندارد.

و آن حضرت فرمود:

الكَذِبُ بَابٌ مِنْ اَبْوَابِ النِّفَاقِ؛(۲)

دروغگویی، دری از درهای نفاق است.

دروغ گویی در احادیث، به عنوان کلید همه پلیدی ها به شمار آمده است. کسی که از دروغ گفتن ابایی نداشته باشد، هر جرم و گناهی را مرتکب می شود و برای پوشاندن آن ها به دروغ متوسل می شود.

ص: ۸۶

۱- بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۱۹۸.

۲- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۱۳.

انسان امین و راستگو، مورد اعتماد جامعه است. حتی دشمنان هم اگر صداقت و امانت ببینند، اعتماد می کنند. مگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در میان مشرکانِ مکه به «محمد امین» مشهور نبود؟ مگر آنان امانت های خود را به او نمی سپردند؟

در میان خود ما، چرا به اجناس داخلی اقبالی نیست و به تولیدات خارجی بیشتر روی می آورند؟ یکی از دلایل آن اتقان و درستکاری در محصولات آنان و سر هم بندی و تقلب در برخی اجناس تولید داخل است و این وضع، هرگز مورد رضا و پسند خدا و پیغمبر و امام زمان برای «امت محمدی» نیست، چون عدم صداقت و امانت را می رساند و ضررش به خود جامعه برمی گردد.

جامعه ای که در آن دروغگویی و تقلب و فریب رواج داشته باشد، اسلامی نیست و مردمی که صداقت و امانت نداشته باشند، نمی توانند ادعا کنند که ما منتظر دولت کریمه امام زمان هستیم. یاران او همه از صادقانند، چه در گفتار، چه در کردار.

امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر قاتل علی علیه السلام امانتی به من بسپارد، یا از من نصیحت و مشورتی بخواهد و من بپذیرم، امانت رابه او برمی گردانم. (۱)

و امام علی علیه السلام فرمود: امانت را برگردانید، هر چند به قاتلان پیامبرزادگان. (۲)

این ها نشان دهنده جایگاه والای صدق و امانت است.

ص: ۸۷

۱- میران الحکمه، حدیث ۱۴۹۵.

۲- میران الحکمه، حدیث ۱۴۹۳.

انسان‌ها در زندگی بی‌نیاز از هم نیستند. زندگی فردی برخلاف فطرت و سنت طبیعی است. آن‌چه زندگی اجتماعی را آسان و مفید می‌سازد، تعاون و مشارکت و همیاری است.

در دین اسلام، تأکید شده که افراد، در کار خیر و اعمال صالح، مشارکت داشته باشند و به یاری هم بشتابند و برعکس، در کارهای بد و گناه، عدم همکاری مطلوب است. قرآن می‌فرماید:

((وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ)) (۱)

بر نیکی و تقوا تعاون و یاری داشته باشید و بر گناه و تجاوز، یکدیگر را یاری نکنید.

مؤمنان باید به کمک یکدیگر، نیازهای خود را برطرف کنند و مشکلات را حل کنند و با هم برای ترویج خوبی‌ها و رونق بخشیدن به کارهای خیر در جامعه، بکوشند.

در صدر اسلام، اولین مسجدی که در مدینه بنا شد، با مساعدت و

ص: ۸۸

مشارکت همه مسلمانان صورت گرفت. در جنگ احزاب، حفر خندق پیرامون مدینه هم با همیاری همگانی انجام یافت. تعاون، هم بر سرعت کار می افزاید، هم به افراد امید و دلگرمی می دهد و هم فرسایش نیرو کمتر می شود و خدا هم از چنین کاری راضی است.

وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ؛^(۱)

خداوند، در پی یاری مؤمن است، تا وقتی که مؤمن در پی یاری برادر دینی اش باشد.

به همان اندازه که کمک به مؤمنین، اجر و ثواب دارد، بی اعتنائی به وضع مردم و ترک یاری و مساعدت، عواقب سوء دارد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

هریک از شیعیان ما اگر سراغ یکی از برادران دینی اش برود و در کارش از او کمک بخواهد و او هم بتواند ولی مضایقه کند، گرفتار آن می شود که کمک کار دشمنان ما شود و به همین سبب هم در قیامت عذاب می شود.^(۲)

در عصر غیبت، منتظران ظهور باید پشتیبان و غمخوار و مددکار هم باشند، تا در انبوه دشمنان دچار ضعف و انزوا نشوند و قدرت اجتماعی خود را حفظ کنند.

تعاون در کارهای خیر، موجب رضای خداست. داشتن «روحیه تعاون» هم از فضایل اخلاقی است. این روحیه را باید از دوران کودکی در فرزندان خود ایجاد کنیم و حس همدردی و همیاری را در آنان تقویت کنیم. والدین و

ص: ۸۹

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۶.

معلمان و مربیان می توانند در این مورد نقش خوبی ایفا کنند. کمک در کارها، اخلاق پیامبرانه است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در کارهای خانه به همسرانش کمک می کرد و در بیرون هم با مسلمانان همکاری داشت و در کارهای جمعی، سخت ترین کارها را بر عهده می گرفت.

در روایات، عنوان «قضاء حاجت مؤمن» و «سعی در حاجت مؤمن» آمده و خدمت به دیگران و عنایت داشتن به امور برادران دینی و رفع نیازهایشان بسیار نیکو شمرده شده است و ثواب دارد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوُوا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ...؛(۱)

مردم همواره در خیر و خوبی اند، تا وقتی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در نیکی با یکدیگر یاری و تعاون دارند. هرگاه چنین کاری را ترک کنند، خداوند هم برکات خویش را از آنان می گیرد.

تعاون، حتی نسبت به راه خیر و اصلاح خانواده و فرزندان هم سفارش شده است. در روایات، از زنی که شوهر خود را در کارهای نیک یاری رساند، و پدری که فرزند خود را در نیکی مددکار و یاور باشد، ستایش شده است.

جامعه ایمانی باید نسبت به هم همدردی و همکاری و همیاری داشته باشند، تا مورد عنایت حضرت حجت قرار گیرند.

ص: ۹۰

امام سجاد علیه السلام در حدیث مفصّلی که به «رساله الحقوق» مشهور است، به بیان حقوقی که افراد نسبت به هم دارند پرداخته و وظایف والدین نسبت به فرزندان و بالعکس، وظیفه زن و شوهر نسبت به یکدیگر، حق معلم بر شاگرد و شاگرد بر معلم، شریک نسبت به شریک، همسایه نسبت به همسایه و... را یاد کرده است. (۱)

هرجا که حقی مطرح است، در مقابل آن وظیفه ای وجود دارد. باید در درجه نخست، حقی را که دیگران بر گردن ما دارند بشناسیم، در مرتبه بعد در ادای آن حقوق بکوشیم.

بسیاری از تنش ها، اختلافات و مشکلات اجتماعی، یا به سبب آن است که افراد، به وظیفه خود در مقابل دیگری آشنا نیستند، یا می دانند ولی عمل نمی کنند، یا تنها یک طرف عمل می کند و طرف مقابل، بی تعهد است.

در یک نگاهی کلی، هر مسلمان بر گردن برادر دینی خود حقوقی دارد و در مقابل، او هم نسبت به وی وظایفی دارد. امام صادق علیه السلام فرمود:

أَيُّسُرُ حَقٍّ مِنْهَا أَنْ تُحِبَّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ تَكْرَهُ لَهُ مَا

ص: ۹۱

آسان ترین و کمترین حقوق آن است که آن چه برای خودت دوست داری برای او هم دوست بداری و آنچه برای خود نمی پسندی، برای او هم نپسندی.

این حقوق، مورد سؤال قرار خواهد گرفت و اگر کسی در ادای حق دیگران کوتاهی کرده باشد مجازات می شود.

در روایات، حقوق بسیاری بیان شده است، از جمله:

۱. پرهیز از آزردن و رنجاندن برادر مسلمان؛
۲. برخورد متواضعانه و دوری از تکبر؛
۳. پرهیز از غیبت و تهمت، و دفاع از او در مقابل غیبت کردن دیگران؛
۴. پرهیز از قهر و مبادرت به آشتی و برقراری رابطه؛
۵. وفای به عهد و عمل به قولی که می دهیم؛
۶. بی اجازه و سرزده، وارد خانه او نشدن؛
۷. مراعات انصاف در برخورد با او در قضاوت و گفتار؛
۸. حفظ آبروی او در غیابش؛
۹. آغاز به سلام و دست دادن و مهرورزی و ابراز علاقه؛
۱۰. عیادت هنگام بیماریش و شرکت در مراسم تشییع و دفن پس از وفاتش؛
۱۱. کمک مالی و مساعدت هنگام نیازش؛
۱۲. اجابت درخواستش برای قرض یا کمک و یاری؛
۱۳. تنها نگذاشتن برادر دینی در سختی ها و گرفتاری ها؛

ص: ۹۲

۱۴. یاری کردن او با دست و زبان و مال و جان؛

۱۵. صداقت با او و مثل آینه بودن برایش؛

۱۶. قبول دعوتش و رفع حاجتش؛

۱۷. دریغ نکردن از ایثار و مواسات و همدردی و همکاری با او.

بعضی ها به اتکای رفاقت و صمیمیت و خودمانی بودن با دیگران، نسبت به مراعات حقشان کوتاهی و سهل انگاری می کنند. حضرت علی علیه السلام به فرزندش امام مجتبی چنین سفارش می فرماید:

لا تُضَيِّعَنَّ حَقَّ أَخِيكَ اِتِّكَالَاً عَلَيَّ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ، فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكَ بِأَخٍ مَنْ ضَيَّعَتْ حَقُّهُ؛ (۱)

حق بردار دینی ات را به اتکای روابطی که میان تو و اوست ضایع مکن، چون کسی که حقش را ضایع و تباه کنی دیگر برادر تو نیست.

اگر دوست داریم به ما احترام کنند، اگر از غیبت و تهمت دیگران ناراحت می شویم، اگر نمی خواهیم کسی مزاحم ما شود، اگر هنگام بیماری انتظار عیادت از دیگران داریم، اگر وقت نیاز، چشم امید به یاری دوستان داریم، اگر می خواهیم حق ما را تباه نکنند؛ ما هم به آنان احترام کنیم، از غیبت و تهمت پرهیزیم، مزاحمشان نشویم، در حال بیماری به عیادتشان برویم، هنگام نیاز، به کمکشان برویم و حقی را از کسی ضایع نکنیم.

رعایت این حقوق، دو جانبه است.

بد مکن تا بد نبینی، احترام کن تا احترامت کنند، بگذر تا تو را عفو کنند.

ص: ۹۳

رشد علمی، اجتماعی و معنوی افراد، اغلب در سایه تشویق بوده است. از این رو اگر بخواهیم افراد جامعه، در عرصه های مختلف به پیشرفت و تعالی برسند، باید فرهنگ «تشویق و تقدیر» را احیا کنیم.

در زمینه های معنوی و ارزشی هم چنین است. اگر کسی به خاطر صداقت، خدمت، ایثار و فداکاری مورد تشویق قرار گرفت، انگیزه بیشتری برای همین نیکی ها پیدا می کند. خدای متعال هم در قرآن، از کسانی به نیکی یاد می کند، یا از عمل نیک و جهاد و صبر و انفاق اشخاصی، با نازل کردن آیاتی در شأن آن واقعه، تجلیل می کند.

امیر مؤمنان علیه السلام در توصیه به مالک اشتر، می فرماید:

لا یكونَنَّ الْمُحْسِنُ وَ الْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزَلَةٍ سِوَا...؛(۱)

نیکوکار و بدکار در پیش تو یکسان نباشند، چرا که این کار، بی رغبتی نیکوکاران در امر نیکوکاری را سبب می شود و بدکاران را به بدی ورزیده تر می کند.

همچنان که تشویق یک دانش آموز، او را در کسب علم ترغیب می کند، یا

ص: ۹۴

تجلیل از یک کارگر نمونه، کارگران را به تلاش بیشتر وامی دارد، یا بزرگداشت یک شهید و ایثارگر، فرهنگ جهاد و شهادت را رواج می دهد و تکریم یک «حافظ قرآن»، یا «خیر مدرسه ساز»، افراد را به حفظ قرآن یا ساختن مدرسه تشویق می کند، یاد کردن از خوبی های اشخاص هم به آنان در مورد همان خوبی ها انگیزه می بخشد و استعدادهایشان را شکوفا می سازد.

تقدیر و سپاس، نوعی «الگودهی» هم به شمار می آید.

اگر از یک نوجوان، به خاطر آن که مقاله و متنی زیبا درباره امام زمان علیه السلام نوشته تقدیر شود، عشق و علاقه او را به آن حضرت می افزاید و اگر به خاطر تقلید صدای یک حیوان یا ماشین یا... تقدیر شود، او را به همان سو می کشاند، بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا؟! وقتی از افرادی به خاطر علم، اخلاق، خلاقیت، جهاد، نیکوکاری، نوآوری و... قدردانی و تجلیل شود، یعنی به دیگران «الگو» می دهیم و سرمشق معرفی می کنیم. پس باید دید چه کسانی را و به خاطر چه کارها و خصصیت هایی مورد قدردانی قرار می دهیم، چون که این نوعی فرهنگ سازی است.

حتی می توان از راه نکوداشت و تقدیر از خوبان، افراد بد را از کارهای زشتشان بازداشت. سپاس از یک دانش آموز درس خوان و زرننگ، می تواند بر دانش آموزان تنبل و بازی گوش هم اثر بگذارد و آنان را به تحصیل جدی وادار کند.

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

أَزْجُرُ الْمُسَيِّئَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ؛^(۱)

با پاداش دادن به نیکوکار، فرد بدکار را از کارش بازدار.

تشکر از یک معلم وظیفه شناس، او را در تدریس متعهدانه کوشا تر می کند. سپاس از یک هنرمند متعهد، او را به آفرینش هنرهای ارزشی بیشتری سوق می دهد. تقدیر از یک برنامه مفید و سازنده صدا و سیما، تهیه کنندگان را در تولید برنامه های بهتر انگیزه می بخشد.

برای ترویج خوبی ها باید رفتاری مشوقانه داشته باشیم. انتقاد و عیبجویی اگر کمی تأثیر داشته باشد، تشویق و تقدیر بسیار مؤثرتر است. سپاس از نیکان و خدمتشان، با شکر در پیشگاه خدا منافات ندارد، بلکه در یک راستا قرار دارد. حضرت رضا علیه السلام فرمود:

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ؛^(۲)

هر کس بندگان صاحب نعمت و احسان را سپاسگذاری نکند، خدا را هم سپاس نگفته است.

از امام سجاد علیه السلام هم روایت است که: شکر گزارترین شما نسبت به خدا، کسی است که نسبت به مردم سپاسگزارتر باشد.^(۳)

قدردانی از زحمات پدر و مادر، تشکر از کسی که به ما نیکی کرده، سپاس

ص: ۹۶

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۶۸.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۹۹.

از معلمی که به ما دانش آموخته، تقدیر از پزشکی که ما را درمان کرده، قدردانی از کسی که به ما پند و تذکر داده و عیوبمان را گوشزد کرده است، تجلیل از زحمتکشان گمنام جامعه، بزرگداشت مقام علمی دانشمندان فرزانه و... همه این ها ترویج فرهنگ علم و خدمت و ارزش های انسانی است.

بکوشیم تا فرهنگ «تقدیر و سپاس»، جای ناسپاسی و بی مهری را بگیرد.

بالا تر از همه این ها شکر خدا و سپاس نعمت های اوست و این که «شکر نعمت، نعمت افزون کند».

ص: ۹۷

به همان اندازه که عیبجویی از دیگران ناپسند است، تقدیر و تذکر و ارشاد، به قصد اصلاح و با هدف کاستن از نارسایی ها و عیب ها خوب است و یک وظیفه است.

برخورد بعضی ها با نقد و تذکر، نامناسب است. کم ظرفیت و خودخواه و مغرورند و تاب و تحمل هیچ انتقاد و تذکری را ندارند و هر نوع نقد دلسوزانه و تذکر خیرخواهانه را حمل بر غرض ورزی می کنند و از روی حسادت و دشمنی می دانند و این سبب می شود که ضعف ها و عیب ها همچنان باقی بماند و اصلاح نشود.

هم تملق و چاپلوسی بد است، هم این که انسان از تملق افراد خوشش آید و دچار غرور و خود بزرگ بینی شود.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

لَيْكُنْ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَيْكَ الْمُشْفِقُ النَّاصِحُ؛ (۱)

نصیحت کننده خیرخواه و مشفق، محبوب ترین مردم در نظرت باشد.

ص: ۹۸

سعدی گوید: «متکلم را تا کسی عیب نگیرد، سخنش اصلاح نپذیرد.»^(۱)

ممکن است در حرف زدن و سخنرانی ما، در نوشته و آثار قلمی ما، در طرز برخورد و معاشرت ما، در مدیریت و کارهای اجرایی ما، در شغل و نحوه کسب و کار ما، در تدریس و تربیت ما، اشکال و ایرادهایی باشد. هیچ کس بی عیب و بی خطا نیست. اگر کسی ضعف و عیب ما را به ما گفت، باید ممنون و سپاسگزار او باشیم و درصدد اصلاح خویش برآییم. بی اعتنایی به تذکرات دلسوزان و نقد های بی طرفانه نقادان، ما را از رشد و بالندگی باز می دارد. به جای آنکه از چاپلوسی های زبان بازان خوشمان آید، از نقد و ارشاد و تذکر دیگران استقبال کنیم و بدون رنجیدن، بپذیریم.

آینه چون عیب تو بنمود راست

خودشکن، آینه شکستن خطاست

این حدیث امام صادق علیه السلام بسیار مشهور است که:

أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهَدَى إِلَيَّ عَيْبِي؛^(۲)

محبوب ترین برادرانم پیش من، کسی است که عیب مرا به عنوان هدیه به من بگوید.

آیا کسی که عیب های ما را می پوشاند بهتر است، یا آنکه خیرخواهانه عیوب ما را به ما متذکر می شود؟ امام باقر علیه السلام فرمود:

«أَتَّبِعْ مَنْ يُبْكِيكَ وَهُوَ لَكَ نَاصِحٌ، وَ لَا تَتَّبِعْ مَنْ يُضْحِكُكَ وَهُوَ لَكَ غَاشٌّ؛^(۳)

ص: ۹۹

۱- گلستان سعدی، باب هشتم.

۲- تحف العقول، ص ۳۶۶.

۳- محاسن برقی، ج ۲، ص ۴۴۰.

از کسی پیروی کن از روی خیرخواهی و نصیحت، تو را می گریانند، نه از کسی که فریبکارانه تو را می خندانند!

آنان که در مسئولیت های اجرایی اند، خوب است از طریق صندوق پیشنهادهای و انتقادهای، یا به صورت حضوری، پذیرای نقدهای دیگران باشند و سعه صدر نشان دهند و تحمّل کنند و در رفع معایب بکوشند، نه آن که با فرافکنی، یا با برخورد تند نسبت به منتقدان، راه تذکر و ارشاد و نقد را ببندند و کسی جرأت انتقاد نداشته باشد.

پذیرش نقد، هم شجاعت می خواهد، هم رها بودن از خودخواهی و حبّ نفس.

امام سجاد علیه السلام در رساله الحقوق، فرموده است:

حق نصیحت کننده بر تو آن است که نسبت به او نرم باشی و به نقد و نصیحتش گوش دهی. اگر حرفش درست بود، بپذیری و خدا را شکر کنی، و اگر نابه جا بود، بپذیری. (۱)

البته نصیحت کننده و منتقد، باید خود را از حسد، کینه توزی، تخریب شخصیت و تحقیر و توهین پاک سازد و تذکرش از روی انصاف و به قصد اصلاح و از روی خیرخواهی باشد، تا طرف مقابل هم پذیرا باشد.

«نقدپذیری» به عنوان یک رفتار اجتماعی سازنده، برای یک مسلمان ارزش است و برای یک مسئول، راهگشا برای رفع اشکالات و نقص ها.

ص: ۱۰۰

خدمت به مردم و نیازمندان

یکی از امتحان های الهی «آزمون مالی» است. این امتحان به شکل های مختلف است، یکی هم این است که افراد توانگر و ثروتمند، نسبت به فقیران و محرومان جامعه، چه رفتاری دارند؟ بی خیال و بی تعهدند، یا از امکاناتی که خداوند به آنان داده، به محرومان هم کمک می کنند؟

تنها کمک مالی هم معیار نیست. تلاش برای خدمت به مردم و کمک به آنان و رفع نیازهای مختلف آنان، که در روایات، با عنوان «قضای حاجت مؤمن» از آن یاد شده است، و فریاد رسی به آنان که بی پناه و درمانده اند و به کمک ما نیاز دارند و از دست ما کاری ساخته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

خَيْرُ النَّاسِ مَنْ اَنْتَفَعَ بِهِنَّ النَّاسُ؛^(۱)

بهترین مردم کسی است که مردم از وجود او بهره مند شوند.

امام رضا علیه السلام فرمود:

اِنَّ لِلّٰهِ عِبَادًا فِي الْاَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ، هُمْ الْاٰمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^(۲)

ص: ۱۰۱

۱- بحار الأنوار، ج ۲، ص ۵۰.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۷.

خداوند را در روی زمین بندگانی است که در برآوردن نیازهای مردم می کوشند. آنان در روز قیامت، ایمن و آسوده اند.

و حدیث معروفی که همه شنیده اید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هرکس صبح کند، در حالی که به امور مسلمانان بی اعتنا باشد، بهره ای از اسلام نبرده است. و هرکس شاهد باشد که کسی از مسلمانان کمک می خواهد، اما پاسخی به او ندهد، از مسلمانان نیست. (۱)

از این دست روایات، بسیار است. درس کلی آن ها و پیام دین در این مورد، آن است که یک مسلمان متعهد، نسبت به وضع فقر و نیاز جامعه و نیازمندان وظیفه دارد و هر نوع کمکی از دست او برآید، باید کوتاهی نکند.

تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن

به دمی یا درمی یا قلمی یا قدمی

امام صادق علیه السلام می فرماید:

در انجام نیکی به برادران دینی مسابقه دهید و اهل معرفت و نیکی باشید. بهشت، دری دارد به نام «در معروف»، که جز آنان که در دنیا اهل نیکی بوده اند از آن وارد نمی شوند. وقتی بنده ای در پی انجام کار برادر دینی اش می رود، خداوند دو فرشته را مأمور او می کند که از سمت راست و چپ او حرکت کنند و برایش استغفار کنند و دعا نمایند که حاجتش برآورده شود. سپس فرمود: پیامبر خدا هم از قضای حاجت مؤمن و

ص: ۱۰۲

۱- «من اصبح لا یهتم بامور المسلمین...»، (بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۱).

رفع نیاز او خوشحال می شود. (۱)

به جاست که مؤمن، به سفارش امامانش، به محرومان جامعه اش رسیدگی کند و از حال و وضع بستگان فقیرش باخبر باشد و به آنان کمک کند و اهل ایثار و مواسات باشد و به شکرانه ثروت و موقعیتی که دارد، از نیازمندان دستگیری کند و این را وسیله تداوم نعمت های الهی برای خودش قرار دهد.

دائم گل این بستان، شاداب نمی ماند

دریاب ضعیفان را در وقت توانایی (۲)

صله رحم هم که بسیار مورد سفارش است، تنها سرزدن و دید و بازدید با فامیل نیست، بلکه در پی این رفت و آمد و رابطه، به آنان کمک کند و در حل مشکلات و برطرف کردن نیازهایشان بکوشد.

امام باقر علیه السلام به شیعیان چنین سفارش می فرماید:

لِيَعْنُ قَوِيُّكُمْ ضَعِيفَكُمْ، وَ لِيُعْطِفَ غَنِيكُمْ عَلَىٰ فَقِيرِكُمْ؛ (۳)

توانمندان شما بر ضعیفانتان کمک کنند و ثروتمندان شما بر فقیرانتان عاطفه و مهرورزی داشته باشند.

مهم، داشتن روحیه خدمت و دلسوزی و کمک به دیگران است، چه با کمک مالی باشد، یا وساطت و تماس و سفارش، یا نوشتن نامه و پیگیری مشکل، یا سفر کردن و دیدار داشتن و خرج کردن از آبرو و موقعیت و نفوذ خود برای یاری برادر مسلمان.

ص: ۱۰۳

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۵.

۲- حافظ.

۳- بشاره المصطفی، ص ۱۱۳.

وفای به عهد و قول و قرار

خداوند می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید، به پیمان‌ها وفا کنید. (۱)

آن چه به یک جامعه، صفا و اطمینان و رشد می دهد، جو «اعتماد عمومی» میان افراد است. یکی از راه های پدید آمدن آن، تعهد نسبت به قول و قرارها و عمل به عهد و پیمان‌ها و محترم شمردن تعهدات اجتماعی در برابر دیگران است.

«وفای به عهد»، نشانه ایمان است و در حدیث است که: کسی که وفا ندارد، دین ندارد. کسی هم که دین ندارد، به او نمی توان اعتماد کرد.

امام علی علیه السلام فرمود:

لَا تَتَّقَنَّ بَعْدَ مَنْ لَا دِينَ لَهُ؛ (۲)

به عهد و پیمان کسی که دین ندارد، اعتماد نکن.

ایمان و ترس از مجازات اخروی و اعتقاد به کلام الهی و قرآن، باید سبب شود که یک مسلمان، به قولی که می دهد پایبند باشد و آن چه را برعهده می گیرد با دقت و امانت عمل کند و با خلف وعده، خود را بی شخصیت و

ص: ۱۰۴

۱- ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ))، (مائده، آیه ۱).

۲- غرر الحکم، حدیث ۱۰۱۶۳.

جامعه را محروم از اعتماد نکند.

وفای به پیمان در تعهدات و روابط بین المللی هم جایگاه مهمی دارد و آن چه روابط سیاسی، تجاری و فرهنگی کشورها را استوار و قابل اطمینان می سازد، تعهد کشورها به معاهدات است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم وقتی با مشرکین یا یهود پیمان می بست به آن وفادار بود، مگر آن که طرف مقابل پیمان شکنی کند. امام حسن علیه السلام با معاویه قرارداد صلح امضا کرد و تا پایان عمر به آن وفادار ماند.

نقض عهد و پیمان شکنی و تخلف از تعهد و امضا، علاوه بر آن که یک رفتار غیر اخلاقی و غیر انسانی است، یک جرم هم محسوب می شود و قابل پیگیری و مجازات است. قول دادن و عمل نکردن و عهد بستن و پیمان شکستن، خصالتی شیطانی است و خود شیطان در آخرت به پیروانش می گوید: خدا به شما وعده راست داد، ولی من وعده دادم و تخلف کردم. (۱)

برای یک مؤمن، بهتر آن است که در خط خدا باشد نه شیطان، و از نام خدا که «وفی» و «وافی» است الهام بگیرد و عمل به وعده ها را مهم و ضروری بشمارد.

بسیاری از مشکلات اجتماعی و بروز اختلافات و طرح شکایت ها و به زندان افتادن و جریمه شدن و... پیامد تخلف وعده و نقض عهد است. اختلافاتی که بین زن و شوهر پیش می آید، یا شکایتی که از صاحب چک بی محل می شود، یا نزاع های بین مالک و مستأجر بر سر تخلیه منزل یا

ص: ۱۰۵

۱- آل عمران، آیه ۹؛ رعد، آیه ۳۱.

مغازه اجاره ای، یا نزاع هایی که بین پیمان کار و صاحب کار بر سر عدم تحویل به موقع کار بروز می کند، از همین تخلف از قول و قرار سرچشمه می گیرد.

در جامعه ای که به خاطر خلف وعده ها و انجام ندادن تعهدات، جوّی از بی اعتمادی به وجود می آید، جامعه اسلامی نیست. چرا برای دادن یک وام، آن همه سند و چک و سفته و ضامن معتبر و... وجود دارد، و در نهایت باز هم دل ها محکم و خاطر جمع از باز پرداخت وام نیست؟ چرا فرهنگ قرض الحسنه دادن ضعیف شده است؟ چرا افراد جرأت نمی کنند خانه خالی خود را اجاره دهند؟ جز به خاطر بی تعهدی طرف مقابل؟

در روایات، از اعتماد کردن به دوستی افراد بی وفا هم نهی شده است و برترین امانت، وفای به عهد شمرده شده است. (۱) و از سخنان امام علی علیه السلام است:

«أصل الدين أداء الأمانة و الوفاء بالعهد؛ (۲) اساس دینداری، ادای امانت و وفا به پیمان هاست.»

باشد که در جامعه ولایی و مهدوی، فرهنگ صداقت در قول و وفا به قول و قرار، رواج داشته باشد.

ص: ۱۰۶

۱- امام علی علیه السلام: «أفضل الأمانة الوفاء بالعهد»، (غرر الحکم، حدیث ۳۰۱۸).

۲- غرر الحکم، حدیث ۱۷۶۲.

نیمی از جامعه ما را زنان و دختران تشکیل می دهند. پس وضع آن در اوضاع جامعه هم مؤثر است.

انتظاری که از آنان است، آراستگی به حجب و حیا و رعایت حجاب و عفاف و پرهیز از اختلاط با مردان و جلوه گری در جامعه است.

حجاب، از احکام قطعی و روشن اسلام است و آیاتی از قرآن و احادیث بسیار بر آن تأکید دارد و مراعات آن به سلامت اخلاقی و روانی جامعه کمک می کند و رواج بی حجابی و بی عفتی، نسلی گناه آلود پدید می آورد.

هم زنان باید خود را از نامحرمان بیوشانند، هم مردان نگاه هوس آلود به زنان و نوامیس مردم نداشته باشند. این فرمان خدا در قرآن است. (۱) در رساله های عملیه همه مراجع تقلید هم، حجاب واجب شمرده شده است. با این حساب، چگونه ممکن است زن مسلمان و دختر مسلمان، با اعتقاد به احکام اسلام و آیات قرآن، در روابط اجتماعی این حکم روشن را مراعات نکند و با وضع نامناسب، به درون جامعه و دانشگاه و ادارات و به حرم ها و زیارتگاه ها برود؟

ص: ۱۰۷

آیا امام زمان علیه السلام از چنین زنانی راضی است؟ آیا جامعه ای که بی بندوباری در روابط زن و مردم وجود داشته باشد، و جوانان در پی نگاه های حرام و روابط گناه آلود و دختران در پی آرایش و جلوه گری و خودنمایی و «تبرج» باشند، می تواند ادعا کند که منتظر ظهور مهدی علیه السلام است؟

در دعای حضرت مهدی در زمان غیبت می خوانیم:

وَ عَلِي النَّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ؛^(۱)

خدایا به زنان ما توفیق حیا و عفت عنایت کن.

وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ؛^(۲)

و چشم های ما را از گناه و خیانت ببوشان.

یک جمله مربوط به زنان است که حیا و عفاف داشته باشند، جمله دیگر مربوط به جوانان و مردان است که نگاه خود را به گناه نیالایند. چشم، ابزاری برای دیدن است، ولی نگاه، هم می تواند، «شیطانی» باشد، هم «رحمانی».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ ابْلِيسَ؛^(۳)

نگاه، تیری زهر آگین از تیرهای شیطان است.

این هشدار است تا مؤمنان مواظب نگاه خود باشند، زنان هم خود را در معرض تیر نگاه های مسموم قرار ندهند.

ص: ۱۰۸

۱- مفاتیح الجنان، دعای حضرت مهدی علیه السلام .

۲- مفاتیح الجنان، دعای حضرت مهدی علیه السلام .

۳- میزان الحکمه، حدیث ۲۰۲۸۵.

گاهی بین «نگاه» و «گناه»، فاصله چندانی نیست. چرا باید چشم، که نعمت خداست، وسیله گناه شود؟ این ناسپاسی نیست؟

زدست دیده و دل هر دو فریاد

هر آن چه دیده بیند، دل کند یاد

زنان باید بدانند وقتی حریم عفاف را مراعات نمی کنند و حجاب خود را درست نمی کنند، جوانان را به دنبال گناه می کشند. بی حجابان، «حشره مزاحمت» جمع می کنند، ولی افراد باحجاب، در دژ و حصار عفاف و حیا و حجاب، مصون از تعرّض نگاه های هوس آلودند. این که حضرت فاطمه علیها السلام در پاسخ سوال حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که پرسید: چه چیز برای زن بهتر است، فرمود: «أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا وَلَا يَرَاهُ رَجُلٌ»، (۱) تأکیدی بر حاکم سازی حیا و عفاف بر روابط زن و مرد است. نه این که زن اصلاً از خانه بیرون نیاید، بلکه تا می شود، این دیدارها کاهش یابد، چون زمینه ساز وسوسه های شیطانی است.

قرآن می فرماید: «زنان در سخن گفتن با مردان نامحرم، نرم و با ناز و کرشمه سخن نگویند، چون دل های بیمار را به طمع می افکند.» (۲)

هر نوع شوخی و مزاح و اختلاط با نامحرم و رفتارهای جلب کننده نظرها و آرایش و عطر و کفش و لباس تحریک آمیز، حرام و ممنوع است. اگر به سلامت جامعه می اندیشیم، این حریم ها را هم باید مراعات کنیم.

از بانوانی که چشم انتظار آمدن امام زمانند، انتظار می رود الگوی نجابت و

ص: ۱۰۹

۱- بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۷۴ (نه مردی را ببیند و نه مردی او را ببیند).

۲- احزاب، آیه ۳۲.

حیا و پاکی باشند و از آنان که خود را شیعه زهرا و اُمّت محمّد می دانند، انتظار است حجاب و عفاف را رعایت کنند، وگرنه رضای خدا و رسول و امام زمان را نمی توانند کسب کنند.

ص: ۱۱۰

امر به معروف و نهی از منکر

اسلام، آیینی اجتماعی است و علاوه بر اصلاح فرد، به رشد اجتماعی و اصلاح جامعه هم نظر دارد.

برای بهبود وضع جامعه، وضع قوانین لازم است و بهترین قوانین هم وقتی کارساز است که به آن عمل شود. ضامن اجرای قوانین اسلام، هم حکومت اسلامی و نیروی اجرایی و قضایی است، هم تعهد و احساس مسئولیت مردم. از این رو یک تکلیف دینی بر دوش همه است، به نام امر به معروف و نهی از منکر، به خصوص در مرحله «تذکر لسانی» که نظارت افراد بر عملکرد دیگران و دولت را در بردارد.

امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه واجب است و در کنار نماز و روزه، از فروع دین به شمار می آید. خداوند در قرآن مکرر به آن دستور داده و آثار آن را فرموده است. (۱)

در روایات، از این واجب به عنوان «أسمى الفرائض» و بالاترین واجب ها یاد شده است. امام باقر علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ

ص: ۱۱۱

۱- از جمله در: آل عمران، آیه ۱۰۴؛ لقمان، آیه ۱۷؛ حج، آیه ۴۱.

مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ، فَرِيضَةُ عَظِيمَةٍ بِهَا تُقَامُ الْفَرَايِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ...؛(۱)

امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و روش صالحان است، واجبی بزرگ است که واجبات دیگر به وسیله آن برپا می شود و راه ها ایمن می گردد و کسب ها و درآمدها حلال می شود.

پیامبران الهی، پیشتاز عمل به این تکلیف الهی بودند. خداوند یکی از رسالت های پیامبر اعظم را امر به معروف و نهی از منکر شمرده است.(۲) در سیره امیرمؤمنان و ائمه دیگر هم انجام این وظیفه، جایگاه خاصی دارد. حتی امام حسین علیه السلام قیام جاودانه خود را که برای مبارزه با ستم و جور و احیای دین و نفی بدعت ها و اجرای احکام قرآن بود، با هدف امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرد.

در جامعه خداپسند، این فریضه باید زنده و اثرگذار باشد و همه نسبت به آن احساس تکلیف کنند و بی اعتنا نباشند. در روایات، به کسی که به این دو واجب عمل نمی کند و نه قلب، نه زبان و نه با دست و اقدام عملی عکس العملی از خود در مقابل مفسد و گناهان و بدعت ها از خود نشان نمی دهد، «مرده زنده نما» و به تعبیر حضرت علی علیه السلام «مَيِّتُ الْأَحْيَاءِ» گفته شده است.(۳) و آن حضرت، قوام و برپایی دین را در سایه این دو فریضه دانسته است.(۴)

ص: ۱۱۲

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۵۹.

۲- اعراف، آیه ۱۵۷.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۴.

۴- غرر الحکم، ج ۴، ص ۵۱۸.

ناگفته نماند که عمل به این دو واجب شرعی، شرایطی دارد و برای آن مراحل و مراتب و شیوه‌های خاص بیان شده که باید با آن‌ها آشنا بود و باید صفات شایسته و لازم برای آمر و ناهی را داشت و خودساخته بود تا به دیگرسازی پرداخت.

جامعه مطلوب آن است که مردم، با احساس تکلیف دینی نسبت به همه کارها نظارت کنند و بی تفاوت نباشند و فرهنگ «به من چه» نداشته باشند. اگر این احساس وظیفه در جامعه کمرنگ شود و هرکس به امید دیگری دست روی دست بگذارد و حرفی نزند و اقدامی نکند، هم مفسد، دامنگیر همه می‌شود (آتش که گرفت، خشک و ترمی سوزد)، هم عذاب الهی همه را در برمی‌گیرد، گنهکاران را به خاطر گناهشان و دیگران را به خاطر سکوتشان.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

إِذَا رَأَى النَّاسُ مُنْكَرًا فَلَمْ يُعَيِّرُوهُ عَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْبَلَاءِ؛ (۱)

هرگاه مردم منکر و زشتی را ببینند و جلوی آن را نگیرند، کیفر الهی همه را فرا می‌گیرد.

تلاش برای گسترش خوبی‌ها و معروف‌ها در جامعه و مقابله با بدی‌ها و مفسد و ستم‌ها، بسیار مقدّس است، کاری است که منجی بشریت حضرت مهدی علیه السلام با قیام جهانی‌اش این هدف را در سطح جهانی پیاده خواهد کرد و دنیا را اصلاح خواهد نمود.

منتظران او هم باید در حدّ توان در شعاع تأثیرگذاری خودشان به این مهم

ص: ۱۱۳

پرداخته و به این هدف کمک کنند. در دعای ندبه، از آن حضرت با عنوانِ منتظر برای برطرف کردن کژی‌ها، امید برای زدودن ستم، مهتیا برای ریشه کن کردن ستمگران، ذخیره برای تجدید فرائض و سنن و احیاگر آیین و شریعت و قرآن و حدود و احکام آن یاد شده است.

عصر ظهور، جامعه آرمانی همه ما و مستضعفان جهان است.

منتظر ظهور هم باید احساس تعهد و تکلیف کند و بی تفاوت نباشد.

ص: ۱۱۴

مکتبی بودن یک مسلمان را از آن می توان شناخت که در همه کارهای فردی و اجتماعی اش و همه برخوردها و موضع گیری هایش، به آن چه «وظیفه دینی» است عمل کند و متعید به حکم شرع باشد و در پی رضای خداوند و اطاعت اوامر او باشد و عمل کند.

از این رو «شناخت وظیفه» و «عمل به وظیفه»، دو رکن مهم یک زندگی مکتبی و اسلامی است.

وظیفه و تکلیف، در شرایط گوناگون فرق می کند. امامان معصوم ما شیوه های رفتار اجتماعی شان نسبت به مسائل سیاسی و حکومت، متفاوت بود. گاهی تشکیل حکومت بود، گاهی صلح، گاهی جنگ، گاهی مبارزه و زندان رفتن، گاهی پذیرش ولایتعهدی، گاهی تعلیم و برنامه های فرهنگی و... و همه آن ها بر مدار تکلیف الهی بود، نه طبق احساس شخصی یا سلیقه و ذوق، یا پسند این و آن.

فرهنگ «عمل به تکلیف» وقتی در جامعه و میان افراد حاکم باشد، همواره احساس پیروزی می کنند. به تعبیر قرآن کریم به ((إِحْدَى الْحُسَيْنِ)) (۱) _

ص: ۱۱۵

یکی از دو خوبی _ دست می یابند و در مبارزات، چه کشته شوند و چه پیروز گردند، هر دو را خوب می دانند و در هر صورت پیروزند، چون به وظیفه عمل کرده اند و این خودش یک پیروزی است.

گرچه از داغ لاله می سوزیم

ما همان سربلند دیروزیم

چون به تکلیف خود عمل کردیم

روز فتح و شکست، پیروزیم(۱)

امام حسین علیه السلام نسبت به حرکت انقلابی خود بر ضد حکومت اموی، در آغاز قیام فرمود:

أَرْجُو أَنْ يَكُونَ خَيْرًا مَا أَرَادَ اللَّهُ بِنَا، قُتِلْنَا أَمْ ظَفِرْنَا؛(۲)

امیدوارم آن چه خدا برای ما اراده کرده و خواسته، برای ما خیر باشد، چه کشته شویم و چه پیروز گردیم.(۳)

در پایان کار و در قتلگاه هم با جمله «الهی رَضًا بِقَضَاءِكَ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ»، تکلیف گرایی خود را نشان داد و چون به خواست الهی عمل کرده بود، خود را رستگار می دید، همچنان که امیرالمؤمنین علیه السلام هم پس از عمری تلاش و خدمت و جهاد در راه حق، وقتی در محراب عبادت ضربت خورد، فرمود: «فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ».

کسی که پیرو خط امامان است، باید بر مدار دین و شرع و تکلیف عمل کند، چه دیگران از او خوششان آید یا برنجند، چه تعریف کنند چه انتقاد

ص: ۱۱۶

۱- برگ و بار، ص ۱۸۱.

۲- اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۷.

۳- امام خمینی رحمه الله هم فرمود: ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است... ما در کشته شدن و کشتن پیروزیم، (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۶۵).

نمایند، چه در نظر مردم انقلابی به شمار آیند یا ترسو و محافظه کارشان بدانند. مهم، پسند خدا و اطاعت امر اوست.

امام امت رحمه الله در طول سال های مبارزه و به پیروزی رساندن نهضت و تشکیل حکومت اسلامی و سال های دفاع مقدس و تقدیم آن همه شهید و پذیرش قطعنامه پایان جنگ، تنها به آن چه تکلیف بود عمل کرد و از این رو می فرمود: ما از آن چه کردیم، برای یک لحظه هم پشیمان نیستیم و در دمیدن روحیه شهامت و جهاد در امت و نترسیدن از شهادت هم به سیره سیدالشهداء اقتدا می کرد و آن را یادآور می شد و می فرمود: «ما که از سیدالشهدا علیه السلام بالاتر نیستیم، آن وظیفه اش را عمل کرد، کشته هم شد.»^(۱) و می فرمود: «همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه ایم، نه مأمور نتیجه»،^(۲) و این، همان درس آموخته از عاشورا بود.

تکلیف ما در این عصر، زندگی و عمل طبق خواسته امامان و جانشینان ائمه در عصر غیبت است. تنها این را از ما می پذیرند. چون اینان حجت های الهی برمایند. اگر طبق حجت عمل کردیم سرافراز و پیروزیم. در زیارت آل یاسین می گوئیم:

شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكَ وَ سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ؛^(۳)

کسی که با شما مخالفت کند بدبخت است و هر که پیرو شما باشد سعادتمند است.

ص: ۱۱۷

۱- صحیفه نور، ج ۶، ص ۳۶.

۲- کلمات قصار (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)، ص ۵۰.

۳- مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

بکوشیم که برای هر عمل خود، نزد خدا «حجت شرعی» داشته باشیم. عمل طبق فتوای مراجع تقلید، برای ما حجت است. رساله ای باشیم و تابع نظر علمای دین، تا به تکلیف عمل کرده باشیم.

ص: ۱۱۸

رزق حلال و درآمد مشروع، نعمتی الهی است و ثروت های به دست آمده از راه گناه و خلاف، حرام است و خوردن آن «حرام خواری» است و تأثیر سوء بر اخلاق و افکار خود انسان و نسل و فرزندان و خانواده او دارد و در آخرت هم مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت. به همین جهت در دعای امام زمان آمده است: «وَطَهَّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبُهَةِ؛ شکم های ما را از حرام و لقمه های شبهه ناک، پاک بدار.»

کسی که زندگی خود را از راه دزدی، قمار، کم فروشی، گران فروشی، احتکار، ربا، قاچاق، تصرف در اموال یتیمان، تعدی به حق شریک، اختلاس، رشوه و... می گذرانند، از دایره «زندگی اسلامی» بیرون است و مورد غضب پروردگار قرار می گیرد و خیری از زندگی و درآمدهای نامشروع نمی بیند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هر کس یک لقمه از حرام بخورد، تا چهل روز نماز او قبول نمی شود. (۱)

نیز فرمود:

ص: ۱۱۹

خداوند، جسد و بدنی را که از حرام تغذیه کرده باشد، بر بهشت حرام نموده است. (۱)

نیز از کلمات نورانی آن حضرت است:

مَنْ اَكْتَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ كَانَ رَادُّهُ اِلَى النَّارِ؛ (۲)

هرکس از راه غیر حلال، ثروت به دست آورد، او را به دوزخ برمی گرداند.

هم درآمد باید حلال و مشروع باشد، هم خرج کردن ها در راه خداپسند و جایز باشد، هم مدیون دیگران نباشد و حق افراد را نخورد، هم اگر به دارایی و درآمد او خمس و زکات تعلق گیرد، تکلیف الهی را عمل کند و خمس و زکات بدهد تا اعمال عبادی او دارای اشکال نشود و امام زمان را از خود ناراضی نکند. بعضی ها کسب و کار خوب و درآمد سرشاری دارند، ولی حساب سال ندارند و خمس نمی دهند. خمس دو بخش است، بخشی سهم سادات است و بخشی سهم امام علیه السلام. کسی که خمس نمی دهد، هم بدهکار سادات است و هم بدهکار امام.

در زمان غیبت صغری، گویا عده ای نسبت به پرداختن خمس و سهم امام سهل انگاری داشتند. امام زمان علیه السلام طی نامه ای به نایب خاص خود محمد بن عثمان نوشت:

...کسی حق ندارد در مال دیگری بدون اجازه تصرف کند، تا چه رسد به مال ما! هرکس چنین کند، چیزی را حلال شمرده

ص: ۱۲۰

۱- کنز العمال، حدیث ۹۲۶۱.

۲- المحاسن، ج ۲، ص ۴۴۵.

که خدا حرام کرده و هرکس چیزی از مال ما را بخورد، گویا آتش خورده و دچار دوزخ خواهد شد... (۱)

در احادیث دیگری از آن حضرت آمده که لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر کسی که یک درهم از مال ما را برای خودش حلال بداند، یا: لعنت خدا و ملائکه و مردم بر کسی که یک درهم از مال ما را به حرام بخورد.

این ها نشان می دهد که یک مسلمان مکتبی باید در زندگی خود، «انضباط اقتصادی» داشته باشد و از خط قرمز دین عبور نکند و هر مالی را از هر راهی که باشد به دست نیاورد.

امروز، جاذبه های درآمدهای نامشروع و شغل های حرام بسیار است و خیلی ها گرفتار آن شده اند و به دست آوردن روزی حلال و ثروت مشروع هم سخت است و نوعی جهاد به شمار می رود. در روایات مربوط به آخرالزمان هم آمده است که کسب مال حلال، بسیار دشوار خواهد بود. آنان که شیرینی مال دنیا فریشتان می دهد و در قید و بند حلال و حرام نیستند، برای روز قیامت چه پاسخی دارند؟ روزی که طبق روایات، در مورد اموال می پرسند و حلالش حساب دارد و حرامش عقاب «فی حلالها حساب و فی حرامها عقاب».

مسلمان منتظر، نباید زندگی و کسب و کار و درآمد خود را به ربا و رشوه، سوء استفاده از بیت المال، جعل سند و فاکتور، اختلاس، شرکت های هرمی، تصرف عدوانی در مال و ملک دیگران، تدلیس و تقلب و... بیالاید، یا از

ص: ۱۲۱

ساعت کاری کم بگذارد، یا تخلف از قراردادهای مالی داشته باشد.

خوشا به حال آنان که درآمد و کسبشان چنان است که اگر امام زمان ظهور کند، بتوانند او را به خانه و سرسفره خود دعوت کنند و از راه حلال، پذیرایی کنند.

گفتنی است که بانوان در خانواده ها، اگر اهل تجملات و تنوع طلبی باشند و به فرهنگ مصرفی روی آورند، این شیوه ناپسند در کشیده شدن مردان به درآمدهای غیرحلال و تأمین آن خواسته ها از هر راه که باشد، مؤثر است. پس زنان هم باید بر این شیوه نادرست خط بطلان بکشند، تا زندگی شان به حرام آلوده نشود.

ص: ۱۲۲

پیروزی و موفقیت اجتماعی، در وحدت و یکپارچگی است. شکست و ضعف و نابودی هم، پیامد تفرقه و جدایی و تشتت در افکار و رفتار و صفوف و نیروها و فعالیت هاست.

این نکته، آن قدر روشن است که نیاز به توضیح ندارد. در قرآن نیز دعوت به وحدت و پرهیز از تفرقه شده است. (۱)

پیامبر ما پیامبر وحدت بود، هم سخنانش دعوت به همبستگی و اتحاد بود، هم رفتارش الفت بخش و وحدت آفرین بود. می فرمود: مؤمنان همه با هم برادرند و خونشان برابر است و همه باید در برابر دشمن متحد و یکپارچه باشند (وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ) (۲) و می فرمود: «يُدَاللَّهُ عَلَى الْجَمَاعَةِ»، (۳) دست خدا همراه جماعت است.

تجربه تاریخی نشان می دهد هر جا که پای اختلاف پیش آمد، در پی آن شکست بود. پیامبر ما نیز فرمود: اختلاف نکنید، همانا کسانی که پیش از

ص: ۱۲۳

۱- آل عمران، آیه ۱۰۳ و ۱۰۵.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۰۴.

۳- نهج الفصاحه، حدیث ۳۲۱۱.

شما بودند، دچار اختلاف شدند و نابود گشتند. (۱)

با همه این توصیف ها، غصه آور این است که ائمت عظیم اسلامی در سطح جهان، امروز پراکنده اند. کشمکش های قومی و نزاع های قبیله ای و اختلافات فرقه ای، عظمت و شوکت مسلمین را زیر سؤال برده است و دشمنان هم می کوشند با ایجاد اختلاف یا دامن زدن به اختلافات، به مقاصد شوم خود برسند. در سطح داخلی هم تفرقه و چند دستگی هایی دیده می شود.

جامعه امام زمانی چگونه است؟ همه متحد و زیر یک پرچم و یک رهبری قرار دارند و تفرقه ها به وحدت منتهی می شود. در دعای افتتاح که در شب های ماه رمضان خوانده می شود، خواسته و آرزوی ما وحدت و همبستگی بر محور امام زمان است:

اللَّهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَعْنًا، وَ اشْعَبَ بِهِ صَدْعًا، وَ ارْتُق بِهِ فَتْقًا، وَ كَثُرَ بِهِ قَلْتًا وَ اعْزُرْ بِهِ ذِلْتًا...؛ (۲)

خداوندا، به برکت وجود امام زمان، پراکندگی و تشّت و از هم گسیختگی ما را به وحدت و التیام و همبستگی مبدل ساز، کمی ما را به سبب او افزون کن و خواری ما را به عزّت تبدیل کن.

وقتی امام زمان علیه السلام، عامل و محور وحدت و همبستگی است و وقتی می آید تا در جهان، «حکومت واحد» تشکیل دهد و با آمدن او دل ها به هم نزدیک

ص: ۱۲۴

۱- کنز العمال، حدیث ۸۹۴.

۲- مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

و کینه‌ها برطرف می‌شود، منتظر راستین هم باید در همین خط حرکت کند، تا «جهت مهدوی» داشته باشد.

امام امت رحمة الله و مقام معظم رهبری، به عنوان کسانی که به نیابت از امام عصر علیه السلام، رهبری امت ما را بر عهده داشته و دارند، بارها بر مسأله وحدت مسلمین و پرهیز از کارهای تفرقه‌انگیز تأکید کرده‌اند. این رهنمودها در جامعه اسلامی باید جامه عمل بپوشد و برخی کارها و مراسم که دشمنی آفرین و تحریک‌کننده برای منازعات است، باید ترک شود و سلیقه شخصی کنار نهاده شود.

وحدت و همبستگی، هم در جامعه بزرگ اسلامی در سطح جهان مطلوب است، هم میان پیروان اهل بیت و شیعیان، هم در بین مردم کشور و شهرها و خانواده‌ها و دوستان و برادران دینی.

بکشیم که با تفرقه و منازعات بیهوده و جبهه‌گیری‌های خصمانه علیه یکدیگر، دل امام زمان علیه السلام را به درد نیاوریم و آب به آسیاب دشمن نریزیم. امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه قاصعه، به طور تفصیل از عوامل عزت و ذلت اقوام گذشته و پیروزی و شکست آنان سخن می‌گوید و از جمله عوامل عزت آور و استمرار نعمت‌های الهی و رفع زیان‌های دشمنان، این‌ها را برمی‌شمارد:

مِنَ الْإِجْتِنَابِ لِلْفُرْقَةِ، وَ اللَّزُومِ لِلْأَلْفَةِ، وَ التَّحَاضُّ عَلَيْهِا وَ التَّوَاصِي بِهَا؛^(۱)

پرهیز از تفرقه، ملازم بودن با همبستگی، تشویق و توصیه یکدیگر به الفت و وحدت.

ص: ۱۲۵

این ها قواعد کلی عزت و ذلت اقوام و امت هاست. و ما چه فراوان به این عناصر عزت آفرین نیازمندیم!

ص: ۱۲۶

خداوند، آفریدگار و پروردگار ماست. اطاعت او بر ما واجب است.

وقتی خدا فرمان می دهد که از پیامبر اطاعت کنید: ((أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ))، (۱) اطاعت پیامبر هم واجب می شود و اطاعت او اطاعت خداست. (۲)

وقتی پیامبر، اطاعت از جانشین خود و امامان را واجب کند، پیروی از امامان هم واجب می شود. و چون امامان و امام زمان علیه السلام در عصر غیبت، اطاعت از علمای دین و فقهای آشنا به احکام خدا را لازم کرده اند، پس تبعیت از علما هم بر ما واجب است، چون اطاعت از امام و تبعیت از خدا و رسول به شمار می رود.

در عصر غیبت که ما دسترسی به امام معصوم نداریم، علمای دینی مرجع و مقتدای ماوند و حرفشان حرف دین است و فتوای آنان حلال و حرام و تکالیف شرعی را برای ما روشن می کند و چون به عنوان «حجت شرعی» تعیین شده اند، بر ما لازم است که در امور دینی از نظر آنان پیروی کنیم.

ص: ۱۲۷

۱- نساء، آیه ۵۹.

۲- نساء، آیه ۸۰.

امام زمان علیه السلام فرموده است:

وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُوَاهِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حَجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حَجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛^(۱)

در حوادثی که پیش می آید، به راویان حدیث ما رجوع کنید، همانا آنان حجت من بر شمايند و من حجت خدا بر آنانم.

مسلمان باید «ولایت پذیر» باشد، هم ولایت خدا را قبول کند و به فرمان های او گردن نهد، هم ولایت پیامبر و ائمه را بپذیرد و در امور دین، تابع آنان باشد، هم در عصر غیبت امام زمان علیه السلام، برای آن که بر عملکرد خویش، حجت شرعی داشته باشد، از علمای دین پیروی کند، چون آنان حجت قرار داده شده اند و اگر در این دوره، فقهی جامع الشرایط، توانست حکومت تشکیل دهد و زمام امور مسلمانان را برعهده گیرد، اطاعت از او هم لازم است، چیزی که به آن «ولایت فقیه» می گوئیم.^(۲)

یک مسلمان، باید اعتقاداتش، منطبق با رهنمودهای ائمه و علما باشد، شغلش، درآمدش، موضع گیری اجتماعی سیاسی اش، امور اقتصادی و شغلش، برنامه های فرهنگی و مناسبات اجتماعی اش همه در چهارچوب «دین» باشد و اگر غیر از این باشد، پذیرفته نیست و نمی توان او را «مسلمان مکتبی» دانست.

«تقلید» که به معنای رجوع به نظر کارشناسان امور دینی و متخصصین احکام شرعی است، واجب است. مراجع تقلید و فقهای بزرگوار، که هم

ص: ۱۲۸

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۲- در این مورد به کتاب «ولایت فقیه به زبان ساده» از نویسنده مراجعه شود.

کارشناس دین اند، هم عادل و وارسته اند، نمایندگان دین خدا به شمار می روند. کسی نمی تواند بگوید من کاری به آنان ندارم و خودم آن چه را می فهمم عمل می کنم، چنین عملی پذیرفته نیست.

یک مسلمان باید در احکام دینی تابع فقه و فقها باشد. «مسلمان رساله ای» این افتخار را دارد که تابع نظرات فقهای است که از سوی امام زمان، به عنوان مرجع دینی شیعیان قرار داده شده اند.

هم عالمان دین، طبق احادیث، مرزبانان مکتب و مدافعان شریعت و هدایتگران مردم و پاسخ دهندگان به سؤالات و نیازهای علمی و فقهی و دینی امت قرار داده شده اند و برای این کار، پاداش عظیم دارند و باید همواره در فکر پیروان اهل بیت باشند و آنان را از وسوسه های شیاطین و شبهه افکنی های مخالفان مصون سازند، (۱) هم مردم باید علما را پناهگاه فکری و دینی خویش قرار دهند و سراغشان بروند و نسبت به آن چه به عنوان وظیفه شرعی از سوی فقها بیان می شود، حالت پذیرش و «تعبد» داشته باشند و عملشان منطبق با فتوای شرعی باشد.

مخالفان ممکن است به بهانه های مختلف و با ایجاد شک و شبهه، بخواهند پای بندی متدینان به نظر علما و فتوای فقیهان را سست کنند. این یک توطئه است که از مدت ها پیش شروع شده است و اهل دین و جوانان منتظر امام زمان علیه السلام نباید فریب بخورند و دچار تردید شوند و از رساله و مراجع

ص: ۱۲۹

۱- «علماء شیعتنا مُرابطون بالثغر الذی یلی ابلیس و عفاریته...»، (بحار الأنوار، ج ۲، ص ۵).

تقلید فاصله بگیرند.

امام حسن عسکری علیه السلام در حدیث معروفی که پشتوانه جایگاه ولایی علماست، می فرماید:

فَمَا مَن كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَيَّ هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ؛^(۱)

هر کدام از فقها که خویشان دار و نگه دارنده دین خود و مخالف هوای نفس و مطیع فرمان مولای خود باشند، بر عوام واجب است که از او تقلید کنند.

در حدیثی هم از امام صادق علیه السلام که به بیان نقش اجتماعی علمای دین اشاره دارد، نظر آنان را نظر نهایی می داند و می فرماید: اگر آنان در حکمی، طبق مکتب و نظر ما رأی دادند، او را به داوری بپذیرند. اگر حکم او را نپذیرند، حکم خدا را سبک شمرده اند و ما را رد کرده اند و کسی که ما را رد کند خدا را رد کرده است.^(۲)

تبعیت از عالمان دین، گواه آن است که اگر امام زمان هم ظهور کند، از او پیروی خواهند کرد. کسی که پیش از ظهور، نسبت به عالمان دین تبعیت ندارد و ولایت فقیه را نمی پذیرد و نسبت به فتوای فقها تمکین ندارد، چه بسا در مقابل امام زمان علیه السلام هم بایستد. ولایت پذیری در عصر غیبت، نشانه ولایت پذیری در عصر حضور است.

ص: ۱۳۰

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۵؛ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۵۸.

۲- «فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدٌّ، وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ...»، (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۹).

وقتی فقها در عصر غیبت، نایب امام زمانند (نایب عام نه خاص)، ولایت پذیری ایجاب می کند که شأن و جایگاه آنان را احترام کنیم و متابعت خویش را نشان دهیم.

در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدّس، مردم ما طبق فتوای مرجعیت و ولایت، به صحنه آمدند و فداکاری کردند و شهید و مجروح دادند و سربلند بودند که به وظیفه شرعی عمل کرده اند و نزد خدا سربلندند و حجّت شرعی دارند.

این ولایت پذیری و ولایتمداری، امروز هم نماد حرکت در خط حضرت مهدی علیه السلام است.

امام امت رحمه الله فرمود:

اگر فقهای اسلام از صدر اسلام تا حالا نبودند، الان ما از اسلام هیچ نمی دانستیم. این فقها بودند که اسلام را به ما شناساندند و فقه اسلام را تدریس کردند و نوشتند و زحمت کشیدند و به ما تحویل دادند و ما باید همین جهت را حفظ کنیم. (۱)

پیروی از علما، سبب می شود زندگی ها در خط درست و شرعی باشد، درآمدها حلال گردد، به وظیفه ها عمل شود، از گناهان پرهیز شود و این همان چیزی است که امام عصر علیه السلام از ما انتظار دارد.

ص: ۱۳۱

کلمه نخست مسلمانی «لا إلهَ إلاَّ اللهُ» است، یعنی نفی معبودهای دیگر و اثبات معبود راستین، یعنی خدا.

این نفی و اثبات، سنگ زیربنای اسلام و توحید است. در آیه الکرسی هم می خوانیم:

فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ؛ (۱)

کسی که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکم و استوار، چنگ زده و تمسک کرده است.

در زندگی همه پیامبران و امامان و اولیای الهی، تولی و تبزی بوده است، یعنی با دوستان خدا دوستی کردن و با دشمنان خدا دشمنی کردن و از آنان برائت و بیزاری جستن. ما در برابر حق و باطل، عدالت و جور، مؤمنان و کافران، دوستان و دشمنان نمی توانیم برخورد یکسان داشته باشیم. باید با جناح حق و افراد خوب و با خدا و دین اولیای الهی، همبستگی و پیوند داشته باشیم و یاری و حمایت کنیم (ولایت) و از کفر و نفاق و ظلم و افراد

ص: ۱۳۲

بد و دشمنان دین، اظهار تنفر و بیزاری کنیم و موضع ما در برابر آنان روشن باشد (برائت).

تولّی، مطیع و حامی «ولّی خدا» بودن است و تبرّی، جبهه گیری در برابر باطل و ضلالت و جباران است.

امام رضا علیه السلام فرمود:

كَمَالُ الدِّينِ وَلاِئْتِنَا وَالبِرَاءَةُ مِنْ اَعْدَائِنَا؛^(۱)

کمال دین، ولایت ما و برائت و بیزاری از دشمنان ماست.

به امام صادق علیه السلام گفتند: فلانی دوستدار شماست، اما در بیزاری و برائت از دشمنان ضعیف است و ناتوان. حضرت فرمود: هیئات! دروغ می گوید کسی که مدّعی ولایت ماست، ولی از دشمنان ما «برائت» نمی جوید.^(۲)

این تولّی و تبرّی، تنها در مرحله قلبی و اظهارات زبانی نیست. موضع عملی شیعه باید جانبداری و حمایت و نصرت از امام حق و جبهه حق و مبارزه و تقابل با ستمگران و اهل باطل باشد. در حادثه عاشورا، آنان که اهل تولّی نسبت به حضرت و تبرّی از دشمنانش بودند، کناری نشستند که تنها دعا کنند، به یاری او شتافتند و در این راه، جان فدا کردند و شهید شدند. شب عاشوار، سخن یاران حضرت این بود:

نُوَالِي مَنْ وَالَاكَ وَنُعَادِي مَنْ عَادَاكَ؛^(۳)

با هر که دوستدار تو باشد دوستی می کنیم و با دشمن تو

ص: ۱۳۳

۱- بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۵۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۵۸.

۳- عنصر شجاعت، ج ۱، ص ۱۶۴.

دشمنی می کنیم.

زیارت نامه هایی که خطاب به ائمه، به ویژه امام حسین علیه السلام می خوانیم، پر از اظهاراتی است که تولی و تبری را نشان می دهد. این خط، در زیارت عاشورا واضح تر تبیین شده است. با گفتن «سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَرِّبْ لِمَنْ حَارَبَكُمْ»، این موضع را نشان می دهیم. در زیارت دیگری نسبت به امام حسین علیه السلام می خوانیم:

إِنِّي اتَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكُمْ وَ بِمَحَبَّتِكُمْ وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ؛(۱)

من با زیارت و محبت شما، به آستان خدا تقرب می جویم و در پیشگاه خدا از دشمنانتان بیزاری می جویم.

نیز خطاب به اهل بیت می گوییم:

«فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ، لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ؛(۲) با شمایم، با شمایم، نه با دشمنانتان.»

اظهار همبستگی با اولیای خدا و جدا کردن خط خود از دشمنان دین و ائمه، تجلی تولی و تبری است. مگر می شود کسی دم از خدا و دین و پیامبر و امام زمان علیه السلام بزند، ولی با دشمنان اینان، روابط حسنه و دوستی و همدلی داشته باشد؟! مگر می شود کسی منتظر امام زمان علیه السلام باشد، ولی با آنان که دشمن آن حضرت اند، دشمن نباشد؟ پس تکلیف واجب «تولی و تبری» که از فروع دین است چه می شود؟ از کجا یک شیعه واقعی و شیعه ظاهری را می توان شناخت؟

ص: ۱۳۴

۱- مفاتیح الجنان، زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه رجب.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

ولایت با امام زمان و برائت از دشمنانش در زندگی یک شیعه باید ظهور و بروز داشته باشد. وقتی خطاب به حضرت مهدی علیه السلام می‌گوییم: «أَنَا وَلِيُّ لَكَ، بَرِّئُ مِنْ عَدُوِّكَ»^(۱) من با تو ولایت و همبستگی و دوستی دارم و از دشمن تو بیزارم» باید بدانیم امروز، دشمن آن حضرت چه کسانی اند و برائت ما از آنان چگونه تحقق و نمود پیدا می‌کند؟ آنکه با دشمنان دین و اهل بیت دوستی کند، قطعاً از ولایت خاندان پیامبر و ولایت خدا دور می‌شود.

ولایت و دوستی با اهل حق و اهل دین، راه رسیدن به دوستی خدا و رضای پروردگار است. کسی که از مدار تولی این خاندان خارج شود، از ولایت خدا هم بیرون رفته است.

امام زمان علیه السلام در یکی از نامه‌ها و توقیعاتش نوشته است:

أُشْهِدُكُمْ أَنَّ كُلَّ مَنْ نَبَرَأُ مِنْهُ فَإِنَّ اللَّهَ يَبْرَأُ مِنْهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ وَأَوْلِيَائِهِ»^(۲)

شما را گواه می‌گیرم که هر کس ما از او برائت و بیزارى بجوییم، خدا و فرشتگانش و پیامبران و اولیا ئش از او بیزارى می‌جویند.

ولایت ائمه، معیار است. پس با این خاندان تولی داشته باشیم.

ص: ۱۳۵

۱- زیارت آل یاسین.

۲- معادن الحکمه، ج ۲، ص ۲۸۳.

همه در پی این هستیم که بدانیم چه باید بکنیم؟ چگونه باید باشیم؟ زندگی‌ها و روابط ما چگونه باید باشد؟ وضع فرهنگی و دینی و اقتصادی ما چگونه باید باشد؟ مدل خوب و الگوی مناسب برای یک زندگی ایده آل چیست؟

نویدهایی که برای عصر ظهور داده‌اند و ویژگی‌هایی که در زمان حضور و حاکمیت امام عصر علیه السلام و یاران او و اوضاع جامعه از آن برخوردار خواهند بود، می‌تواند «نقشه راه» به حساب آید و برای ما هم سرمشق باشد، چه در زندگی فردی، چه در حمایت اجتماعی. به برخی از آن ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

مهدی علیه السلام از اصحاب خویش پیمان و بیعت می‌گیرد که سرقت و فساد نکنند، مُحرمی را نکشند، حریمی را هتک نکنند، از آلودگی‌ها پرهیزند، امر به معروف و نهی از منکر کنند و... (۱)

وقتی یاران او مأمور به چنین رفتاری‌اند، پس جامعه باید از امتیّت، عدالت، سعادت و رفاه و معنویّت برخوردار باشد تا شبیه یاران او گردد.

ص: ۱۳۶

در آن روزگار، رفاه مادی و عدالت اقتصادی و اجتماعی و وفور نعمت های الهی همه جا را خواهد گرفت. فقیر و نیازمندی یافت نخواهد شد. سطح زندگی ها چنان بالا خواهد رفت که در داد و ستدها، مسلمان از غیر مسلمان سود نخواهد گرفت.

سنت محمدی احیا خواهد گشت. تحریف ها از چهره حقایق دینی زدوده خواهد شد. معارف اسلام و احکام از یاد رفته شرع و حقایق پنهان دین، آن چنان روشن خواهد شد که بعضی می پندارند امام زمان علیه السلام دین تازه ای آورده است. همه داوری ها به عدالت خواهد بود. رشد علمی و صنعتی از ویژگی های دیگر آن دوران است. هم عقل ها در سایه عنایت حضرت مهدی علیه السلام به کمال می رسد، هم سطح دانش ها بالا- می رود. معارف اهل بیت، گسترش فوق العاده ای خواهد یافت. مساجد بزرگی ساخته خواهد شد که همه پایگاه نشر دانش خواهد بود. مردم به عبادت و دین روی می آورند، نمازها به جماعت برگزار می شود، کینه ها برطرف می شود و صلح و دوستی در دل ها جای می گیرد. دل های مردم در صلابت و استواری چون کوه می شود.

عاطفه ها نسبت به هم زیاد می شود. راه ها امن می گردد و مردم در امنیت قضایی به سر می برند. خون ها به ناحق ریخته نمی شود. امنیت جهانی حتی دنیای حیوانات را هم فرا می گیرد و به اصطلاح، گرگ و میش کنار هم و مصون از حمله می مانند. زمین از چنان امنیتی برخوردار می شود که زنی تنها از این سوی دنیا به آن سو و از حیره به مکه می رود و از کسی جز خدا نمی ترسد. بیت المال، یکسان و عادلانه میان مردم تقسیم می شود.

ثروت های زمین نزد امام گرد می آید. اسلام شکوه گذشته خود را باز می یابد. دارندگان زکات، در پی کسی می گردند که به عنوان فقیر و نیازمند به او زکات بدهند و پیدا نمی کنند. شهرها با عدل و احسان آباد می شود. رونق کشاورزی و سرسبزی زمین و فراوانی باران و سرشاری رودها و چاه ها از آب و پرباری درخت ها و افزایش دام ها از ویژگی های دیگر آن دوران است. بیماری از مردم دور می شود. هراس از دل شیعیان برداشته می شود و در دل دشمنان جا می گیرد....

چه چشم انداز زیبایی و چه جامعه آرمانی و مطلوبی! همه این ها در روایات مربوط به عصر ظهور امام زمان علیه السلام آمده است. (۱)

اگر بخواهیم سمت گیری زندگی فردی و اجتماعی ما به سوی آن «جامعه آرمانی» باشد، باید بکوشیم در حدّ توان و ظرفیت و فراهم بودن شرایط، همین ویژگی ها را فراهم سازیم.

الگوی ما در عصر غیبت، باید چشم انداز عصر حضور باشد.

انسان ها از نظر فکر و اخلاق در سطح بالا، معیشت مردم فراهم و رو به راه، قسط و عدل و تأمین کرامت انسان ها در دستور کار، رونق اقتصادی و رشد فرهنگی و صلح و امنیت برقرار باشد.

جامعه ما اگر چنین تلاشی را داشته باشد، رو به سوی «جامعه مهدوی» است.

ص: ۱۳۸

۱- در این زمینه ر.ک: «چشم اندازی به حکومت مهدی»، نجم الدین طوسی و «عصر زندگی»، محمد حکیمی .

بخش سوم: اوصاف منتظران

اشاره

ص: ۱۳۹

در سخنان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمده است:

«أفضلُ العبادَةِ انتظارُ الفَرَجِ؛^(۱) انتظار فرج، برترین عبادت است.»

قرن هاست که جبهه حق و پیروان عدالت، در اقلیت و محرومیت و مظلومیت اند. ولی این وضع، همیشگی نیست و روز گشایش و فرج برای اهل ایمان خواهد رسید. روزی که با ظهور امام زمان علیه السلام، حق غلبه و پیروزی می یابد و این تنگناها و مظلومیت ها برطرف می شود و مؤمنان، عزت و اقتدار می یابند و ستمگران و مفسدان و جهانخواران، ذلیل و نابود می شوند. این احساس، احساسی مثبت و سازنده است.

مسلمان واقعی باید چشم به راه چنین دورانی باشد و خود را برای آن آماده کند. این انتظار، در همه ادیان و اقوام وجود داشته و دارد و قرن هاست که میلیون ها دل بی قرار و عاشق، چشم به راه آمدن انسانی بزرگ و الهی از خاندان پیامبرند، تا با آمدنش جهان به سامان برسد و عدالت جهانی حاکم شود.

ص: ۱۴۱

طلوع می کند آن آفتاب پنهانی

ز سمت مشرق جغرافیای انسانی

تویی بهانه آن ابرها که می گیرند

بیا که صاف شود این هوای بارانی

در روایات بسیاری، علاوه بر اصل انتظار فرج و فضیلت و ثواب آن، توصیه شده که برای فرج آن مولای غایب از نظر دعا کنید. از جمله در حدیثی از حضرت مهدی علیه السلام چنین نقل شده است:

أَكثِرُوا الدَّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ فَرَجَكُمْ؛^(۱)

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، زیرا همین، موجب فرج و گشایش شماست.

انتظار فرج، نشانه کمال جویی ماست و دعا برای فرج، گواه عشق ما به عدالت و ایمان و حق است.

از زمان امامان معصوم، فرهنگ انتظار در میان شیعه رواج داشته و امید داشتند که آن «مهدی موعود» را، شاهد باشند و یاری کنند. انتظار، ما را از یأس می رهااند و به تلاش و زمینه سازی وا می دارد.

امام علی علیه السلام فرمود:

الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛^(۲)

کسی که منتظر امر ما (دولت و حاکمیت) باشد، همچون کسی است که در راه خدا به خودش غلتیده باشد.

ص: ۱۴۲

۱- منتخب الأثر، ص ۲۶۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

آن چه به انسان، انگیزه حیات و تلاش و خدمت می دهد، «امید» است. آنان که به آینده بشریت و جهان امیدوارند، روحیه بهتری دارند و سختی ها را به امید رسیدن به نجات و رهایی تحمل می کنند و صبور و مقاوم اند.

باغبانا سردی دی ماه، سی روز است آخر

نوبهار و نغمه مرغ خوش الحان خواهد آمد

خداوند، وعده داده است که مستضعفان صالح، وارث زمین خواهند شد. (۱) این آیه، به دوران ظهور امام زمان و حکومت قسط و عدل او تفسیر شده است. پس نباید دچار یأس و افسردگی شد و دست روی دست گذاشت و تماشاگر سلطه ظالمان و مظلومیت و محرومیت مؤمنان و مستضعفان بود.

وعده خدا برای آینده روشن انسان ها قطعی و تخلف ناپذیر است. عقیده به صدق وعده الهی، روح امید را در مؤمنان زنده نگه می دارد. حدیث های متعدّد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نوید دهنده امامت منجی انسانها است، از جمله این حدیث که فرمود:

لَوْ لَمْ يَنْبَقِ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي

ص: ۱۴۳

۱- ((أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ))، (انبیاء، آیه ۱۰۵).

حتی اگر جز یک روز، از روزگار باقی نمانده باشد، خداوند متعال مردی از خاندان من برخواهد انگيخت، تا زمین را پر از عدل و داد کند.

شیعه منتظر، هرگز نومید نمی شود و زندگی سرشار از امید به بهروزی نهایی انسان ها و حاکمیت قسط و عدل است و این امیدواری، او را مصمم بر تلاش و با انگیزه برای حیات و زمینه سازی برای آن دوران می سازد. از خواسته های ما در شب های ماه مبارک رمضان، آن است که توفیق خدمتگزاری در دولت کریمه امام زمان را داشته باشیم و چنین می گوئیم:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ تُعْزِبُهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُدَلِّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ...؛(۲)

خداوندا ما به درگاه تو خواسته و رغبتمان دولت کریمه ای است که به سبب آن اسلام و مسلمانان را عزت بخشی و نفاق و منافقین را خوارسازی و ما را در آن دولت، از دعوتگران به طاعتت و از رهبران به راهت قرار دهی.

وقتی این آرمان را برای عصر ظهور در دل و در سر می پرورانیم، پیش از آمدن آن حضرت هم باید در همین راه بکوشیم و دعوتمان به راه خدا و دین خدا و اطاعت خدا باشد.

ص: ۱۴۴

۱- غیبت طوسی، ص ۴۶.

۲- مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

اما این که این آرزو کی تحقق می یابد، نمی دانیم ولی امیدواریم.

در دعای عهد، پس از آن که از خدا می خواهیم که ظهور و حضورش و تعجیل در فرجش، گشایشی برای امت باشد و غم ها و خوف ها به شادی و ایمنی مبدل شود، می گوییم:

«أَنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً» (۱) آنان، آن را دور می بینند، ولی ما آن را نزدیک می بینیم.

میان موج حوادث، به کام ورطه غم

از آن خوشیم که این بحر را کناری هست

چو روز و شب سر راه تو لاله می کاریم

به این که زود بیایی، امیدواری هست (۲)

ص: ۱۴۵

۱- مفاتیح الجنان، دعای عهد (برگرفته از قرآن، معارج، آیه ۶).

۲- عباسعلی اسفیریزی .

در روایات بیشماری سخن از «شناخت حجت خدا» به میان آمده است و این که زمین از حجت خالی نمی ماند و هر کس بمیرد و امام زمان و حجت دوران خودش را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است. (۱)

هر انسان مکتبی باید حجت های خدا را بشناسد، یعنی آن چه را که خداوند به عنوان الگو، هادی، حجت و دلیل قرار داده و تبعیت از آن ها را لازم ساخته و به وسیله آن ها در قیامت با انسان احتجاج می کند. قرآن، وحی، عقل، پیامبران و اوصیا، شهدا، انسان های پاک و... همه حجت الهی اند. هریک از امامان معصوم، حجت الهی اند و امام عصر نیز «حجت الهی» است. او را باید شناخت، به او ایمان داشت، مطیع فرمانش بود و سخن و عمل او را برای خود حجت شرعی و سند الهی قرار داد.

در دعای عصر غیبت، پس از درخواست شناخت خدا و شناخت پیامبر، توفیق شناخت حجت خدا را می طلبیم.

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ

ص: ۱۴۶

خدایا! حجت خود را به من بشناسان، چرا که اگر حجت را به من نشناسانی، از دینم گمراه می شوم.

شیعه منتظر، باید «امام شناسی» و «حجت شناسی» را در برنامه های فرهنگی مداوم خویش قرار دهد و نسبت به مقام و جایگاه امامان، به خصوص حضرت مهدی علیه السلام و فضایل و مناقبشان و تاریخ زندگی و سیره عملی شان، سخنان و رهنمودهایشان مطالعه و تأمل و اطلاع کافی داشته باشد و این معارف را به فرزندان و خانواده خود هم بیاموزد و چنان نشود که نسل امروز، از دانشمندان و هنرپیشگان و ورزشکاران و... شناخت دقیق و ریز داشته باشند، اما نسبت به حجت الهی و امام عصر، شناختی نداشته باشند، یا معرفتشان بسیار اندک و ناقص باشد.

شناخت حجت خدا مخصوص عصر ائمه نیست. امروز هم «حجت شناسی» یک وظیفه است. امام زمان علیه السلام، خودش حجت است و در عصر غیبت، فقهای دین شناس را حجت خود بر مردم قرار داده است.

شناخت حجت در عمل هم باید تأثیر بگذارد و اندیشه انسان و عمل و مواضعش با الهام از حجت های الهی باشد.

حجت شناسی تنها به شناخت نیست، بلکه ایمان و اعتقاد به امامت ائمه و پیروی از آنان هم جزء آن است.

ص: ۱۴۷

امام باقر علیه السلام فرمود:

هر کس بدون امام بمیرد، مرگش مرگ جاهلی است. و هر کس بمیرد در حالی که امامش را می شناسد، برای او ضرری ندارد که این امر (حاکمیت و ولایت امام) جلو بیفتد یا به تأخیر افتد. و هر کس بمیرد در حالی که امام خود را می شناسد، همچون کسی است که همراه «قائم» در خیمه اوست. [\(۱\)](#)

ص: ۱۴۸

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، حدیث ۵.

رابطه ما با پیشوایان الهی، بر اساس عهد و پیمان است. وقتی امامت آنان را پذیرفته ایم، برای اطاعت و فرمانبرداری و تسلیم بودن در برابر اوامرو اجرای دستورهای آنان و فدا کردن مال و جان در این راه، عهد بسته ایم.

امروز این عهد و پیمان، با حضرت مهدی علیه السلام است. یکی از دعا‌های مورد سفارش، «دعای عهد» است که از امام صادق علیه السلام نقل شده و حاوی بسیاری از معارف والای دینی و پیوند با امام و تعهد در برابر ولایت و تجدید پیمان با اوست و توصیه شده که هر روز صبح، با خواندن این دعا، عهد خویش با مولایمان را تجدید کنیم. (۱) امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس این عهدنامه را چهل صبح بخواند، از یاران حضرت قائم علیه السلام خواهد بود.

در این دعا، به امام عصر علیه السلام سلام و درود می فرستیم و با او عهد و پیمان می بندیم که از یاوران و مدافعان او و پیشتازان در اجرای فرمانش و از شهادت طلبان در رکابش باشیم و درخواست می کنیم که اگر پیش از ظهور آن حضرت، مرگ ما فرا رسد، خداوند بر ما منت نهد و در عصر ظهور، ما را دوباره زنده کند، تا با شمشیری آخته از نیام، کفن پوش و آماده و لیک گوی، در راه او در

ص: ۱۴۹

رکابش جهاد کنیم و از توفیق دیدار چهره نورانی اش بهره مند باشیم و او را در گسترش عدالت جهانی و احیای سنت های فراموش شده دین و از بین بردن باطل و برقرار ساختن حق و یاری رسانی به مظلومان و بی پناهان یاری برسانیم.

شیعه منتظر می گوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهٗ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً فِي رَقَبَتِي؛ (۱)

خداوندا، من امروز و هر روز، این عهد و پیمان و بیعت را که بر گردن من است، با او تجدید می کنم.

یا همین مضمون را با تعبیر دیگری در دعای عهد می خوانیم که: خداوندا! من سحرگاه امروز و تا وقتی که زنده ام، همه روزه عهد و پیمان و بیعت با مولایم را تجدید می کنم و عهد می بندم که از آن روی گردان نشوم، پس مرا از جمله یاوران و مدافعان و مجریان او امرش قرار بده... (۲).

این عهد و پیمان، تکالیفی سنگین بر دوش ما می گذارد.

عهد بستن و پیمان شکستن، دور از جوانمردی و ایمان است. پس باید همواره در یاد و خاطرمان باشد که چنین پیمانی با مولای خویش بسته ایم. خود امام زمان، در دعاها میثاق الهی با مردم به شمار آمده است: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الْعَدِيِّ أَخْذُهُ وَ وَكْدَهُ» (۳)

ص: ۱۵۰

۱- مفاتیح الجنان، زیارت امام عصر پس از دعای ندبه.

۲- دعای عهد: (اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهٗ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَ عَقْدًا...).

۳- مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

کسی که آرزو دارد در زمره یاران آن حضرت باشد، باید صلاحیت های «انصار قائم» را در خود پدید آورد.

طبق روایات متعدّد، وقتی امام عصر ظهور کند، یاران ۳۱۳ گانه اش از اطراف جهان به او می پیوندند و با او عهد و پیمان می بندند. در یکی از این عهدنامه ها که سید بن طاووس نقل کرده است، این مضامین آمده که آنان با امام خویش بیعت می کنند که:

دزدی و زنا نکنند، آدم نکشند، حریم اشخاص محترم را نشکنند، به مسلمانی فحش ندهند، به خانه ای هجوم نبرند، کسی را جز به حق، نزنند، خود را با طلا- و لباس ابریشم نیارایند، مسجدی را خراب نکنند، راه زنی و حرام خواری و ظلم به یتیم و ایجاد ناامنی نکنند، شراب نخورند، خیانت نکنند، پیمان نشکنند، احتکار نکنند، خونی را به ناحق نریزند، لباس های زبر و خشن بپوشند، غذای ساده بخورند، به اندک قناعت کنند، در راه خدا جهادی شایسته کنند، خوشبو باشند و از پلیدی پرهیز کنند....(۱)

این بیعت نامه و منشور میثاق که میان یاران آن حضرت و او بسته می شود، برای همه منتظران در عصر غیبت هم یک سند و منشور علمی است و بند بند این عهدنامه و امثال آن باید در زندگی فردی و اجتماعی آنان تحقق و تجلی داشته باشد تا لیاقت «سربازی امام زمان» را داشته باشند و در زمره منتظران راستین او به شمار آیند.

ص: ۱۵۱

عصر غیبت، عصر بلا تکلیفی و بی مسئولیتی نیست.

اگر حضرت مهدی علیه السلام برای اصلاح جهان و مبارزه با فساد و ظلم در سطح گیتی قیام خواهد کرد، منتظران دولت مهدوی باید در حدّ توان و امکانات و فراهم بودن شرایط، در اصلاح جامعه و مبارزه با مفسد بکوشند و همان هدف متعالی مهدوی را در مقیاس کوچک تری محقق سازند، هر قدر که می توانند.

از بررسی روایات بر می آید که شیعه منتظر، در عصر حاکمیت ستمگران نباید تسلیم زور شود و در شرایط فراگیر شدن فساد، نباید به گناهان و مفسد آلوده گردد و با گسترش گناهان و تباهی ها، نباید از اصلاح مأیوس شود و زمینه را برای دینداری متدینان و عمل به وظایف دینی را برای مؤمنان فراهم سازد. تمهید و حرکت زمینه ساز برای ظهور، جز با اصلاح خویش و جامعه در حدّ توان، قابل تصوّر نیست. (۱)

اگر سیلی جاری شود، یا در اثر بارش برف سنگین، راهی بسته شود یا در اثر آتش سوزی، خانه ای در کام شعله ها برود، هر چند در انتظار نیروهای

ص: ۱۵۲

امدادگر و آتش نشان باشیم، ولی تا آمدن آنان باید از همه ظرفیت و توانایی خویش برای جلوگیری از ویرانی های سیل یا باز کردن راه یا خاموش کردن آتش، استفاده کنیم. این، هم تکلیف شرعی است، هم حکم عقلی.

پس بی تفاوتی نسبت به فساد جامعه و گسترش گناه و ستم، از اخلاق منتظران نیست.

اگر دعا کنیم که از یاران و انصار حضرت مهدی علیه السلام باشیم، پیش از ظهور هم باید او را در راه هدف مقدس و جهانی که دارد، نصرت و یاری کنیم و کار را برای حضرتش آسان تر سازیم، نه این که با دامن زدن به مفاسد، کار را دشوارتر کنیم. کسانی که معتقدند باید بر دامنه گناهان افزود تا حضرت زودتر بیاید، اشتباه می کنند و دچار «اعوجاج فکری» اند. این تفکر، همه مبارزات تاریخی مصلحان را برای احیای عدالت و از بین بردن ستم و انحرافات، زیر سؤال می برد و در عصر غیبت، تکلیف امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از احکام اسلام، بر زمین می ماند، در حالی که امام عصر علیه السلام به این راضی نیست.

امام خمینی رحمه الله فرمود:

ما منتظران مقدم مبارکش، مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولی عصر علیه السلام حاکم کنیم. (۱)

ص: ۱۵۳

یکی از وظایف شیعه در دوران غیبت امام زمان علیه السلام، «دعا برای ظهور» است. این کار، علاوه بر این که پیوند منتظران را با پیشوای موعود تقویت می کند، از آن جا که خداوند وعده داده که دعاهای نیایشگران را اجابت کند، بی شک این دعاها در فراهم شدن زمینه ظهور مؤثر است.

وقتی امتی به درگاه خدا دعا می کنند تا فرج را نزدیک کند و آن منجی را برساند، این خواسته در دعاهای فردی و جمعی مطرح می شود و شوق دیدار را می افزاید و منتظر را هم آماده و شایسته آن دوران می سازد. امام زمان در نامه ای که به نایب خاص خود محمد بن عثمان نوشت، فرمود که برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، چرا که این برای خود شما هم فرج و گشایش است. [\(۱\)](#)

دعاهای متعددی برای ارتباط معنوی با آن حضرت نقل شده است. دعا برای سلامتی و حفاظت و پشتیبانی الهی از آن حضرت، یکی از دعاهای معروف و رایج است (اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن...) که در ضمن آن دعا برای ظهور و برپایی حکومت عدل هم آمده است. دعای فرج (الهی

ص: ۱۵۴

عَظْمُ الْبَلَاءِ وَ بَرَحُ الْخَفَاءِ...) نیز که خواندن آن ثواب دارد، باز هم توسُّل به آن حضرت و درخواست گشایش است. دعای مَفْصِیْلَی که خاصّ دوران غیبت است و با این تعبیر آغاز می شود: «اللّٰهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسِکَ...»^(۱)، خواسته های گوناگون و فراوانی در مورد امام زمان علیه السلام و ثبات قدم در راه این عقیده و توفیق دیدار و تشرّف و دعا برای سلامتی آن وجود عزیز، همچنین درخواست تعجیل در فرج او و فرا رسیدن عصر ظهور آن پیشوای غایب است.

مجموعه این متون دعایی و احادیث توصیه کننده به دعا برای فرج و ظهور، می رساند که یک منتظر، باید یکی از خواسته های قلبی اش ظهور آن حضرت و فرج مولا- و پایان یافتن عصر غیبت و برپایی حکومت الهی و قسط و عدل باشد. چنین خواسته ای طبعاً منتظر را هم در همین خط و مسیر قرار می دهد، چون که دعا، باید نشان دهنده خواسته قلبی و درونی دعا کننده باشد. کسی هم که برای ظهور حضرت دعا می کند، باید خود را برای زیستن و تلاش و جهاد در آن عصر، آماده کند و این آمادگی همراه با اصلاح نفس و اصلاح وضع زندگی و هماهنگی با خواسته های امام معصوم است. پس دعا برای ظهور، برای دعاکنندگان هم سازنده و تربیت کننده است.

ص: ۱۵۵

ای قبله قسط و کعبه عدل

ای محور دین و روح قرآن

توراز فراتر از بیانی

ای وعده سر به مهر یزدان

بازآ، که جهان پر ز آشوب

گیرد ز حکومت توسامان

تا ریشه فتنه ها بخشکد

تا عمر ستم رسد به پایان(۱)

ص: ۱۵۶

۱- برگ و بار، ص ۱۲۰.

در فرهنگ شیعی، «انتظار» همراه با «شهادت طلبی» در نیایش‌ها و آرزوها و خواسته‌ها به چشم می‌خورد.

سرشت شیعه را با «خون» و «حماسه» و «شهادت» رقم زده‌اند. محبت و عشق، به جانبازی و فداکاری می‌کشاند و دل‌باخته عاشق، فدا کردن جان را وسیله تقرب به محبوب می‌داند و این آموزه‌ای است که در متن دین و تعالیم قرآنی نهفته است.

قرآن کریم، در وصف مؤمنان راستین می‌فرماید:

آنان در جبهه‌های نبرد با کفار شرکت می‌کنند و چشم‌امیدشان یا به پیروزی است، یا به شهادت، یعنی چشم‌انتظار یکی از این دو خوبی‌اند: «أَحَدِي الْحُسَيْنَيْنِ» (۱).

این دیدگاه، در اصحاب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود، در شیعیان پاک‌باخته رکاب‌امیرمؤمنان علیه‌السلام وجود داشت، در یاران فداکار سیدالشهداء علیه‌السلام بود و در اصحاب حضرت مهدی علیه‌السلام نیز وجود دارد. مؤمن، طبق آیه قرآن، با خدا معامله می‌کند

ص: ۱۵۷

و در برابر بهشت جاودان، از مال و جان خویش داوطلبانه و عاشقانه می گذرد و اگر به شهادت برسد، خوشحال است. (۱)

انتخاب آگاهانه مرگ در راه خدا و هدف الهی و استقبال از شهادت در راه سعادت، همان «شهادت طلبی» است که به عنوان یک فرهنگ متعالی در زندگی منتظران باید وجود داشته باشد.

مرگ اگر مرد است، گو نزد من آی

تا در آغوشش فشارم تنگ، تنگ

من از او عمری ستانم جاودان

او زمن دلقی ستاند رنگ رنگ (۲)

وقتی حضرت علی اکبر علیه السلام در مسیر کربلا، از زبان پدر شنید که فرمود: «انا لله و انا اليه راجعون» و سبب آن را پرسید، حضرت فرمود: هاتفی را شنیدم که می گفت: این کاروان می رود و مرگ هم در پی آن است. پرسید: پدر جان! مگر ما بر حق نیستیم؟ فرمود: چرا. گفت: پس ما را باکی از مردن نیست (لَا نُبَالِي بِالْمَوْتِ). (۳) حضرت قاسم نیز شب عاشورا نسبت به کشته شدن و شهادت، فرمود: أَحَلِي مِنَ الْعَسَلِ، مرگ در نظرم شیرین تر از عسل است، این فرهنگ، به منتظران راستین هم می رسد و از شهادت در راه خدا استقبال و آن را آرزو می کنند. در یکی از زیارت های حضرت مهدی علیه السلام چنین آمده است:

وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعًا غَيْرَ

ص: ۱۵۸

۱- ((إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ))، (توبه، آیه ۱۱۱).

۲- اقبال لاهوری.

۳- لهوف، ص ۲۶.

خدایا مرا از آنان قرار بده که در رکاب حضرت مهدی، از روی اطاعت و علاقه، نه اکراه و ناخوشایندی به شهادت می رسند. خط جهاد و شهادت در رکاب ولیّ خدا و به امر حجّات الهی، از الفبای اولیه انتظار مثبت و سازنده است و در تفکرو باور شیعی، انتظار آمدن امام زمان علیه السلام با آرزوی پیکار در خدمتش و شهادت در راه اطاعت فرمانش همبستگی دارد. زندگی منتظران، باید تمرینی باشد برای کسب آمادگی برای این جهاد مقدّس در راه خدا و دین.

در دعای عهد هم یکی از خواسته ها همین آرزوی شهادت در پیش روی آن حضرت است: «والمُستشهدین بین یدیه».

این خواسته و آرزو و دعا، وقتی ارزش دارد که از عمق جان برآید و از ایمان راسخ سرچشمه بگیرد، نه آنکه لقلقه زبان باشد!

ص: ۱۵۹

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

قائم پس از من، فرزند من است. اوست که در سیره و روش پیامبران خروج می کند و غیبتی دارد که به سبب طول مدّت، دل ها را قساوت می گیرد. تنها کسانی در راه ایمان به او پا برجا می مانند که خداوند، ایمان را در دل هایشان ثبت کرده و با روحی از جانب خویش، تأییدشان کرده است. (۱)

منتظران، زنده به عشق اند و شاداب به امید و ثابت قدم به ایمان.

اگر این عشق و امید و ایمان را از دست بدهند، گرفتار پوچی و بی هدفی می شوند.

دوران جدایی از حجت معصوم الهی، یک «آزمایش الهی» است. تحمل رنج هجران و غم دوری، هرچند برای شیعیان هوادار و عاشقان چشم انتظار، دشوار است، امّا جمعی هم در همین آتش فراق، سوخته و پخته و کامل می شوند. ایمان و اعتقاد بعضی هم در همین دوران به محک زده می شود و افراد تصفیه می شوند.

ص: ۱۶۰

در روایات بسیار، یاد از «غیبت طولانی» آن حضرت شده است که جز مؤمنان خالص و صاحبان عقیده های استوار، بر آن ایمان و باور استوار نمی مانند. بعضی هم باور خود را از دست می دهند و دچار شک می شوند.

اینک ما در عصر این آزمایشیم. امام کاظم علیه السلام، دوران غیبت را عصر آزمون نامید: «إِنَّمَا هِيَ مِخْنَةٌ مِنَ اللَّهِ امْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ» (۱).

پیروان حضرت موسی علیه السلام دوری از موسای کلیم را در مدّت سی روز که میعاد او برای مناجات با خدا در کوه طور بود تحمّل کردند. اما همین که به امر خدا ده روز بیشتر طول کشید، عده ای به تردید افتادند و کافر گشتند و گوساله پرست شدند. اما شیعیان و پیروان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بیش از هزار سال است که به امید تحقّق این وعده الهی، دوران غیبت را صبورانه تحمّل می کنند. کسی که دچار تردید شود، باخته است. پس باید این عقیده را همچون گوهری گرانبها، از دستبرد شکاکان و تردیدافکنان و غارتگران عقاید حفظ کرد، تا شب هجران به صبح وصال پیوند بخورد.

در این میان، گاهی هم شماتت و بدگویی دشمنان آزاردهنده است و مخالفان می گویند: شما بی جهت انتظار می کشید. اگر کسی به عنوان ذخیره الهی در پشت پرده غیبت بود، با افزایش این همه ظلم و فساد و گناه، برای اصلاح جهان می آمد. بر این شماتت هم باید صبر کرد. زخم زبان مخالفان به پیروان حق در طول تاریخ بوده است. در دوره پیامبران هم مؤمنان از زبان کافران همین حرف ها را می شنیدند، ولی در ایمانشان به خدا و پیروزی

ص: ۱۶۱

حق و نابودی کافران تزلزلی پیش نمی آمد.

در یکی از دعاها می گوئیم:

اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ وَ شَمِتَ بِنَا الْفُجَّارُ وَ صَعِبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِصَارُ...؛(۱)

خدایا! انتظار طول کشیده و فاجران به ما زخم زبان می زنند و پیروزی برایمان دشوار شده است، پس آن چهره خجسته ولی خوت را به ما بنمایان....

در دعای دیگری که مخصوص عصر غیبت است و با «اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسِكَ...» آغاز می شود، از خداوند اینگونه درخواست می کنیم:

...اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطَوْلِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَ انْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا وَ لَا تُنَسِّئْنَا ذِكْرَهُ وَ إِنْتِظَارَهُ وَ الْإِيمَانَ بِهِ وَ قُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَ الدَّعَاءَ لَهُ وَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ، حَتَّى لَا يُقَيِّظَنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ ظُهُورِهِ وَ قِيَامِهِ...؛(۲)

خدایا یقین را از ما مگیر به خاطر طول کشیدن غیبتش و بی خبر ماندن ما از او. یاد او و انتظارش و ایمان به او و یقین به ظهورش و دعا برای حضرت را از یاد ما مبر، تا آن که طول کشیدن غیبت آن حضرت، ما را از ظهور و قیامش ناامید نکند و یقین ما در این مورد، همچون یقین ما به قیام پیامبر و وحی و قرآن او باشد. دل های ما را بر ایمان به او استوار و نیرومند گردان، تا ما را به دست او به راه هدایت و صحیح،

ص: ۱۶۲

۱- مفاتیح الجنان، دعای سرداب مطهر.

۲- مفاتیح الجنان، دعای عصر غیبت امام زمان (دعای هفتم).

راهنمایی کنی.

هم نهان و هم پیدا، در مثل چو خورشیدی

گـرچـه از نظر چـنـدی است، زیـر ابـر پنهانی

در یکی از دعاهای زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام چنین می گوئیم:

خدایا مرا بر امر غیبت آن حضرت صبور گردان، تا آن چه را به تأخیر انداخته ای خواهان تعجیل نباشم و آن چه را زود قرار دادی خواستار تأخیرش نباشم و آن چه را پوشیده داشته ای فاش نسازم و آن چه را مکتوم نموده ای کاوش نکنم و در تدبیرت با تو منازعه و کشمکش نکنم و چون و چرا نکنم و نگویم که دنیا پر از ظلم و جور شده، چرا امام زمان ظهور نمی کند؟ همه کارها را به خودت واگذارم. (۱)

البته این به معنای دعا نکردن برای تعجیل در ظهور نیست، بلکه حالت اعتراض و چون و چرا نباید داشت و صبر و طاقت را از دست نباید داد.

در ادامه همین دعا آمده است:

و لا تَسْلُبْنَا ذلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا حَتَّى تَتَوَفَّانَا، وَ نَحْنُ عَلَيَّ ذلِكَ غَيْرُ شَاكِيْنَ وَلَا نَاكثِيْنَ وَلَا مُرْتَابِيْنَ وَلَا مُكْذِبِيْنَ؛ (۲)

این راه و مرام را (باور به آن حضرت و ثبات عقیده) تا وقتی

ص: ۱۶۳

۱- «وَصَبْرُنِي عَلَي ذلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعَجِيلَ مَا آخَرْتِ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتِ...» (بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۸۷).

۲- بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۸۸.

زنده ایم و تا آخرین لحظه حیاتمان از ما مگیر، چنان باشیم که از دنیا برویم، بی آن که در این مسأله شک و تردید پیدا کنیم، یا پیمان بشکنیم، یا دروغ پنداریم.

امام کاظم علیه السلام نیز توصیه فرمود که وقتی پنجمین فرزند از هفتمین امام غایب شد، مواظب دین خود باشید و کسی شما را از این عقیده منحرف نکند:

«إِذَا فُقِدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ فَاللَّهُ اللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ، لَا يُزِيلُكُمْ عَنْهَا أَحَدٌ.»^(۱)

در یکی از دعاهاى امام زمان علیه السلام هم مى خوانیم: خدا ما و شما را از فتنه ها نگه دارد و به ما و شما روح یقین عطا کند و از فرجام بد و عاقبت سوء حفظ کند.^(۲)

پرده نشین حریم لم یزلی اوست

شاهد غیبی و دلبر ازلی اوست

مرشد و مولا و پیشوا و ولی اوست

باری، سرّ خفّی و نور جلی اوست

خواهش، پیدا شمار و خواهش پنهان^(۳)

ص: ۱۶۴

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۶.

۲- «عافانا الله و اربابنا من سوء المنقلب»، (معادن الحکمه، ج ۲، ص ۲۷۹).

۳- ملک الشعراى بهار.

تحقق هر هدفی، نیاز به زمینه سازی دارد.

برای ظهور امام عصر علیه السلام هم شرایط و زمینه هایی لازم است که بخشی از آن ها به مردم مربوط می شود. منتظران ظهور و فرج، نباید دست روی دست بگذارند و تماشاچی باشند و تنها امیدوار به آمدن آن نجات بخش باشند، بلکه باید زمینه های آن را هم فراهم سازند. از این موضوع، با عنوان «تمهید» در روایات یاد شده و زمینه سازان ظهور را «الممهّدون للمهدی» نام نهاده اند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

لِيُعِدَّنَ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَيَّهَمَا، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ بَيْتِهِ رَجَوْتُ لَأَنْ يُنْسِيَ فِي عُمْرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ فَيَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ؛^(۱)

هریک از شما خود را برای قیام قائم آماده کند، هرچند با یک تیر باشد. همانا خداوند اگر این آمادگی را از نیت کسی بداند، امید است عمر او را طولانی سازد، تا از یاران آن حضرت باشد.

ص: ۱۶۵

انتظار، عاملی برای تحرّک و فعالیت و مبارزه است و منتظران برای عوض کردن شرایط جامعه به سود اسلام و پیروان حق تلاش می کنند و به خودسازی و جامعه سازی می پردازند و به تکلیف خود در تغییر دادن «شرایط موجود» به «شرایط مطلوب» عمل می کنند. اگر محققان و نویسندگان، انتظار را به دو گونه «مثبت» و «منفی» تقسیم کرده اند به همین جهت است. در انتظار منفی، اشخاص دست روی دست می نهند و چشم به راهند که «کسی از غیب برون آید و کاری بکند»، ولی در انتظار مثبت و سازنده، منتظران هم در راه تحقّق آن آرمان ها و شرایط، زمینه سازی می کنند، همچون میزبانی که منتظر آمدن یک مهمان عزیز است و خانه خود را برای آمدن او آماده می سازد.

مردم ایران در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، منتظر آمدن امام خمینی رحمه الله بودند، ولی زمینه این بازگشت را با مبارزات و تظاهرات و اعتصاب ها و شعارها و راهپیمایی ها و وحدت ها و... آماده کردند و دست به جهاد زدند و شهید دادند و داغ دیدند و بر سختی های مبارزه صبر کردند، تا امام امت آمد و انقلاب به پیروزی رسید.

زمینه ساز ظهورند شاهدان شهید

اگرچه ماتمشان داغ بر جگر بسته است(۱)

امت منتظر، امتی فداکار و حاضر در صحنه است و آماده برای هر نوع جانبازی در راه دین و در رکاب امام. در یکی از زیارت های امام زمان علیه السلام از خداوند اینگونه می خواهیم:

ص: ۱۶۶

اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا فَاجْعَلْ سِلَاحِي بُنْصَرَةً مَشْهُورًا؛^(۱)

خداوندا، همچنان که دلم را با یاد آن حضرت آباد ساختی، سلاح مرا هم در یاری او برکشیده از نیام قرار بده.

در آخر زیارت آل یاسین هم می‌گوییم: «و نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ»، یاری و نصرت‌م برای شما آماده است.

چگونه می‌توان در عصر غیبت، آماده یاری امامان بود؟ جز با زمینه‌سازی و شرکت در حرکت تمهیدی برای ظهور؟

مگر می‌شود کسی انتظار حکومت حق و عدل را، آن هم در سطح جهان داشته باشد، ولی برای آن کاری نکند؟ زمینه‌سازی کجا و بی تفاوتی کجا؟

ویکتور هوگو، نویسنده غربی هم به این حقیقت اعتراف دارد و می‌گوید:

آینده از آن هیچ کس نیست. آینده از آن خداست. آنچه از ما ساخته است، این است که برای آینده آماده شویم و خود را برای اجرای آن چه آینده از ما چشم دارد، مهیا سازیم.^(۲)

وعده ظهور آن تکسوار عرصه عشق و منجی انسان‌ها حتمی است و میان «آماده سازان» و «آماده خواهان» نیز تفاوت بسیار است.

باشد که از زمینه سازان ظهور حضرت باشیم، هم با خودسازی، هم با فراهم ساختن شرایط ظهور در جامعه و با «جامعه سازی». در روایتی از پیامبر اکرم آمده است:

ص: ۱۶۷

۱- مفاتیح الجنان، دعا پس از زیارت سرداب مطهر.

۲- خورشید مغرب، ص ۲۶۵.

يُخْرِجُ نَاسًا مِّنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْتُونَهُ لِمَهْدِي سُلْطَانِهِ؛^(۱)

گروهی از مشرق زمین قیام می کنند و زمینه را برای حکومت مهدی آماده می سازند.

«اراده جمعی» و «خواست عمومی» مردم برای تغییر اوضاع جهان و برقراری عدالت، زمینه ساز ظهور آن موعود است و مردم باید این آمادگی فکری و بسترسازی اجتماعی را در خود و جامعه پدید آورند. در روایات، از قیامی سخن به میان آمده که مردم در مشرق بپا می خیزند، شمشیرها برگرفته به جهاد می پردازند و وقتی به هدف خود رسیدند و قدرت یافتند، آن را جز به صاحب شما تحویل نمی دهند، «و لا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ»، کشته های آنان شهید به شمار می روند.^(۲)

این نیز گواه زمینه سازی انقلابیون صالح برای آن مصلح موعود است.

ص: ۱۶۸

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۷.

۲- غیبت طوسی، ص ۲۷۳.

شیعیان، محب اهل بیت و معتقد به امامت و ولایت پیشوایان معصوم اند، رهبری آنان را پذیرفته اند، در غم و شادی اهل بیت، غمگین و شاد می شوند، مقام و فضیلت آنان را قبول دارند، به امام زمان معتقد و نسبت به ظهورش منتظرند. مجموعه این ها یعنی «ولایت».

برای این که این باورها و گرایش ها در نسل های بعدی هم وجود داشته باشد، پدران و مادران باید فرزندان خود را با همین اعتقادات و محبت ها بار آورند. این یعنی «تربیت ولایی». عشق به اهل بیت و انتظار فرج و زندگی همراه با فرهنگ ولایی، افراد را از پلیدی ها و مفسد دور می کند و آنان را همسو و همراه با اولیای خدا قرار می دهد.

داشتن فرزندان صالح، یک افتخار و نعمت است. یکی از نشانه های فرزند صالح، آن است که اهل ولایت و محبت خاندان رسالت باشد.

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی

عشق محمد بس است و آل محمد

خدا در قرآن کریم به پیامبر توصیه می کند که به مردم بگوید:

((لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)) (۱)

ص: ۱۶۹

بر انجام رسالت، از شما اجری نمی طلبیم، مگر مودت نزدیکانم.

در روایات، «مودت ذی القربی» به مهرورزی و ولایت اهل بیت تفسیر شده است. این علاقه قلبی و همسویی عملی عامل نجات و سعادت انسان است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز از امت خویش انتظار دارد که فرزندان خود را با عشق قرآن و عترت تربیت کنند و فرموده است:

أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّي وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِي وَ الْقُرْآنِ؛^(۱)

فرزندان خود را با محبت من و محبت اهل بیت من و قرآن تربیت کنید.

از این رو «تربیت ولایی» فرزندان، وظیفه والدین و مربیان است.^(۲)

از جلوه های روشن اینگونه تربیت در عصر غیبت، آن است که در خانواده ها یاد حضرت مهدی و توجه به وجود مبارک او و شوق دیدارش و انتظار آمدنش و آمادگی برای ظهورش وجود داشته باشد. تقویت عقیده به مهدی علیه السلام در فرزندان نیز از نشانه های دیگر این تربیت است: امام علی علیه السلام فرمود:

لَا يَثْبُتُ عَلَيَّ إِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ؛^(۳)

بر عقیده به امامت آن حضرت، جز کسی که یقین او قوی و شناخت او درست باشد، ثابت و استوار نمی ماند.

ص: ۱۷۰

۱- احقاق الحق، ج ۱۸، ص ۴۹۸.

۲- در این زمینه به کتاب «عشق برتر»، از نویسنده مراجعه شود.

۳- منتخب الأثر، ص ۲۵۱.

این مهر و محبت و این شعله مقدّس در درون سینه‌ها باید نسل در نسل روشن بماند و زندگی را در خط صحیح و مسیر
خداپسند قرار دهد.

یک عمر نشسته ایم با این امید

تا صبحدمی روح سحر برگردد

ص: ۱۷۱

مؤمن همیشه باید بصیر و تیزهوش و بیدار باشد و فریب نخورد.

در عرصه مسائل اعتقادی هم فریبکاری وجود دارد. کسانی با سوء استفاده از باورهای دینی مردم، به هدف های شوم خود می رسند. در طول تاریخ، کسان بسیاری بوده اند که ادعای پیغمبری کرده و جمعی را به گمراهی کشیده اند. کسانی هم بوده اند که ادعای امام زمانی یا ارتباط با امام زمان داشته اند و عدّه ای سطحی و ساده لوح و خوش باور را مرید خود ساخته اند و فرقه های انحرافی پدید آورده اند. نمونه روشن آن پیدایش فرقه گمراه بهایی گری است.

آن چه انسان را در مقابل اینگونه ادعاها و دروغ ها مصونیت می بخشد، داشتن بینش و بصیرت است. کسی که دین خود را عمیقاً بشناسد و اعتقادات شیعی را خوب بداند و در مسائل دینی، دیدگاه های علمای دین را محور قرار بدهد، فریب نمی خورد و به انحراف کشیده نمی شود و در دام شیادان نمی افتد.

مایه بسی شگفتی است که با این که کشورهای استعمارگر، مثلاً دولت انگلیس در پشت سر جریان انحرافی بهایی گری بوده و امروز هم آمریکا و اسرائیل، از حامیان عمده بهائیان اند، چگونه کسانی ساده لوح، به بهائیت به

عنوان یک دین نگاه می کنند و به آن می گروند و دست از اسلام می کشند! البته گاهی هم به سبب فقر مادی و برای کسب مال و عنوان، یا رسیدن به غرایز جنسی و آزادی ها و بی بند و باری های شیطانی، سراغ این فرقه ها می روند، ولی به هر حال، عده ای هم به خاطر ضعف بینش دینی فریب می خورند و گمراه می شوند.

امروز هم شاهدیم که در گوشه و کنار، کسانی مدعی ارتباط با امام زمانند و از این راه به شهرت و ثروت می رسند و با تظاهر و ریاکاری و با انگیزه های دنیوی و ریاست طلبانه، مردم را دور خود جمع می کنند و به اخاذی و حتی فسادهای اخلاقی و ارتباط های نامشروع می پردازند و پس از چندی دروغ و فساد آنان آشکار می شود و دستگیر می شوند و از این راه، ضربه به اعتقادات مردم علاقه مند به امام زمان وارد می شود.

پس باید بصیر و بینا و دین شناس بود، تا حرف های برخلاف دین و اعتقادات صحیح شیعی را به نام دین پذیرفت و به شیادان و دروغ پردازان به عنوان کسانی که با حضرت حجت علیه السلام مرتبط اند و از او دستور می گیرند و... نگاه نکرد.

اصل امکان دیدار حضرت را نمی توان انکار کرد، ولی چنین نیست که هر کس هم مدعی دیدار و ارتباط شد، راست می گوید.

بیشتر کسانی هم که ساده لوحانه فریب می خورند، آنان اند که با علمای دین و مرجعیت رابطه ای ندارند و گرفتار شیادان می شوند.

اگر به جای ساده لوحی و سطحی نگری، بصیرت و بینش دینی باشد، مریدبازان شیاد نمی توانند با ادعاهای دروغ و خواب های بی اساس و کشف و

کرامات ساختگی، از باور دینی مردم سوء استفاده کنند، عمده افرادی که فریب آنان را می‌خورند، از قشر کم سواد یا بیسواد و بی بصیرت اند. در روایات معصومین علیهم السلام بر تفقه و دین شناسی عمیق و صحیح تأکید شده است. به همین جهت، آگاهان بصیر و عالمان و هوشیاران دین شناس، هرگز در دام فریب آنان نمی‌افتند. در حدیثی از حضرت مهدی علیه السلام می‌خوانیم:

سَيَأْتِي شِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ، أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِي وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٍ؛ (۱)

به زودی بر شیعیان من خواهد آمد که کسی ادعای مشاهده کند. آگاه باشید، هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه (دو نشان از نشانه های ظهور) ادعای مشاهده کند، دروغگو و اهل افتراست.

این سخن، می‌خواهد دکان کسانی را که با ادعای مشاهده دیدار، در پی مرید جمع کردن و اغوای مردم اند ببندد و هشدار می‌دهد تا پیروان حضرت، دچار بی بصیرتی و غفلت نشوند. (۲)

ص: ۱۷۴

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶.

۲- به بحث «بصیرت دینی» در بخش اول رجوع شود.

در فرهنگ شیعی، نقش ذکر و یاد، بسیار مهم است.

همچنان که یاد خدا، یاد قیامت، یاد مرگ، یاد بهشت و جهنم و... سازنده است، و همچنان که یاد حادثه عاشورا این حماسه را زنده نگه داشته و دل ها را با عاشورا و فرهنگ جهاد و شهادت پیوند زده است، یاد امامان و فضایل و مناقبشان و تولد و شهادتشان سازنده است و مهر و محبت آنان را ریشه دار می کند. توصیه شده در مجالس و محافل خود از ما و فضایل ما خاندان صحبت کنید و احادیث ما را برای هم نقل کنید، چرا که خداوند و فرشتگان اینگونه مجالس را دوست می دارند و یاد اهل بیت، یاد خداست (إِنَّا إِذَا ذُكِرْنَا لَدُنَّ اللَّهِ). (۱)

این که فرموده اند: به یاد آن حضرت صدقه دهیم، هنگام شنیدن نامش به احترام او بلند شویم، دعای عهد را هر روز و دعای ندبه را جمعه ها بخوانیم، در سامرا آن حضرت را زیارت کنیم، نیمه شعبان را گرامی بداریم، دعای فرج بخوانیم، برای رهایی از مشکلات به آن حضرت متوسل شویم، دعای عصر غیبت را بخوانیم، همه این ها برای زنده بودن نام و یاد آن حضرت در دل و

ص: ۱۷۵

زندگی ماست. این یاد، هم به ما امید می دهد، هم از گناه، دورمان می سازد.

زیارت آل یاسین که سلام و درود و تحیت ما به ساحت آن حضرت است، برای همین منظور است. حضرت مهدی علیه السلام در یکی از نامه هایی که نوشته است، می فرماید: هرگاه خواستید به وسیله ما به درگاه خدا توجه پیدا کنید، چنین بگویید:

«سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنِ، السَّلَامُ عَلَیْکَ یا دَاعِیَ اللّٰهِ وَ رَبَّنَا ۖ آیاتہ...».

دعا برای سلامتی آن حضرت، دعا برای تعجیل در فرج و ظهور، دادن صدقه به نیت سلامتی آن حضرت، انجام زیارت و حج و طواف به نیابت از آن امام و... همه نشان دهنده عشق و ارادت به حضرت حجت و بهانه ای برای یاد از آن امام است.

او به یاد ماست، ما نباید از یاد او غافل باشیم. (۱)

او به فکر ماست، نباید یاد او از فکر ما بیرون باشد.

من زباغ و بستان ها، از همه گلستان ها

دسته دسته گل چیدم، تا ز تو نشان بینم

ص: ۱۷۶

۱- «أنا غیر مُهمَلینَ لِمرَاعَاتِکُمْ وَ لَا نَاسِیْنَ لِذِکْرِکُمْ»، (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳).

گرچه شوق دیدار امام زمان علیه السلام در دل هر شیعه منتظر وجود دارد و نهایت آرزوی منتظران، رسیدن به خدمت آن حضرت است، ولی در توصیه های دینی، تأکید نشده که کاری کنید که او را ببینید و تشویقی برای انجام کارهایی جهت توفیق دیدار نیست.

مهم آن است که انسان در عصر غیبت، به وظایف دینی خود عمل کند، از گناهان دوری کند، تقوا و پاکی داشته باشد، زندگیش از راه حلال تأمین شود و اگر صلاح باشد، توفیق دیدار هم می یابد. در یک کلمه، چله نشینی و ذکر و ختم و توسل و گریه و ناله، زمینه ساز دیدار نیست، بلکه «تقوا» نقش عمده را دارد.

حضرت مهدی علیه السلام چه بسا در میان مردم باشد و رفت و آمد کند، ولی صالحان و پاکان اند که می توانند او را ببینند. با چشم پرگناه، چگونه می توان انتظار دیدن آن تجسم پاکی و طهارت را داشت؟ کسی که بازیچه دست شیطانی است، چگونه امید دارد که رخسار آفتابی آن عبد صالح خدا را ببیند؟

به شهادت تاریخ، بسیاری از زهاد، عالمان و عارفان وارسته، به دیدار او نائل شده اند. دیدار چهره محبوب او در عصر غیبت محال نیست، ولی شرط آن، صدق و صفای دل و پاکی درون و طهارت جان و حلال بودن درآمد و

مشروع بودن زندگی است. اخلاص در عمل در این زمینه بسیار مؤثر است.

گاهی هم کسانی ممکن است او را ببینند و شناسند و بعداً بر اساس قرائن و شواهد، دریابند که آن شخص که دیدار کرده اند، حضرت حجت علیه السلام بوده است. بعضی از تشرف یافتگان به دیدارش، اینگونه بوده اند.

در کتاب هایی چون «اعلام الوری»، «النجم الثاقب»، «جنه المأوی»، «دار السلام»، «بحار الأنوار» و منابع دیگر، نمونه هایی از تشرف یافتگان به محضر مولا نقل شده، حتی در مفاتیح الجنان و منتهی الآمال مرحوم محدث قمی هم نمونه هایی آمده است و کسانی همچون: سید بن طاووس، علامه حلّی، سید بحر العلوم، مقدس اردبیلی، میرزا مهدی اصفهانی و... این توفیق را داشته اند.

ناگفته نماند که آنان که توفیق تشرف و دیدار داشته اند، معمولاً آن را کتمان و پنهان می کردند و با آن همچون یک راز برخورد می کردند و به هر کس نمی گفتند و در پی کسب وجهه و شهرت از این راه نبودند.

هر که را اسرار حق آموختند

مهر کردند و دهانش دوختند

از این رو، به اظهارات کسانی که مرتب دم از دیدار می زنند و اینجا و آن جا نقل می کنند و برای خود وجهه و آبرو کسب می کنند، باید به دیده تردید نگریست. در زمان غیبت، امکان دیدار با آن امام غایب هست، ولی قلبی پاک و زندگی همراه با تقوا و دوری از گناه می خواهد.

گفتم که روی خوبت، از من چرا نهان است

گفت تو خـود حجـابی، ورنه رخم عیان است

طبق نقل ها، وقتی علی بن مهزیار اهوازی در سفر حج توفیق دیدار آن

حضرت را یافت، امام زمان علیه السلام به او فرموده بود:

ما هو محجوبٌ عنكم، ولكن حجبهُ سوءُ أعمالِكُمْ؛ (۱)

او از شما پنهان و پوشیده نیست، بلکه این کارهای بد شماست که او را از نظرتان پنهان ساخته است.

در ادامه این نقل آمده است که حضرت به او فرمود: شما مال های خود را افزودید، ولی بر مؤمنان ضعیف و مستمند فخر فروشی کردید، صله رحم را قطع کردید، پس چه عذری دارید؟....

در نقلی هم آمده که آن حضرت فرموده است: شما اگر گناه نکنید، ما خودمان سراغ شما می آییم.

ص: ۱۷۹

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۲۱.

از اعتقادات ما، یکی هم این است که اعمال ما هر هفته به محضر پیامبر خدا و امامان و امام عصر علیه السلام عرضه می شود و آنان از پرونده اعمال ما آگاهند، از کارهای نیک ما خوشحال می شوند و از گناهان ما متأثر و ناراحت می گردند، همچنان که خداوند و فرشتگان هم پیوسته ناظر بر اعمال ما می آیند و چیزی از آنان مخفی نمی ماند.

خداوند به گنهکاران خطاب می کند که: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى؟» (۱) آیا نمی دانست که خداوند می بیند؟ اگر گفته اند: عالم محضر خداست، در محضر خدا گناه نکنید، این نیز صحیح است که بگوییم: عالم، محضر رسول خدا و محضر حجت خداست و باید شرم کرد و مرتکب گناه نشد.

توجه به این که امام عصر علیه السلام از اعمال ما آگاه است و پرونده کارهای ما به محضر او ارائه می شود و آن حضرت از گناهان شیعیان ناراحت می گردد، نقش بازدارنده از گناه دارد. ما باید پیوسته خود را در محضر او حس کنیم و از آن چه موجب ناخرسندی و ناراحتی او می شود پرهیز کنیم و خیال نکنیم که اگر او از دیده ها پنهان است، از کارهای ما هم بی خبر است.

ص: ۱۸۰

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«إِنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيَّ كُلَّ يَوْمٍ؛ (۱) اعمال شما هر روز بر من عرضه می شود.»

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «هریک از شما باید شرم کند از این که کار زشت بر پیامبر خود عرضه کند.» (۲)

همین حالت نسبت به امام عصر علیه السلام نیز وجود دارد.

قرآن می فرماید: ((وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ.)) (۳)

بگو عمل کنید، بزودی خدا و پیامبرش و مؤمنان عمل شما را می بینند.

در روایات، «مؤمنان» که در آیه است، به امامان تفسیر شده است. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام هم از آن حضرت درباره این آیه پرسید، حضرت چنین توضیح فرمود: هیچ مؤمن یا کافری نیست که بمیرد و در قبر نهاده شود، مگر آنکه عمل او بر رسول خدا و امیرمؤمنان و امامان دیگری که اطاعتشان واجب است، عرضه می گردد. (۴)

در حدیثی از امام رضا علیه السلام خطاب به موسی بن یسار نقل شده است:

أَمَا عَلِمْتَ أَنَا مَعَاشِرَ الْأَئِمَّةِ تُعْرَضُ عَلَيْنَا أَعْمَالُ شِيعَتِنَا

ص: ۱۸۱

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۹۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۱۴۹.

۳- توبه، آیه ۱۰۵.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۱۳.

آیا نمی دانی که اعمال شیعیان ما صبح و شام بر ما ائمه عرضه می شود؟

در احادیث حج و حضور امام عصر علیه السلام در منا و عرفات هم آمده است که آن حضرت در عصر غیبت، در موسم حج حضور می یابد و مردم را می بیند، ولی مردم او را نمی بینند.(۲)

بر اساس همه این مطالب، شیعه منتظر باید احساس کند که همیشه در محضر آن امام است و کارهای خوب و بدش از او مخفی نیست و بکوشد به گونه ای زندگی کند که مایه خوشحالی و سرافرازی امام باشد، نه موجب ناراحتی و شرمساری.

در یکی از توقیعات آن حضرت که خطاب به شیخ مفید است، چنین آمده است:

إِنَّا يُحِيطُ عَلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَغْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ؛(۳)

به یقین، آگاهی ما بر اخبار شما احاطه دارد و هیچ چیز از خبرهای شما از ما پنهان و پوشیده نیست.

بکوشیم گزارش های بد از ما به محضر مولا یمان نرسد.

ص: ۱۸۲

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۶۴؛ بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۹۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۷۰.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

در دعاهاى متعدد، این خواسته مطرح است که: خدایا ما را از یاران امام زمان قرار بده:

اللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ اَعْوَانِهِ وَاَنْصَارِهِ وِشِيعَتِهِ وَاَلْبَائِنَ عَنْهُ... (۱)

کسی که آرزوی یاری امام عصر را داشته باشد، باید آراسته به صفات آنان باشد. در احادیث، ویژگی ها و خصلت ها و صفات خاصی برای اصحاب امام نقل شده است و برخی از نویسندگان هم کتاب هایی بر اساس «خصال یاوران مهدی» نگاشته اند. منتظر ظهور و آرزومند یاری آن حضرت، دست کم باید بکوشد خود را به این صفات آراسته کند، تا امیدش قابل توجه و معقول باشد. برخی از این اوصاف، فهرست وار از این قرار است:

۱. معرفت و شناخت عمیق نسبت به خدا؛

۲. شناخت و معرفت امام عصر و اعتقاد راسخ به او؛

۳. اخلاص و بی ریایی؛

۴. اطاعت محض از فرمان امام؛

۵. استقامت و پایداری و اراده های استوار؛

ص: ۱۸۳

۱- از جمله: مفاتیح الجنان، زیارت آن حضرت بعد از نماز صبح، و دعای عهد.

۶. شوق جهاد و شهادت در رکاب امام زمان (شهادت طلبی)؛

۷. اهل تلاش روزانه و نجوای شبانه، شیران روز و زاهدان شب؛

۸. همدلی و هماهنگی با یکدیگر؛

۹. اهل عبادت و شب زنده داری و تهجد؛

۱۰. شجاعت و دلاوری و صلابت؛

۱۱. دانش و بصیرت در برابر فتنه ها و دل های روشن از حکمت؛

۱۲. یاری حق و مدافع حقیقت.

این ها گوشه هایی از اوصاف یاوران مهدی علیه السلام است. منتظر واقعی باید در زندگی خود، جلوه گاه این اوصاف باشد و خود را با یقین و بصیرت و شجاعت و پارسایی چنان تربیت کرده و ساخته باشد که بتواند اگر شاهد عصر ظهور بود، در اطاعت فرمان آن امام، به یاری دین خدا و عدالت گستری پردازد.

در روایت امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

رَجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ، لَهُمْ دَوَى كَدَوَى النَّحْلِ، يَبْتَغُونَ قِيَاماً عَلَيَّ أَطْرَافِهِمْ... هُمْ مِنْ خَشِيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ، يَتَمَنُونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...؛(۱)

مردانی اند که شب می خوابند، در نمازشان زمزمه ای همچون صدای زنبور عسل دارند، تا بامداد به عبادت می پردازند، از خشیت خدا بیمناک اند، آرزویشان شهادت در راه خداست.

منتظر، باید خودساخته و مهذب و اهل عرفان و حماسه و اشک شبانه و تلاش روزانه باشد.

ص: ۱۸۴

عمل به توصیه های حضرت مهدی علیه السلام

عمل به احکام دین و انجام کارهای نیک و خدمت به مردم و پرهیز از گناه و سعی در ادای حقّ الناس و داشتن یک زندگی حلال، توصیه خدا، پیامبر، امامان و حضرت ولی عصر علیه السلام است و یک شیعه باید بر این مدار و محور حرکت کند. بنابراین، توصیه آن حضرت، همان توصیه های خدا و رسول است.

لیکن بر اساس حکایاتی که از تشرف یافتگان به دیدارش نقل شده است، گاهی سفارش های خاصّی به بعضی افراد فرموده که یقیناً مخصوص آنان نبوده و هر منتظر باید اهل اینگونه کارها باشد.

امام عصر علیه السلام، به یکی از مؤمنانی که شب های چهارشنبه به مسجد سهله در نجف می رفت و به عبادت می پرداخت و در آن شب، خدمت به پدر را ترک می کرد، در یکی از این شب ها فرمود: برگرد، برگرد. و او فهمید که حضرت راضی به ترک خدمت پدر به بهانه عبادت در مسجد سهله نیست.

آن حضرت در دیدار حاج علی بغدادی، به خواندن زیارت عاشورا و زیارت اباعبدالله الحسین در شب جمعه سفارش کرد. همچنین در موارد دیگر به خواندن زیارت عاشورا و زیارت جامعه تأکید فرمود، یا به خواندن دو رکعت نماز خاص برای رفع گرفتاری، خواندن دعای فرج، قرائت قرآن، احترام به پدر و

مادر، زیارت قبور ائمه، خواندن تعقیبات نمازها، رسیدگی به فقرا و نیازمندان شیعه، بردباری و صبر بر ناملایمات و از دست ندادن ایمان و عقیده، عزاداری برای سید الشهداء، که هر کدام از این ها در حکایتی و دیداری نقل شده است و از مجموع آن ها برمی آید که داشتن یک زندگی ایمانی و تقوایی و همراه با توجه به خدا و رسول و اهل بیت و نیکی و احسان به دیگران و انصاف، از جمله احسان به والدین، از توصیه های حضرت مهدی علیه السلام است.

نقل شده است: مردی طالب دیدار بود و در این راه، ریاضت های زیادی کشیده بود. شبی به او نوید می دهند که در فلان شهر و فلان دکان در بازار، امام زمان را ملاقات می کنی. به آن شهر می رود و خود را به آن دکان می رساند و آنجا می نشیند و امام را دیدار می کند. در همان موقع، پیرزنی فرتوت، قفلی را به بازار آورده بود تا آن را بفروشد. اهل بازار هریک آن قفل را به قیمت بسیار ناچیزی می خواستند بخرند. اما کاسبی که امام عصر علیه السلام در کنار دکان او نشسته بود، ارزش قفل را اعلام کرد و گفت با کمی تنزل آن را می خرم و با همان مقدار سود، می فروشم و همین مرا کافی است. پیرزن با خوشحالی قفل را فروخت و رفت. در این هنگام، امام عصر رو به آن مرد دیدار کننده کرد و فرمود: اینگونه باشید، تا ما خودمان شما را دیدار کنیم و به زحمت ریاضت خودتان را گرفتار نکنید. (۱)

آئینه شو، جمال پری طلعتان طلب

جاروب کن تو خانه، سپس میهمان طلب

امام عصر علیه السلام، انتظار دارد شیعه منتظر او، آینه تمام نمای فضایل اخلاقی و

ص: ۱۸۶

۱- آئینه اسرار، ص ۱۷.

عمل به دستورهای شرع و پرهیز از وسوسه های شیطانی و اهل اخلاص و ایثار و احسان و عبادت باشد، تا به آن حضرت نزدیک شود.

از توصیه های آن حضرت است:

فَيَعْمَلُ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا يَفْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَيَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهِيَتِنَا وَسَخَطِنَا؛ (۱)

هر کدام از شما کاری کند که او را به محبت ما نزدیک کند و از هر چه او را به ناراحتی و خشم ما نزدیک می سازد دوری کند.

آیا زندگی و رفتارمان، عامل قرب ما به امام زمان علیه السلام است، یا ما را از او دور می سازد؟

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرموده است:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْهُ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ...؛ (۲)

هر کس دوست دارد که از اصحاب قائم باشد، پس انتظار بکشد و عمل با هنرکاری و اخلاق نیکو کند در حالی که منتظر است. اگر از دنیا رفت و پس از مرگش حضرت قیام کرد، پاداش کسی را دارد که او را درک کرده باشد.

پس نشانه یاران حضرت و منتظران لایق، «انتظار»، همراه با «تقوا» و «اخلاق نیکو» است.

ص: ۱۸۷

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۲- غیبت طوسی، ص ۲۰۰.

فرزندان، به خاطر نقش پذیری از الگوها، تحت تأثیر رفتار والدین و مربیان قرار می گیرند و حتی از حالات و سخنان آنان هم سرمشق می گیرند. رفتار پدر و مادر، به طور غیر مستقیم بر فرزندان تأثیر می گذارد. از این رو، پدر و مادری که می خواهند فرزندی با ایمان، راستگو، درست کردار، حق شناس، محبّ اهل بیت و دور از گناه و خلاف داشته باشند، باید خودشان رفتار مؤمنانه، گفتاری صادقانه و کرداری حق شناسانه داشته باشند.

فرد منتظر، باید چنان اخلاقی داشته باشد که به دیگران هم عملاً تعلیم دهد و چنان پاک و بی ریا باشد که فرزندان او و افراد جامعه از او الگو بگیرند و او را به عنوان یک فرد «نمونه» بشناسند.

وقتی در خانواده ای، در ایام ولادت امامان، خوشحالی و سرور و هدیه و احسان وجود داشته باشد، گرایش به اهل بیت در آن تقویت می شود. وقتی در ایام عزاداری خاندان پیامبر، جلسه روضه یا نشانه های عزا و پرچم سیاه و شرکت در محافل مذهبی جزو برنامه های یک خانواده باشد، حبّ اهل بیت و همدلی با این خاندان در فرزندان هم پدید می آید و ریشه دار می شود.

این که امام علی علیه السلام درباره خصلت شیعیان فرموده است: «يَفْرَحُونَ لِفَرَجِنَا وَ

يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا؛^(۱) به شادی ما شاد می شوند و به سبب اندوه ما غمگین می شوند»، فضای حاکم بر یک خانواده مذهبی و ولایی شیعه را نشان می دهد. اگر والدین، هنگام شنیدن نام پیامبر و امامان و حضرت مهدی علیه السلام بر آنان مورد بفرستند و با احترام و عظمت یاد کنند و نشان دهند که به این خاندان و حضرت حجت علیه السلام احترام ویژه ای قائل اند، این روحیه و حس و حال، به فرزندان هم سرایت می کند.

پدر و مادر، هم در عمل و رفتار، باید برای فرزندان خود الگو باشند، هم با گفتار شیرین و آموزنده آنان را با معارف دینی، وظایف شرعی و نکات اخلاقی آشنا سازند و در حدّ یک معلم، به رشد فکری و معنوی و معلومات دینی و احکام شناسی آنان حکم کنند.

می توان در خانه با افراد خانواده نماز جماعت برگزار کرد، مسائل شرعی را طرح نمود، کتاب های دینی خواند، جلسه بحث و گفتگوی دینی و پاسخ به سؤالات مذهبی برگزار کرد، جلسه قرآن و دعا داشت و با این روش ها، از خانواده ای دینی و ولایی برخوردار بود و برای خانواده خود و دیگر خانواده ها و اقوام و دوستان الگو بود.

اگر با شیوه مناسب، فرزندان را در جلسات دعای ندبه، یا اماکن منتسب به امام زمان علیه السلام، یا محافل مذهبی که به یاد اهل بیت برگزار می شود شرکت دهیم و تشویق کنیم و چنین وانمود کنیم که ما نسبت به خاندان پیامبر و امامان معصوم و امام زمان، وظیفه و تکلیف داریم و یاد آنان و حضور در

ص: ۱۸۹

مجالس اهل بیتی و شنیدن مناقب و زندگی نامه و احادیث آنان، بخشی از وظایف ماست، می توانیم آنان را در این خطّ نورانی نگه داریم و فرهنگ ولایی خود را به آنان و نسل های بعدی منتقل کنیم. (۱)

از یاد نبریم که رفتار ما، الگوی فرزندان ماست.

پس الگوی خوبی برای آنان باشیم.

ص: ۱۹۰

۱- به بحث «تربیت ولایی فرزندان» در همین بخش توجه شود.

هر کس به فکر و مرام و مکتبی عقیده و باور داشته باشد و آن را درست و حق بشناسد، باید در راه ترویج و تبلیغ آن بکوشد و هر چه بیشتر افراد را وارد آن مرام و معتقد به آن فکر و عقیده کند.

از دیرباز، کافران و فاسقان و بی دینان، سعی می کردند دیگران را به کفر و فسق و بی دینی بکشانند. در مقابل، پیامبران و امامان و صالحان و مصلحان می کوشیدند دیگران را از بی دینی و انحراف نجات داده، به ایمان و پاکی و راه حق دعوت کنند.

عقیده به وجود امام زمان و انتظار آمدن یک مصلح جهانی و اعتراض به فساد و جور حاکم بر زمان و ایستادگی در مقابل امواج بی دینی و ترویج گناه، از جمله این اعتقاد هاست. منتظر راستین، باید «فرهنگ انتظار» را ترویج و تبلیغ کند و بی خبران از این وادی را به درون این دایره نورانی وارد سازد و شوق مهدی علیه السلام و انتظار ظهور را در دل ها روشن کند.

به سست ایمان ها در این مورد، باید یاری رساند که ایمانشان تقویت شود.

به گرفتاران شبهه درباره مهدویت، باید کمک کرد تا سؤالات و شبهاتشان پاسخ داده شود.

به آنان که دور از وادی محبت به امام زمان و دعای توسل و ندبه و نیمه

شعبان و زیارت آل یاسین و... هستند، باید جلوه‌ها و جاذبه‌های این وادی را نشان داد تا جذب شوند.

کتاب‌ها و جزوات خوب، غنی، روان و قانع‌کننده درباره امام زمان و انتظار فرج و حکومت جهانی مهدوی و طول عمر امام عصر و عنایات خاص او به شیعه و... را باید منتشر کرد؛ به نوجوانان و جوانان در سطح گسترده با برگزاری مسابقات و مطالعات در این مورد آموزش داد، تا شور «مهدی باوری» و شوق انتظار فراگیر شود.

به آنان که خود را منتظر امام زمان می‌دانند و تنها به خواندن دعای ندبه یا رفتن به مسجد جمکران بسنده می‌کنند، باید پیام انتظار و بُعد عملی این عقیده و رسالت حضور در برنامه‌های عملی اصلاح مفاسد و زمینه‌سازی برای عصر حضور را رساند تا با «تکلیف عصر غیبت» آشنا باشند.

به آنان که محبت و عشق امام زمان علیه السلام را دارند و دوستدار دیدن چهره آن حضرت اند، ولی از مبانی دینی و تکالیف شرعی و پای بندی به حلال و حرام فاصله دارند، باید آموخت که عشق واقعی، عاشق را به همراهی و همرنگی می‌کشد و مشتاق دیدار، باید با تقوا و ترک گناه، زمینه این دیدار را فراهم کند، چون با چشم آلوده، نمی‌توان به آن جمال نورانی و پاک نگاه کرد.

یک مسلمان منتظر، همچنان که در تب و تاب امام زمان و فرا رسیدن دوران ظهورش می‌سوزد، باید این تب و تاب را به دیگران هم منتقل کند، تکثیر نیرو کند، به تربیت «نسل منتظر» پردازد، بیزاری از ستم و فساد و عشق به عدالت و قسط را در درون جان‌ها برافروزد، و از این که دیگران گرفتار گناه و فساد و دوری گرفتن از احکام خدا و بیگانه شدن با فرهنگ

اهل بیت اند، غصه دار شود و بسوزد و در نجات آنان بکوشد.

دیگران برای جذب افراد به گناه و بی بند و باری و بی اعتقادی به مکتب و دین، تلاش می کنند، پول خرج می کنند، برنامه و نیرو دارند، نقشه های کوتاه مدت و درازمدت دارند، از جاذبه های هنری و از تکنولوژی روز و از رسانه های ارتباطی و از جدیدترین فناوری های اثرگذار بهره می گیرند. انتظار می رود دلسوزان و خداپاوران و مهدی یاوران و معتقدان به فرهنگ انتظار هم، به همان اندازه بلکه بیشتر، در خنثی سازی تبلیغات سوء آنان و دعوت به این ارزش های الهی کوشا باشند و هزینه کنند و برنامه و اقدام هماهنگ داشته باشند و نگویند که: خدا خودش اصلاح کند! یا نگویند: خدا کند آن مصلح جهانی بیاید و جهان را سروسامان دهد. پس وظیفه ما چیست؟ چگونه می توانیم در این عصر، یاور امام زمانی باشیم که هنوز ظهور نکرده است؟ جز با ترویج دین و مبارزه با مفساد و تربیت نسلی مؤمن و معتقد؟!

در دعاها آمده است:

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ...؛(۱)

خدایا ما را از کسانی قرار بده که به وسیله آنان، دین خود را یاری می کنی.

ترویج و تبلیغ فرهنگ انتظار، یکی از راه های یاری دین در این عصر غربت دین است و دعوتگر بودن به سوی حق و مبارزه با باطل و اندیشه های غلط و باورهای انحرافی، حرکت در خط امام زمان است. آن

ص: ۱۹۳

حضرت در نامه ای خطاب به «ابراهیم بن مهزیار» فرمود:

أَرْجُوا يَا بُنَيَّ! أَنْ تَكُونَ أَحَدَ مَنْ أَعَدَّهُ اللَّهُ لِنَشْرِ الْحَقِّ وَطَيِّبِ الْبَاطِلِ وَ إِعْلَامِ الدِّينِ وَ إِطْفَاءِ الضَّلَالِ؛^(۱)

فرزندم! امیدوارم تو یکی از کسانی باشی که خداوند، او را برای گسترش حق و نابودی باطل و بلند آوازه کردن دین و خاموش کردن ضلالت و گمراهی آماده ساخته است.

این خطاب، نشان می دهد که در عصر غیبت، هر شیعه آگاه باید در این مسیر اقدام و عمل داشته باشد و تفکر دینی و اندیشه مهدوی را نشر دهد و تبلیغ کند.

ص: ۱۹۴

۱- غیبت طوسی، ص ۳۶۱.

روز جمعه برای «منتظر»، معنای دیگری دارد. روز شدت یافتن انتظار است. در زیارت امام زمان در روز جمعه می‌گوییم:

هذا يوم الجمعة و هو يومك المتوقع فيه ظهورك و الفرج فيه للمؤمنين علي يدك...؛(۱)

امروز روز جمعه است و این روز، روز توست که انتظار می‌رود ظهور تو در این روز باشد و گشایش برای مؤمنان به دستان تو و هلاکت کافران به شمشیر تو باشد. مولای من! من امروز مهمان تو و پناه جوینده به تو هستم، تو نیز که از بزرگ زادگانی، مأمور به مهمان داری و اکرام هستی. پس مرا مهمان کن و پناه ده.

شیعه باید هر جمعه انتظار ظهور حضرتش را داشته باشد و از نظر روحی و اخلاقی آماده رسیدن به خدمتش و امتثال اوامرش باشد. جمعه شیعه منتظر باید با روزهای دیگرش فرق کند، هم شوق دیدار داشته باشد، هم ناله و ندبه فراق. هم انتظار داشته باشد، هم برای ظهور و فرج، دعا کند.

توصیه شده «دعای ندبه» در روزهای جمعه و عید فطر و عید قربان و عید

ص: ۱۹۵

غدیر خوانده شود. آن چه میان ما رایج است، ندبه در جمعه است. محتوای غنی و پرمایه و اشارات تاریخی و مبانی معرفتی و اهل بیت شناسی و مهدی شناسی در این دعا موج می زند. به نوعی فرهنگ شیعه در ارتباط با امامان و حضرت حجت و پیمان پیروان این خاندان با پیشوایان معصوم، در این دعا گنجانده شده و تکرار هر هفته آن، مروری بر معتقدات ناب شیعه و چشم انداز روشن و درخشان اسلام در جهان در سایه حکومت عدل مهدوی است.

در دعای ندبه می گوئیم: آیا امروز ما به فردای روشن تو پیوند خواهد خورد؟ کی وارد چشمه سار گوارای حضرت خواهیم شد و سیراب خواهیم گشت؟ کی صبحگاهان تو را دیده و چشمان ما روشن خواهد شد؟ کی ما را می بینی و ما هم تو را مشاهده می کنیم، در حالی که پرچم پیروزی را گشوده ای؟ کی خواهد بود زمانی که پیرامون تو حلقه بزنیم و تو پیشوایی مردم را عهده دار شوی و جهان را پر از عدل و داد کنی و به دشمنان، خواری و عذاب بچشانی؟^(۱)

این ها همه نوید روزگار ظهور و حضور آن حضرت است و جمعه ها باید بیشتر به یاد مهدی علیه السلام باشیم و آمدنش را از خداوند بطلبیم. این که در گذشته، برخی شیعیان در خانه خود شمشیر نگه می داشتند، یا به صورت دسته جمعی صبح جمعه ها سوار بر اسب می شدند و بیرون از شهر می رفتند و

ص: ۱۹۶

۱- «هل يتصل يومنا منك بعده فنحظى؟ متى نرد مناهلك الرويه فنروي؟...»، (دعای ندبه).

استغاثه کنان حضرتش را صدا می کردند و منتظر ظهورش در جمعه بودند، نشانه ای از این باور و عمل به وظیفه آمادگی برای نصرت او و جهاد در رکاب اوست.

امام صادق علیه السلام فرمود: «يَخْرُجُ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ...» (۱) قائم ما اهل بیت، روز جمعه ظهور می کند.»

شیخ صدوق، سخنانی درباره روز جمعه دارد، از جمله این که می گوید: روز جمعه، روزی بود که پیامبر در غدیر خم، علی علیه السلام را به جانشینی خود نصب کرد، قیام مهدی علیه السلام هم روز جمعه خواهد بود، برپایی قیامت هم روز جمعه خواهد بود که قرآن هم قیامت را «یوم الجمع» دانسته است، چون همه اولین و آخرین در آن روز جمع می شوند. (۲)

ناگفته نماند که درباره روز ظهور حضرت، در روایاتی روزهای دیگری هم مطرح است، ولی روز جمعه قوی تر به نظر می رسد و باید در این روز، توجه بیشتر و یاد افزون تری از آن حضرت داشته باشیم.

ص: ۱۹۷

۱- خصال، ص ۳۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹.

۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۲۲.

عطر انتظار

گرچه خسته ام،

گرچه دلشکسته ام،

باز هم گشوده ام دری به روی انتظار

تا بگویمت، هنوز هم به آن صدای آشنا امید بسته ام

ای تو صاحب زمان

ای تو صاحب زمین

دل، جدا ز یاد تو

آشیانه ای خراب و بی صفاست

یاد سبز و روح بخش تو

یاد لطف بی نهایت خداست

کوچه باغ سینه ام

ای گل محمدی! به عطر نامت آشناست

آن که در پی تو نیست، کیست؟

آن که بی بهانه تو زنده است، در کجاست؟

ای کرامت وجود!

باد غربتی که می وزد به کوچه های بی تو، بوی مرگ می دهد،

بوی خستگی، فسردگی.

کوچه ها در انتظار یک نسیم روح بخش

یک پیام آشنا و دل نواز

سینه را گشوده اند

کوچه های ما همیشه عاشق تو بوده اند.

ای کبوتر دلم هوایی محبت

سینه من، آشنای نعمت غم است

گرهزار کوه غم رسد، هنوز هم کم است

از درون سینه ام

نالای های مرغ خسته ای به گوش می رسد

بال های زخمی ام، نیازمند مرهم است.

صبحگاه جمعه ها،

آفتاب یاد تو ز «ندبه» ها طلوع می کند.

آنکه شب پس از دعا

با سرور اشتیاق و نغمه امید، خواب رفته است

روز را به شوق دیدنت شروع می کند

ای تو معنی امید و آرزو

ای برای انتظار عاشقانه، آبرو

عشق های پاک،

ص: ۱۹۹

در میان خنده ها و گریه های عاشقان
پیش عصمت الهی ات، خضوع می کند.

ای بهانه ای برای زیستن!

اشتیاق،

همچون سبزه بهاره هر طرف دمیده است

انتظار،

همچو غنچه ای به شاخسار دل شکفته است

جمکران،

جلوه ای از انتظار و شوق ماست

ای بهارِ جاودان

ای بهارِ آفرین

ما در انتظار مقدم تویم

ای امیدِ آخرین!

ای عزیز دل، پناه شیعیان

ای فروغِ جاودان

سایه بلند نام و یاد تو

از سر و سرای عاشقان بی قرار، کم مباد

قامت بلند شوق

جز بر آستان پرشكوه انتظار، خم مباد! (۱)

ص: ۲۰۰

۱- برگ و بار، ص ۱۲۲.

منابع و مأخذ

١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغه.
٣. آمدي، عبدالواحد، غرر الحكم، تصحيح محدث ارموى، دانشگاه تهران، ١٣٦٦ش.
٤. ابن طاووس، على بن موسى، جمال الأسبوع، منشورات رضى، ١٣٧١ش.
٥. _____، الملاحم و الفتن، اصفهان، مؤسسه صاحب الأمر، ١٤١٦ق.
٦. ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، بيروت، دار احياء الكتب العربيه، ١٣٧٨ق.
٧. أمين، سيد محسن، اعيان الشيعة، بيروت، دار التعارف للمطبوعات، ١٤٠٣ق.
٨. برقى، محمد بن خالد، المحاسن، قم، دار الكتب الاسلاميه، ط دوم، بى تا.
٩. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا.
١٠. حرانى، ابن شعبه، تحف العقول، قم، انتشارات اسلامى، ١٣٦٣ش.
١١. حكيمى، محمد رضا، الحياه، قم، دليل ما، ١٣٦٠ش.
١٢. خمينى، روح الله، صحيفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٣٦٢ش.
١٣. شوشترى، نور الله، احقاق الحق، قم، كتابخانه مرعشى نجفى، ١٤٠٥ق.
١٤. صافى گلپايگانى، لطف الله، منتخب الأثر، قم، مؤسسه المعصومه، بى تا.
١٥. صدوق، محمد بن على بن حسين، الغيبه، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه، ١٤٠١ق.
١٦. _____، امالى، قم، مؤسسه بعثت، ١٤١٧ق.
١٧. _____، ثواب الأعمال، منشورات رضى، بى تا.
١٨. _____، خصال، بيروت، مؤسسه الأعلمى، ١٣٨٩ق.
١٩. _____، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تهران، منشورات جهان، ١٣٧٨ق.

٢٠. _____، كمال الدين وتمام النعمه، قم، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٣ش.

ص: ٢٠١

٢١. _____، من لا يحضره الفقيه، قم، انتشارات اسلامي، ١٤٠٤ق.

٢٢. طباطبائي، محمد حسين، سنن النبي، تهران، كتابفروشي اسلاميه، ١٣٦٢ش.

٢٣. طبرسي، فضل بن حسن، مكارم الأخلاق، بيروت، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات، ١٣٦٢ ق.

٢٤. _____، احمد بن علي، الاحتجاج، تهران، اسوه ١٤١٦ ق.

٢٥. _____، مجمع البيان، قم، كتابخانه مرعشي نجفي، ١٤٠٣ق.

٢٦. طبري، محمد بن محمد، بشاره المصطفى، نجف، المطبعه الحيدريه، ١٣٨٣ق.

٢٧. طوسي، محمد بن حسن، امالي، قم، مؤسسه بعثت، ١٤١٤ ق.

٢٨. عياشي، محمد بن مسعود، تفسير عياشي، تهران، المكتبه العلميه، ١٣٨٠ ق.

٢٩. فيض كاشاني، محسن، محجّه البيضاء، قم، انتشارات اسلامي، بي تا.

٣٠. قرشي، باقر شريف، موسوعه سيره اهل البيت، قم، معروف، ١٤٣٠ق.

٣١. قمي، شيخ عباس، مفاتيح الجنان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ١٣٧٠ش.

٣٢. كاشاني، محمد بن فيض، معادن الحكمه، قم، انتشارات اسلامي، ١٤٠٧ ق.

٣٣. كريمي، محمد حسين، آيينه اسرار، قم، مسجد مقدس جمكران، ١٣٨٤ش.

٣٤. كليني، محمد بن يعقوب، اصول كافي، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٨٨ ق.

٣٥. مجلسي، محمد باقر، بحار الأنوار، بيروت، مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣ق.

٣٦. محمدي ري شهري، محمد، ميزان الحكمه، قم، دار الحديث، ١٤١٦ق.

٣٧. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الإختصاص، قم، انتشارات اسلامي، ١٣٦٣ش.

٣٨. نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دار المعارف، بي تا.

٣٩. نوري، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل، قم، آل البيت، ١٤٠٨ق.

٤٠. ورام بنابي، فراس، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، بيروت، دار التعارف، بي تا.

٤١. هندی، علاء الدین علی، کنز العمال، مؤسسہ الرسالہ، ١٤٠٥ق.

ص: ٢٠٢

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

